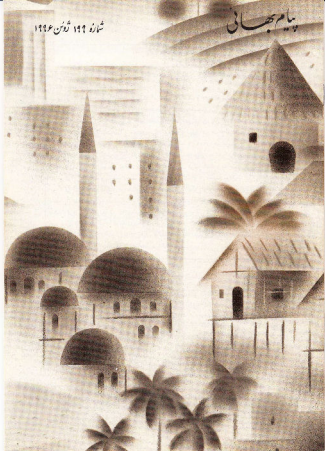


پیام جهانی

شماره ۱۹۹ دوشنبه ۱۳۹۹



یادداشت ماه

این سؤال که تا چه حد يك فرد می‌تواند در سرنوشت و مدار کار جامعه، بهائی خود مؤثر باشد برای همه، آن‌ها که به پیشرفت جامعه و نقش و وظیفه، خود در آن می‌اندیشند همواره مطرح بوده است.

پیام بیت‌عدل اعظم که زینت بخش این شماره است و در واقع برنامه، کار جامعه، جهانی بهائی در چهارسال آینده و دهه‌های بعد از آن بشمار می‌آید پاسخ روشنی به این سؤال در بر دارد و آن اهمیت و تأثیربخشی فراوان فرد در جریان امور است. برنامه‌های وسیع و مهمی که تشکیلات و محافل برای توسعه و تبلیغ امر طرح می‌نمایند اگر شرکت دسته‌جمعی و فعال افراد جامعه را همراه نداشته باشد در همان حد نوشته باقی می‌ماند و حاصلی جز یأس و سرخوردگی ببار نمی‌آورد. این برنامه‌ها وقتی به ثمر می‌نشینند که يك افراد خود را در آن سهم بدانند و حتی قدم را از آن فراتر نهند و با ابتکارات شخصی و بهره‌وری از امکانات و استعدادهای خود بر غنا و وسعت و در نتیجه موفقیت آن بیافزایند. این کافی نیست که شخص در حاشیه، جامعه به امید آنکه دیگران مشغول خدمت هستند دلخوش باشد، و یا به بهانه، نداشتن امکان و استعداد پای خود را از میدان خدمت بیرون کشد. فرد همانطور که در این پیام آمده با هر امکان و لیاقتی در مدار و مرکز هر پیشرفتی قرار دارد و اوست که با قدم‌های محکم و اراده‌ای که از ایمانش سرچشمه می‌گیرد می‌تواند پا پیش نهد و دوش به دوش سایر یاران جامعه را از يك پیروزی به پیروزی دیگر رساند. (به بخش‌های ۲۰ تا ۲۳ پیام مراجعه فرمائید.)

فهرست مندرجات

از آثار مقدسه / ۳	تأثیر دعا و مناجات در درمان / ۳۹
پیام رضوان بیت‌عدل اعظم الهی / ۵	ای فردا (شعر) / ۴۲
جهانی در حال انتقال / ۱۹	اهل بها و مفهوم جامعه، پیوسته / ۴۳
بی‌خانمان‌ها و کنفرانس مسکن در	یادی از عبدالمیثاق میثاقیه / ۴۹
استانبول / ۲۳	انسان باشیم (شعر) / ۵۲
کنفرانس سازمان ملل متحد برای	از گلخن فانی به گلشن باقی / ۵۳
سکونت‌گاه‌های انسانی / ۲۵	نامه‌های خوانندگان / ۵۵
پژوهشنامه / ۳۴	اخبار و بشارات جامعه، بهائی / ۵۹
دعا و مناجات / ۳۵	چند اطلاعیّه / ۶۲

عکس روی جلد (پوستر رسمی سازمان ملل متحد). بمناسبت دومین کنفرانس جهانی برای سکونت‌گاه‌های انسانی. به مقالات داخل مجله مراجعه فرمائید.

دین الله فی تحقیق عبارت از اعمال است

از خطابات مبارکه حضرت مولی الوری

دین الله فی تحقیق عبارت از اعمال است عبارت از الفاظ نیست زیرا دین الله عبارت از علاج است و استن دوا ثمری ندارد بلکه استعمال دوا اثر دارد اگر طبیبی جمیع ادویه را بداند اما استعمال نکند چه فایده دارد؟ تعالیم الهی باید چه کرد، باید عمل شود، مجتهد خواندن و دانستن ثمری ندارد ... در جمیع ادیان الهیه در هدایت عمل بوده نه قول مثلاً در ایام حضرت مسیح، حواریین به موجب تعالیم الهی عمل میکردند این بود که ترقی کردند از حنیف ذلت به اوج عزت رسیدند و از ظلمات او یام به نور هدایت نمندی شدند همیشه چنین بوده ولی چون آن ایام میگذرد به تدریج تغییری نماید کم کم عمل کم می شود و قول زیاد میگردد تا به درجای می رسد که عمل نمی ماند تمام صرف قول می شود این است که در قرون وسطی، امر الله به درجای رسیده بود که از تعالیم مسیحی اثری باقی نمانده افراد و ملوک مسیحی جمیعاً به هم افتادند حرب دائمی بود.

(ج ۱ ص ۱۰۷-۱۰۸)

جمیع ملل عالم از حیثیت اقوال کاملند جمیع ذکر می کنند که محبت خیرند ولی جمیع این ما در عالم قول می ماند عملی در میان نیست هر نفسی به هوی و بهوس خود مشغول است هر کس در فکر منفعت خویش است ولو مضرت دیگران در آن باشد ... ولی بهائیان نباید چنین باشند بهائیان باید نیت از باشند باید عملشان بیش از قولشان باشد، به عمل رحمت عالمیان باشند نه به قول، به رفتار و کردار و اعمال خودشان اثبات صداقت کنند و اثبات نیت نمایند فضائل عالم انسانی را آشکار کنند، نور نیت آسمانی را واضح نمایند، اعمالشان منبر یاد بر آرد که من بهائیم تا سبب ترقی عالم انسانی شوند اگر انسان به اعمال بهائی قیام در رفتار کند هیچ قول لازم ندارد اعمال است که جهان را ترقی داده، اعمال است که این مدنیت را ترویج کرده ... روحانیات هم نظیر مادیات است اعمال اهل ملکوت

سبب حیات قلوب می شوند افعال ، اعمال خیریه سبب مسرت وجدان می شود ، فضائل عالم انسانی سبب نورانیت بشری شود . (ج ۱ - ص ۱۲۸ - ۱۲۹)

ترقی مادی سبب تحسین اخلاق می شود ... درازمنه سابقه که چنین ترقیات مادی نبود به این شدت عم خونی نبود ، ... ترقیات مادی سبب آسایش عالم انسانی و ترقی عالم اخلاق نیست بلکه اگر منظم به احساسات و نیاز شود آن وقت ترقی حاصل می شود ... زیرا تعالیم الهی مانند روح است و ترقیات مادی مانند جسد جسد به روح زنده است و آلام زنده است . (ج ۱ - ص ۵ - ۱۹۴)

ادیان الهی سبب الفت و محبت بوده ، دین الهی سبب نزاع و جدال نیست اگر دین سبب جدال و قتال گردد عدم آن بهتر است زیرا دین باید سبب حیات گردد اگر سبب ممات شود البته معدوم خوشتر و بی دینی بهتر زیرا تعالیم الهی به سبب علاج است اگر علاج سبب مرض شود البته عدم علاج خوشتر است . (ج ۲ - ص ۶۱)
توجه تعلیم و تربیت بر دو قسم است یکی بواسطه افعال ، انسان نفوس تربیت میکند دیگر بواسطه اعمال . انسان ممکن است به افعال مردم را تربیت کند لکن چشم از آن تربیت به اعمال است زیرا اعمال تأثیر بیشتر است مثلاً انسان ذکر و فاکند و مردم را به زبان دعوت به محبت و وفا نماید تا خود او به محبت و وفا قیام کند البته این عمل بیشتر تأثیر دارد ... انسان دیگران را به هر چه که می خواهد اگر خود عامل باشد البته تأثیر دارد نه اگر ناس را به حسن اخلاق دعوت کند و خود سوء اخلاق داشته باشد ابتدا تأثیر ندارد ... اگر ناس را به وحدت عالم انسانی دعوت کند و خود عامل نباشد چه تأثیر خواهد داشت ؟ پس انسان باید سایرین را به اعمال خود تربیت کند زیرا انسان تا جوهر تقدیس نگردد و ایمان تمام نداشته باشد و در مقام خدا نباشد و احساساتش احساسات الهی نباشد و روحش منجذب به روح القدس نگردد و نورانیت فکر نداشته باشد و قلب مقدس نداشته باشد و اعمال خیر نداشته باشد شبهه ای نیست که ابتدا کلامش تأثیر ندارد ابتدا افکارش تمر ندارد آنچه بگوید و بکار دهم پیوسته است پس باید از خدا مسئلت کرد که ما را متوفق به اعمال خیر کند ، ما را متوفق به افکار عالی نماید ، ما را متوفق به اخلاق روحانی کند آن وقت می توانیم خدمت به عالم انسانی نماییم ، آن وقت می توانیم سبب نورانیت عالم انسانی گردیم .

پیام بیت العدل اعظم



ترجمه، پیام بیت العدل اعظم
خطاب به بهائیان عالم
رضوان ۱۵۳ بدیع

یاران عزیز الهی،

با قلبی طافح از شکرانه و امتنان به
ساحت جمال قدس منان، شمول الطاف و
عنایات لانهایه، الهیه را در طی نقشه سه
ساله‌ای که در این عید اعظم پایان
می‌پذیرد سپاس می‌داریم. اثرات
حیات‌بخش سال مقدس در آغاز نقشه،
مزبور در رضوان ۱۹۹۳ مورث تحرک و
شور و شوقی گردید که در سراسر این
دوره، مشحون از مساعی مجدانه مشهود
بود و سبب گردید که جامعه، جهانی
بهائی بیش از پیش انسجام یابد و
نیرومندی و بلوغ و اطمینان حاصل کند و
در عین حال حیثیت و اعتباری به مراتب
افزون‌تر از قبل بدست آورد. گرچه نقشه،
سه ساله، با وجود افزایش قابل ملاحظه،
تعداد احباء در کشورهای مختلف، با
ازدیاد چشمگیر اعضا، جامعه، بهائی خاتمه
نیافته ولیکن از نظر کیفی جامعه را تقویت
نموده و برای استفاده از فرصت‌های موجود
آماده ساخته است.

در بین اقدامات قابل سنجش و

اندازه‌گیری این دوره، پیشرفت شکوهمند مشروعات
جبل کرمل حائز برتری ویژه‌ای است. با وجود مشاكل
بی‌شمار، ساختمان این مشروعات در این زمان به
همان مرحله‌ای رسیده است که در پیام افتتاحیه،
نقشه، سه ساله پیش‌بینی شده بود. ساختمان تمام
مشروعاتی که مورد نظر بوده آغاز گردیده است.
اسکلت ساختمان مرکز مطالعه و تحقیق در نصوص و
بنای ضمیمه، دارالآثار بین‌المللی ساخته شده و
ساختمان این مشروعات به مرحله، تزئین و تکمیل در
خارج و داخل بنا رسیده است. ساختمان مقرر

دارالتبلیغ بین‌المللی یعنی سومین بنا از ابنیه‌ای که در حال حاضر در اطراف قوس کرمل ساخته می‌شود با سرعت به پیش می‌رود. هفت طبقه از طبقات ذیل مقام اعلیٰ تکمیل گردیده و منظره، پایان شکوهمند این مشروع را که از پای تا رأس کوه مقدس خداوند ادامه خواهد داشت در نظر مجسم می‌نماید. زیبایی نقشی که در اثر این ساختمان‌ها بر کوه کرمل گسترده خواهد شد از هم اکنون مایه شگفتی و اعجاب ناظران است.

جنبه‌های صوری و ملموس پیشرفت که این چنین شگفته‌انگیز تحقق یافته دلیل بر موفقیتی مهم‌تر یعنی تحقق وحدت آرمان در سراسر جامعه، جهانی بهائی به منظور ادامه چنین اقدام عظیم دسته جمعی است. شدت علاقه‌مندی و پشتیبانی یاران در این مورد به صورت تقدیم تبرعات به نحوی بی‌سابقه ظاهر گشته که خود نشانه، آن درجه از فداکاری است که از کیفیت ایمان و سخاوت درونی دلدادگان جمال رحمن در سراسر جهان حکایت می‌کند. تبرعاتی که برای مشروعات کوه کرمل اهداء شده هدف نقشه، سه ساله را که جمع‌آوری هفتاد و چهار ملیون دلار بود به انجام رسانده و خود شاهد استثنائی و ملموس دیگری است که موجب حصول اطمینان از تأمین کمک مالی لازم برای تکمیل این مشروعات تا خاتمه، این قرن است.

علائم پیشرفت در سه سال گذشته در زمینه‌های وسیع و گوناگون ملاحظه می‌شود. کوشش‌های قابل ملاحظه در راه توسعه و تحکیم جامعه، افزایش اقدامات مربوط به توسعه و عمران اقتصادی و اجتماعی، و اقدامات بی‌سابقه در زمینه روابط خارجی جامعه، بهائی کلاً جامعه‌ای را مجسم می‌سازد که واجد قابلیت‌هایی جدید شده است.

۵ مساعی مبذوله در عرصه، تبلیغ امرالله بطور کلی افزایش داشته است. تشکیل دوازده محفل روحانی ملی جدید در طی نقشه، سه ساله و ازدیاد قابل توجه مهاجرین و مبلغین سیار حاکی از این افزایش است. یاران الهی در بسیاری از کشورها در اثر اقدامات بدیعی که در جریان نقشه برای اقدام به امر هجرت پیشنهاد شد شور و شوقی جدید یافتند. تعداد مهاجرین اعزامی از ممالک و نیز تعداد مهاجرینی که در کشورهای گوناگون استقرار یافتند افزایش بسیار داشت و به راستی سبلی از مبلغین سیار در داخل کشورها و در صحنه، بین‌المللی به خدمت اشتغال جستند. فعالیت‌های دسته جمعی ناشرین نفعات الله که با ترتیبی منظم قیام نمودند و طرح‌های تبلیغی دراز مدت که دارای اهداف مشخص و دقیقی بودند نتایج بسیار به بار آورد و در تعدادی از ممالک بی‌سابقه بود.

۶ قوا و ابتکاراتی که در اقدامات گوناگون به منظور توسعه، نطاق و تحکیم مبانی امر الهی به منصه، ظهور رسید به میزان زیادی مرهون مساعی و هم دارالتبلیغ بین‌المللی است؛ هدایت و تشویق مستمر هیئت‌های مشاورین قاره‌ای؛ اتخاذ روش‌های جدید برای اعزام مهاجرین که در پیام بیت العدل اعظم صادره در نخستین ماه‌های شروع نقشه به منظور ترغیب یاران الهی به مهاجرت مورد تأیید قرار گرفته بود؛ مساعدت منظم به لجنات قاره‌ای مهاجرت که زیر نظر دارالتبلیغ بین‌المللی قرار دارد؛ بذل توجه بلاانقطاع به نیازمندی‌های تربیتی جامعه در ضمن ارتباط دارالتبلیغ با مشاورین درباره، گنجائیدن برنامه‌های تزئید معلومات امری برای مصدقین جدید در طرح‌های تبلیغی؛ طراحی دوره‌های آموزشی برای تعلیم و پرورش استعدادهای

دارالتبلیغ بین‌المللی یعنی سومین بنا از ابنیه‌ای که در حال حاضر در اطراف قوس کرمل ساخته می‌شود با سرعت به پیش می‌رود. هفت طبقه از طبقات ذیل مقام اعلیٰ تکمیل گردیده و منظره پایان شکوهمند این مشروع را که از پای تا رأس کوه مقدس خداوند ادامه خواهد داشت در نظر مجسم می‌نماید. زیبایی نقشی که در اثر این ساختمان‌ها بر کوه کرمل گسترده خواهد شد از هم اکنون مایه شگفتی و اعجاب ناظران است.

۳ جنبه‌های صوری و ملموس پیشرفت که این چنین شگفت‌انگیز تحقق یافته دلیل بر موفقیتی مهم‌تر یعنی تحقق وحدت آرمان در سراسر جامعه جهانی بهائی به منظور ادامه چنین اقدام عظیم دسته جمعی است. شدت علاقه‌مندی و پشتیبانی یاران در این مورد به صورت تقدیم تبرعات به نحوی بی‌سابقه ظاهر گشته که خود نشانه آن درجه از فداکاری است که از کیفیت ایمان و سخاوت درونی دلدادگان جمال رحمن در سراسر جهان حکایت می‌کند. تبرعاتی که برای مشروعات کوه کرمل اهداء شده هدف نقشه سه ساله را که جمع‌آوری هفتاد و چهار ملیون دلار بود به انجام رسانده و خود شاهد استثنائی و ملموس دیگری است که موجب حصول اطمینان از تأمین کمک مالی لازم برای تکمیل این مشروعات تا خاتمه این قرن است.

۴ علائم پیشرفت در سه سال گذشته در زمینه‌های وسیع و گوناگون ملاحظه می‌شود. کوشش‌های قابل ملاحظه در راه توسعه و تحکیم جامعه، افزایش اقدامات مربوط به توسعه و عمران اقتصادی و اجتماعی، و اقدامات بی‌سابقه در زمینه روابط خارجی جامعه بهائی کلاً جامعه‌ای را مجسم می‌سازد که واجد قابلیت‌هایی جدید شده است.

۵ مساعی مبذوله در عرصه تبلیغ امرالله بطور کلی افزایش داشته است. تشکیل دوازده محفل روحانی ملی جدید در طی نقشه سه ساله و ازدیاد قابل توجه مهاجرین و مبلغین سیار حاکی از این افزایش است. یاران الهی در بسیاری از کشورها در اثر اقدامات بدیعی که در جریان نقشه برای اقدام به امر هجرت پیشنهاد شد شور و شوقی جدید یافتند. تعداد مهاجرین اعزامی از ممالک و نیز تعداد مهاجرینی که در کشورهای گوناگون استقرار یافتند افزایش بسیار داشت و به راستی سبلی از مبلغین سیار در داخل کشورها و در صحنه بین‌المللی به خدمت اشتغال جستند. فعالیت‌های دسته جمعی ناشرین نفحات الله که با ترتیبی منظم قیام نمودند و طرح‌های تبلیغی دراز مدت که دارای اهداف مشخص و دقیقی بودند نتایج بسیار به بار آورد و در تعدادی از ممالک بی‌سابقه بود.

۶ قوا و ابتکاراتی که در اقدامات گوناگون به منظور توسعه، نطق و تحکیم مبانی امر الهی به منصه ظهور رسید به میزان زیادی مرهون مساعی و هم دارالتبلیغ بین‌المللی است: هدایت و تشویق مستمر هیئت‌های مشاورین قاره‌ای؛ اتخاذ روش‌های جدید برای اعزام مهاجرین که در پیام بیت العدل اعظم صادره در نخستین ماه‌های شروع نقشه به منظور ترغیب یاران الهی به مهاجرت مورد تأیید قرار گرفته بود؛ مساعدت منظم به لجنات قاره‌ای مهاجرت که زیر نظر دارالتبلیغ بین‌المللی قرار دارد؛ بذل توجه بلاانقطاع به نیازمندی‌های تربیتی جامعه در ضمن ارتباط دارالتبلیغ با مشاورین درباره گنج‌آیدن برنامه‌های تزئید معلومات امری برای مصدقین جدید در طرح‌های تبلیغی؛ طراحی دوره‌های آموزشی برای تعلیم و پرورش استعدادهای

قابلیت شایان تحسینی ابراز داشته‌اند. یکی از پدیده‌هایی که در این دوره جلب توجه نمود ظهور و بروز شجاعت و خلاقیت و توانمندی در جوامع بهائی جزائر پراکنده در سراسر عالم بود. فعالیت‌های بسیار متنوعی در این جوامع انجام گرفت که مشتمل بود بر قیام مبلغین محلی، تعلیم و اعزام تعداد قابل ملاحظه‌ای از مبلغین سیار به جزائر مجاور، افتتاح مدارس ابتدائی، ایجاد فرصت‌های متعدد برای اعلان امرالله و ترتیب و اجرای برنامه‌هایی که مقامات عالی‌رتبه و صاحبان نفوذ در آن حضور داشتند. این حقیقت که در سال‌های اخیر تعدادی از رهبران دولت‌های این جزائر از مرکز جهانی بهائی دیدن نموده‌اند نشانه فعالیت شایان توجه احبای این جزائر کوچک است که در دریا‌های سراسر جهان پراکنده‌اند. مثال‌هایی که از نحوه برخورد و کوشش یاران الهی در موارد مختلف ذکر شد حاکی از افزایش تعهد آنان نسبت به خدمات تبلیغی و استواری و بلوغ روزافزون آنان و نشانه‌ای از عمق ایمانی است که در بین جوامعی کاملاً متفاوت مورث شوق به خدمت در احباء می‌گردد.

- ۸ هم‌آهنگ با اقدامات فوق‌الذکر جوانان نیز در سبیل تبلیغ و تقویت جوامع کوشش نمودند. مساعی آنان در این دوره سه ساله ابعادی جدید داشت. در نتیجه برگزاری کنفرانس‌های جوانان و اجتماعات دیگری که موافق با ذوق آنان تشکیل گردید، جوانان در سراسر جهان با مشارکت در سفرهای تبلیغی در داخل و خارج ممالك خود و به صورت گروه‌های کوچک در اقدامات دسته جمعی تبلیغی شرکت کردند و وقت و قوا و شور و اشتیاقی فراوان در خدمات تبلیغی مصروف داشته، سبب شدند که صدها نفر

گونگون؛ تربیت مربیان برای نونهالان؛ ازدیاد کلاس‌های تربیت امری برای اطفال و بالاخره تشویق و ترغیب لازم برای تأسیس مؤسسات آموزشی در مناطق مختلف جهان - همگی ثمرات و نتایج بهیه به بار آورده است. همچنین اقدام دارالتبلیغ بین‌المللی که با کمک مشاورین برای تعداد روزافزونی از ممالك مجموعه‌ای از آثار امری را به عنوان کتب مقدماتی اصلی انتخاب نموده‌اند درخور تقدیر و فیر است. در اثر اجرای چنین برنامه‌هایی بعضی از کتب امری که برای تبلیغ امرالله و تزئید معارف امری احباء ضروری است انتخاب و به تعدادی کثیر طبع گردیده و با قیمتی نازل در اختیار یاران قرار گرفته است. پیشرفت چشمگیر و رشد و بلوغ این مؤسسه مهم که در مرکز جهانی بهائی فعالیت دارد در تهیه مقدمات و تشکیل کنفرانس مشاورین در دسامبر گذشته مشهود بود، کنفرانسی که برنامه خدمات مشاورین را که صاحب‌منصبان عالی‌رتبه امر بهائی هستند در سال‌هایی که بلا فاصله در پیش است مشخص ساخته است.

۷ پیشرفت دیگری که حاصل گردید از یاد محسوسی در میزان قبول مسئولیت احبای بومی برای خدمات تبلیغی و تزئید معارف امری در کشورهای خود بود. در مناطقی که به مشاکل و متاعب شدید دچار بودند از جمله آنگولا، کامبوج، لیبیا و سی‌یرالیون احباء در زمینه تبلیغ امرالله که موجب اقبال نفوس کثیره گردید و یا تأسیس و تجدید فعالیت محافل روحانی و یا ایجاد و ادامه طرح‌های توسعه و عمران به انتصارات مهمی دست یافتند. در کشورهای که اخیراً محافل روحانی ملی در آنها تأسیس شده مانند کشورهای واقع در شرق اروپا و شوروی سابق، احباء در اداره امور امری استعداد و

به امر الهی اقبال نمایند و محافل روحانی محلی بسیاری تأسیس گردد. از وجوه مشخصه، اقدامات جوانان به کار گرفتن موسیقی و سایر هنرها به عنوان وسائلی برای اعلان امرالله و نشر نجات الله در بسیاری از نقاط بود و رواج یافتن کارگاههای رقص و نمایش (dance and drama workshops) به نحو اخص در این زمینه مؤثر واقع گردید. مشارکت جوانان در روابط خارجی امکاناتی جدید برای امر الهی بوجود آورد. تعهد يك سال خدمت بیش از پیش رواج یافت و همزمان با آن تعداد جوانانی که به تحصیلات رسمی برای اخذ درجات علمی، تخصصی و حرفه‌ای اشتغال دارند افزایش قابل ملاحظه‌ای پیدا نمود. این جریانات بطور کلی حاکی از آنست که جوانان در ضمن آنکه بیشتر به خدمات امری اشتغال دارند برای توسعه و پیشرفت اجتماع نیز فعالیت می‌کنند.

۹. نشانه‌های تحکیم مبانی جامعه همچنین در افزایش مشارکت یاران الهی در خدمات توسعه و عمران اجتماعی و اقتصادی به ویژه در تعلیم و تربیت مشهود بود. در موردی بسیار قابل توجه یکی از دولت‌ها از بهائیان تقاضا کرد که مسئولیت اداره هفت مدرسه از مدارس دولتی را بر عهده گیرند. احباء نیز با پشتیبانی خدمات اجتماعی و اقتصادی در مرکز جهانی بهائی این خدمت را آغاز کردند. شایسته تذکر است که در افریقا جامعه‌های بهائی که در اثر اغتشاشات سیاسی در کشورشان در تبعید تشکیل گردیده به تأسیس مزارع کشاورزی و مشروعات دیگر ادامه داده‌اند و این امر به میزان زیادی سبب خودکفائی آنان شده است. سعی و کوشش در اعتلاء مقام نسوان با شتابی بیشتر پیشرفت نموده و در تعدادی از کشورها

علاوه بر شرکت احباء در طرح‌هایی که از طرف سازمان‌های دیگر ترتیب یافته، مؤسسات امری لجنات و دفاتری برای حفظ مصالح نسوان تشکیل داده‌اند. تأسیس دفتر جامعه بین‌المللی بهائی برای ترقی نسوان نشانه افزایش توجه و اقدامات مبذوله در این زمینه است.

۱۰. در تعدادی از کشورها نیز احباء به نحو بارزی در برنامه‌هایی که از طرف دولت برای بهبود وضع بهداشت ترتیب یافته بود مشارکت جستند و در مواردی دیگر دستم‌هایی از یاران الهی رأساً چنین برنامه‌هایی ترتیب داده و به مرحله اجرا گذاشتند. خدمات مربوط به توسعه و عمران اجتماعی و اقتصادی نیز در اثر تأسیس و تحکیم تعدادی مشروعات و سازمان‌های عمده قابل ملاحظه بود. سه طرح آزمایشی سوادآموزی به عنوان مرحله، مقدماتی طرح سوادآموزی در سراسر جهان که دفتر خدمات اجتماعی و اقتصادی در مرکز جهانی بهائی قصد آغاز آن را دارد به مرحله اجرا گذاشته شد. همچنین اقداماتی به ابتکار و یا با مشارکت بهائیان برای توسعه و پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی معمول گردید که سبب مشارکت عمومی و جلب توجه وسائط خبری شد و مایه اعلان امرالله گردید.

۱۱. فعالیت‌های مربوط به روابط خارجی، نسبت به مدت زمان مشابهی در گذشته، افزایشی سریع داشت و سبب اشتغال امر بهائی شد. کوشش‌های بی‌سابقه در این زمینه در جمیع مناطق جهان بیش از پیش سبب نمایان شدن امر الهی در انظار و در نتیجه افزایش اعتبار جامعه بین‌المللی بهائی گردید. شواهد این پیشرفت به سهولت در اقدامات جوامع بهائی اعم از بزرگ و کوچک در ترتیب دادن و یا در مشارکت جستن در اقدامات

در ارتباط با آن کنفرانس ترتیب داده شده بود با تعلیم بهائی کوشش بسیار مؤثری مبدول نمودند. در همین کنفرانس بود که بیانیّه "رفاه عالم انسانی" که بوسیله دفتر اطلاعات عمومی جامعه بین‌المللی بهائی تهیه شده بود برای اولین بار پخش شد و مورد بحث قرار گرفت و سپس در سراسر جهان کنفرانس‌ها و سمینارهایی درباره آن تشکیل گردید و بیانیّه مزبور به نحو وسیع‌تری توزیع شد. دوم، چهارمین کنفرانس جهانی بهائی درباره زنان و همزمان با آن اجتماع بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی بود که در ماه سپتامبر در پکن برگزار شد و علاوه بر نمایندگان رسمی جامعه بین‌المللی بهائی پانصد نفر از احباء از اطراف دنیا در آن حضور داشتند. در همین سال سومین رویداد مهم یعنی مراسم یادبود پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان ملل، دفتر جامعه بین‌المللی بهائی در سازمان ملل متحد را بر آن داشت که بیانیّه‌ای تحت عنوان "نقطه عطفی برای جمیع ملل عالم" متضمن پیشنهادهایی برای پیشرفت سازمان ملل تهیه و منتشر سازد.

- ۱۴ در بین اقدامات مربوط به روابط خارجی دو مورد دیگر که مربوط به مشارکت بارز حضرت امة البهاء روحیه خانم بود جالب توجه خاص است. در بهار گذشته حضرت امة البهاء در سمت ریاست هیئت چهار نفری نمایندگان رسمی جامعه بهائی در جلسه سران اتحادیه ادیان برای حفظ محیط زیست (Alliance between Religions and Conservation) که تحت توجهات عالیّه والا حضرت پرنس فیلیپ و در کاخ ویندزور تشکیل گردید شرکت نمودند. در ماه اکتبر روحیه خانم سخنران اصلی چهارمین کنفرانس بین‌المللی تحول به سوی جامعه جهانی

عمومی و نیز در حضور جامعه بهائی به صورت نیروئی خاص در جامعه که مورد شناسائی سازمان‌های دولتی و غیردولتی و بسیاری از شخصیت‌های برجسته قرار گرفته، و نیز در سهولت دسترسی به وسائط خبری آشکار است. فی الحقیقه وسعت نشر اخبار مربوط به رویدادهای امری در وسائط ارتباطی چاپی و الکترونیکی (print and electronic communication media) از حد احصاء خارج است.

- ۱۲ در مجموعه رویدادهای مربوط به امر مبارک در سراسر جهان بعضی وقایع به نحوی برجسته‌تر نمایان بود، از جمله فراوانی مواردی که مقامات عالی‌رتبه، مملکتی احباء را به مشارکت یا مساعدت در تنظیم و اجرای برنامه یا طرحی دعوت نمودند؛ ابتکارات موفقیت‌آمیز احباء در مؤثر واقع شدن در اقدامات دولتی؛ ایجاد برنامه‌ها و دروس امری در دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها و اضافه کردن مطالبی درباره امر در برنامه مدارس دولتی؛ و بالاخره استفاده از هنر توسط مؤسسات امری و گروه‌هایی از احباء یا افراد احباء برای اعلان و انتشار امر الهی.

- ۱۳ در سال ۱۹۹۵ دو واقعه در سازمان ملل متحد روی داد که شاهد سرعت روزافزون جلوه و ظهور وحدت افکار در اقدامات بین‌المللی بود و توجه کامل جامعه بهائی را به خود معطوف داشته، سبب مشارکت جامعه امر در اقدامات مزبور گردید. نخست، کنفرانس جهانی سران دول برای توسعه و پیشرفت اجتماعی بود که در ماه مارس در کپنهاگ تشکیل گردید. دویست و پنجاه نفر از یاران الهی از چهل کشور مختلف در آن کنفرانس حضور داشتند و برای آشنا ساختن شرکت‌کنندگان در کنفرانس مزبور و همچنین در اجتماع سازمان‌های غیردولتی که همزمان و

بودند که با حمایت سازمان یونسکو توسط گرسی صلح جهانی بهائی و بخش تاریخ دانشگاه مریلند تشکیل شد.

۱۵ از ذکر بعضی دیگر از وقایع مهم این دوره نیز نمی‌توان چشم پوشید. از جمله چاپ مخصوص کتاب مستطاب اقدس به زبان اصلی عربی که برای اولین بار همراه با ترجمه فارسی یادداشت‌ها و ضمائم که با ترجمه انگلیسی کتاب مزبور منتشر شده طبع و نشر گردید. حکم حقوق‌الله به نحوی عمیق‌تر در قلوب یاران الهی در سراسر جهان جایگزین گردید و در آخرین سال نقشه، امین حقوق‌الله و ایادی امرالله جناب دکتر علی محمد ورقاء در ارض اقدس سکونت گزیدند و این اقدام سبب گردید که هر سه نفر حضرات ایادی امرالله امة البهاء روحیه خانم، جناب علی اکبر فروتن و جناب دکتر ورقاء در حال حاضر ساکن مرکز جهانی بهائی باشند و سبب تشویق زائران و مسافران و خادمان مرکز جهانی شوند.

۱۶ بر اساس چنین پیشرفت‌های امیدوارکننده‌ای است که در این رضوان نقشه، چهار ساله را آغاز می‌کنیم، نقشه‌ای که تا رضوان سال دو هزار ادامه خواهد داشت. با کمال محبت و اشتیاق از خواهران و برادران خود در سراسر جهان دعوت می‌کنیم که در تجهیز مساعی و مجهوداتی که میراث روحانی غنی و پایداری را برای نسل‌هایی که در قرن بیست و یکم زندگانی خواهند کرد تضمین خواهد نمود با این هیئت تشریک مساعی نمایند.

۱۷ هدف نقشه، چهار ساله اقدامی اساسی یعنی پیشرفتی مهم در جریان دخول افواج مقبلین است. همانطور که قبلاً متذکر شده‌ایم چنین پیشرفتی باید از طریق افزایش فعالیت‌ها و

اقدامات افراد احباء و مؤسسات امری و جوامع محلی تحقق یابد.

۱۸ عبارت "پیشرفت جریان دخول افواج مقبلین" متضمن این مفهوم است که شرایط کنونی ایجاب می‌کند و فرصت‌های موجود اجازه می‌دهد که جامعه جهانی بهائی پیشرفت و توسعه‌ای عظیم و مستمر حاصل نماید. چنین پیشرفتی در قبال اوضاع کنونی جهان ضروری است و در تأسیس نظم حضرت بهاء‌الله سه عامل یعنی افراد و مؤسسات و جامعه می‌توانند چنین پیشرفتی را عملی سازند. نحوه عمل عوامل مذکور چنین است که ابتداء از نظر روحانی و عقلانی امکان چنین اقدامی را بپذیرند و سپس با سعی و کوشش برای تبلیغ گروه‌هایی از مقبلین جدید و تهیه و تجهیز وسائل برای آموزش و پرورش روحانی و اداری آنان تعداد مبلفین و مدیران مطلع و فعال را برای مشارکت در خدمات امری چندین برابر کنند و بدین ترتیب دخول صفوف مقبلین جدید را در ظل امر الهی و تکامل و بلوغ بلاانقطاع محافل روحانی و استحکام مستمر جامعه را تضمین نمایند.

۱۹ علاوه بر این، عبارت "افزایش پیشرفت جریان دخول افواج مقبلین" حاکی از آنست که این پیشرفت آغاز شده و جوامع محلی و ملی در مراحل مختلف این جریان قرار دارند. حال از جمیع جوامع محلی انتظار می‌رود که برای استمرار جریان مزبور اقدام نمایند و توسعه و تحکیم هر جامعه را به میزانی که با امکانات موجود متناسب باشد افزایش بخشند. از افراد و مؤسسات، در حالی که هر یک در حوزه خاص خود فعالیت دارند، درخواست می‌شود که به منظور رفع نیازمندی‌های این دوران بحرانی در حیات جامعه، بهائی و در سرنوشت تمامی جامعه،

بشری، قیام نمایند.

۲۰ نقش و وظیفه، فرد در خدمات امری حائز اهمیت بی‌نظیر است. فرد است که روح ایمان را که اساس موفقیت در اقدامات تبلیغی و توسعه و پیشرفت جامعه است زنده و نباض نگاه می‌دارد. از حکم حضرت بهاء‌الله که فرد مؤمن را موظف می‌سازد که به تبلیغ امر مبارکش پردازد مفری نیست و نمی‌توان آن را به یکی از مؤسسات امری محول نمود و هیچ یک از آن مؤسسات نیز نمی‌تواند این وظیفه، افراد را بر عهده گیرد. تنها فرد بهائی است که می‌تواند استعدادهای را که مشتمل بر توانائی استفاده از ابتکارات شخصی، اغتنام فرصت‌ها، ایجاد روابط دوستانه با دیگران، معاشرت و مصاحبت با سایرین، برقرار ساختن ارتباط با مردمان، جلب همکاری سایرین در خدمات مشترک امری و اجتماعی، و بالاخره اجرای تصمیمات متخذه بوسیله هیئت‌ها و مؤسسات امری است به کار گیرد. این وظیفه، فرد بهائی است که «به جمیع وسائل ممکنه متشبث شود و طرق مختلفه را به کمال دقت مورد مطالعه قرار دهد تا به جلب افکار و حفظ علائق و تحکیم و تقویت ایمان نفوسی که دخولشان را در ظل امرالله طالب و الحاقشان را به جامعه اسم اعظم شائق و آرزومند است توفیق یابد.» (ترجمه)

۲۱ فرد بهائی برای حدّ اکثر استفاده از این قابلیت‌ها به عشقی که به حضرت بهاء‌الله دارد، و به قوه عهد و میثاق، و به نیروی محرکه دعا و مناجات، و به الهامات و تعلیماتی که از مطالعه، نصوص مبارکه حاصل می‌گردد، و بالاخره به قوای تقلیب‌کننده‌ای که در اثر کوشش در انطباق رفتار با احکام و اصول الهی در روح و وجدانش ایجاد می‌شود متکی و متوسل می‌گردد. علاوه بر

اینها به فرد بهائی که موظف به تبلیغ امرالله است این استعداد عطا شده که جاذب تأییداتی باشد که حضرت بهاء‌الله مؤکداً وعده فرموده‌اند: «تالله الحق من یفتح الیوم شفتاه فی ذکر اسم ربّه لینزل علیه جنود الوحی عن مشرق اسمی الحکیم العلیم و یزین علیه اهل ملاً الاعلی بصحائف من النور.»

۲۲ حضرت ولی امرالله ضرورت قطعی اقدام و ابتکار فردی بهائیان را مورد تأکید قرار داده و توضیح فرموده‌اند که بدون پشتیبانی «صمیمانه و مستمر و سخاوتمندانه» افراد هر اقدام و هر نقشه، محفل روحانی ملی «محکوم به شکست» است و «مانع و رادعی» در راه حصول مقصود نقشه، ملکوتی مرکز میثاق ایجاد می‌شود. به علاوه تأییدات حضرت بهاء‌الله «از هر فردی که بالمآل در قیام به انجام وظیفه، خود قصور ورزد سلب خواهد شد.» (ترجمه) بنا بر این در مرکز و مدار هر پیشرفتی فرد قرار گرفته است که قدرت اجرایی را در دست دارد و تنها فرد است که می‌تواند از طریق اقدام و ابتکار شخصی آن را به جریان اندازد. درباره احساس عدم لیاقت که بعضی اوقات مانع از قیام و اقدام افراد می‌شود در یکی از توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله توصیه شده است که «علت عمده‌ای را که متذکر شدید عدم جرأت و ابتکار از طرف افراد و احساس حقارت است که مانع می‌گردد که با مردم مذاکره نمایند. دقیقاً همین نقاط ضعف است که یاران باید بر آنها فائق آیند. زیرا چنین احساسی نه تنها آنان را از اقدام باز می‌دارد بلکه فی الواقع موجب می‌شود که شعله ایمان در قلوبشان خاموش شود. فقط هنگامی که کلیه احبای الهی درک نمایند که هر یک از آنان قادر است در حدّ توانائی خود پیام الهی را ابلاغ نماید

می‌توانند امیدوار باشند که به هدفی که مولای علیم و مهربان برایشان تعیین نموده است نائل گردند... هر فرد بهائی بالقوه مبلغ امرالله است. فقط کافی است آنچه را خداوند به او عطا نموده به کار برد و بدین ترتیب ثابت نماید که به رسالت خود وفادار است.» (ترجمه)

۲۳ اما در مورد مؤسسات امری، بین آنها و دخول افواج مقبلین به امر الهی تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد. تکامل و بلوغ محافل روحانی ملی و محلی در این زمان نیازمند آنست که اعضای آن محافل و نیز نفوسی که آنان را انتخاب می‌نمایند طرز فکر جدیدی داشته باشند زیرا جامعه بهائی در جریان تاریخی عظیمی قرار گرفته و وارد مرحله بسیار مهمی می‌گردد. حضرت بهاءالله مؤسساتی را به دنیا عطا فرموده‌اند که باید در چهارچوب نظمی انجام وظیفه نمایند که قادر است نیروهای تمدن جدیدی را به کار اندازد. پیشرفت به سوی آن هدف شکوهمند محتاج توسعه عظیم و مداوم جامعه بهائی است تا برای بلوغ این مؤسسات حوزه عمل لازم فراهم گردد. توجه به این امر برای نفوسی در سراسر جهان که خود را از حامیان امر حضرت بهاءالله محسوب می‌دارند اهمیت فوری دارد.

۲۴ برای آنکه موجبات چنین توسعه‌ای فراهم آید محافل روحانی باید چنان برای اجرای مسئولیت‌های خود به عنوان مجاری هدایت الهی و طراحان نقشه‌های تبلیغی و عاملان توسعه، نیروی انسانی، و سازندگان جوامع و شبانان مهربان جماعات مردم قیام نمایند که به سطح و میزانی برتر از وضع کنونی نائل آیند. برای حصول این منظور باید توانائی اعضای خود را از طریق ذیل افزایش بخشند: مشاوره طبق اصول

امری، مشورت کردن با یاران ساکن حوزه، اختیارات محفل، پرورش روحیه خدمت، همکاری به طیب خاطر با مشاورین قاره‌ای و معاونان آنان، و توسعه روابط خارجی محفل. مخصوصاً پیشرفت برای بلوغ و تکامل مؤسسات امری باید به صورت ازدیاد مراکز امری مشهود گردد که در آنها طرز کار محافل روحانی موجب افزایش استعداد افراد احباء برای خدمت به امر و مورث پرورش وحدت عمل و اقدام می‌شود. بطور خلاصه میزان و مقیاس بلوغ محفل روحانی فقط در تشکیل مرتب جلسات و انجام امور جاری نیست، بلکه به افزایش و رشد تعداد اعضای جامعه، مفید و مؤثر بودن روابط متقابل بین محفل و اعضای جامعه، کیفیت حیات اجتماعی و روحانی جامعه، و نشاط و تحرک عمومی جامعه‌ای که پیوسته در حال رشد و توسعه است منوط و معلق است.

۲۵ جامعه هرچه بیشتر توسعه یابد هویت و مشخصات مستقلی احراز می‌نماید که از هویت و مشخصات افراد و مؤسسات جدا است. این توسعه و پیشرفتی ضروری است که باید در مورد نقاطی که تعداد کثیری مصدقین جدید داشته‌اند و نیز در رابطه با نقاط بسیاری که انتظار می‌رود در آنجا افواج مقبلین در ظل امر وارد شوند مورد توجه کامل قرار گیرد. بدیهی است که جامعه بیش از مجموع اعضا آنست. جامعه واحد جامعی از تمدن است که مرکب است از افراد، خانواده‌ها، و مؤسسات که خود سازنده و مشوق نظام‌ها و عوامل و سازمان‌هایی است که برای مقصدی واحد که عبارت از رفاه مردم در داخل و خارج جامعه باشد با یکدیگر همکاری می‌کنند. جامعه ترکیبی از شرکت‌کنندگان است که با یکدیگر متفاوتند و لکن در یکدیگر تأثیر و تأثر

گاه از طرف مؤسسات امری تشکیل می‌گردد و بالاخره اقدامات غیر رسمی جامعه اگرچه مهم است اما برای تربیت و تعلیم جامعه‌ای که به سرعت رشد می‌نماید کافی نیست. بنا بر این بسیار مهم است که به طرح روش‌های مخصوص برای تعلیم تعداد زیادی از احباء درباره اصول معتقدات و تعلیم بهائی و آموزش آنان و مساعدت به آنان برای اینکه تا آنجا که استعداد خداداده آنها اجازه می‌دهد به امر خدمت نمایند بطور منظم توجه شود. در تأسیس مؤسسات دائمی برای تأمین برنامه‌های آموزشی که به نحو کامل تهیه شده و بطور رسمی و طبق برنامه، زمانی منظم اجراء می‌شود به هیچ وجه نباید تأخیر شود. این مؤسسات لازم است به محل و تسهیلات مناسب دسترسی داشته باشند اما ضروری نیست که دارای ساختمان مخصوص به خود باشند.

این امر به تشدید همکاری بین مشاورین قارامی و محافل ملی نیازمند است زیرا موقعیت این مؤسسات آموزشی به میزان زیاد منوط به دخالت فعال مشاورین و اعضاء هیئت معاونت در فعالیت‌های آنان است. مخصوصاً لازم است که اعضاء هیئت معاونت با مؤسسات آموزشی و البته با محافل محلی که جوامع آنان از برنامه‌های این مؤسسات بهره‌مند می‌شوند همکاری نزدیک داشته باشند. چون این مؤسسات باید مراکز یادگیری محسوب شوند و چون خصوصیات این مؤسسات موافق با مسئولیت‌های تعلیم و تربیتی اعضاء هیئت معاونت است و میدان عملی برای آنها بوجود می‌آورد از این پس باید شرکت بسیار نزدیک در فعالیت این مؤسسات بخشی از اقدامات این صاحبان مناصب در امر گردد. استفاده از استعدادها و توانائی‌های تعداد

متقابل دارند و پیوسته می‌کوشند تا برای نیل به پیشرفت و رفاه اجتماعی، وحدت لازم را در میان خود ایجاد نمایند. چون بهائیان در همه نقاط در مراحل اولیه، بوجود آوردن جامعه هستند، باید برای انجام وظیفه‌ای که در پیش داریم کوششی عظیم معمول گردد.

همانطور که اخیراً در پیام دیگری متذکر شدیم شکوفائی جامعه مخصوصاً در سطح محلی نیاز به تحولی مهم در نحوه رفتار دارد؛ نحوه رفتاری که نمایانگر فضایل افراد عضو جامعه به صورت گروهی و نحوه عمل محفل روحانی در ایجاد وحدت و یگانگی در جامعه و تحرک و رشد آن باشد. این تحول در نحوه رفتار ایجاد می‌کند که ما بین عناصر تشکیل‌دهنده جامعه یعنی بزرگسالان، جوانان و کودکان در فعالیت‌های روحانی، اجتماعی، تربیتی و اداری هماهنگی ایجاد شود و همگی در نقشه‌های محلی به منظور تبلیغ و توسعه مشارکت یابند. لازمه این تغییر رفتار، عزم و اراده همگانی و احساس هدف و مقصود مشترک برای ادامه حیات محفل روحانی از طریق انتخابات سالانه است. لازمه این تغییر دعا و مناجات و تبتل دسته جمعی یاران است. بنا بر این برای حیات روحانی جامعه لازم است که احباء جلسات منظمی برای دعا و مناجات در حظیره القدس‌های محلی (اگر وجود داشته باشد) یا در محل‌های دیگر، حتی در منازل خود، تشکیل دهند.

برای تحقق بخشیدن به امکانات توسعه و تحکیم که از دخول افواج مقبلین ناشی می‌شود باید احباء در سراسر جهان برای توسعه منابع انسانی با عزمی جزم کوشش نمایند. کوشش افراد برای ترتیب دادن کلاس‌های تزیید معلومات در منازل، دوره‌های معارف امری که

روزافزونی از احباء برای توسعه و اجرای برنامه‌های این مؤسسات ضروری است.

۲۹ چون اصطلاح "مؤسسه" موارد استعمال متعددی در جامعه بهائی پیدا کرده لازم است در این مورد توضیحی داده شود. چهار سال آینده دوره‌ای استثنائی در تاریخ امر است. نقطه عطفی است که اهمیت و عظمت يك دوره یا عهد را دارد. آنچه در حال حاضر اجرای آن از یاران الهی در سراسر جهان تقاضا می‌شود آنست که خود و منابع مالی و استعدادات و اوقات خویش را برای بوجود آوردن شبکه‌ای از مؤسسات آموزشی در سطحی که تا به حال سابقه نداشته است متعهد نمایند. این مراکز تعلیماتی معارف امری دارای هدفی بسیار عملی هستند یعنی تربیت تعداد کثیری از احباء برای تسهیل و توسعه جریان دخول افواج مقبلین در امر الهی به مدد کارائی و محبت.

۳۰ حضرت بهاء الله به بندگانش امر فرموده است که «جمع همّت را در تبلیغ امر الهی مصروف دارید» و اضافه فرموده که «هر نفسی که خود لایق این مقام اعلیٰ است به آن قیام نماید و الا آن یأخذ وکیلاً لنفسه فی اظهار هذا الامر.» به همان ترتیبی که انسان می‌تواند نفسی را به عنوان وکیل خود برای تبلیغ امر تعیین کند و برای مهاجرت یا اسفار تبلیغی مخارج او را تأمین نماید ممکن است نفسی را به عنوان وکیل تعیین نمود تا به عنوان مدرّس در یکی از مؤسسات آموزش معارف امری تدریس نماید. چنین شخصی البته معلّم یا مبلغ مبلغین خواهد بود. برای این منظور ممکن است تبرّعات مورد نظر را به صندوق قاره‌ای یا صندوق‌های محلی، ملی و یا بین‌المللی تقدیم کرد و آن را برای این منظور اختصاص داد.

۳۱ از یاران الهی تقاضا می‌شود در جمیع مجهودات خود برای تحقّق اهداف نقشه چهار ساله توجه بیشتری به استفاده از هنرها، نه فقط برای اعلان امرالله بلکه برای اقدامات مربوط به توسعه و تحکیم، مبذول دارند. هنرهای ترسیمی و نمایشی و ادبیات نقش عمده‌ای در اتّسع دائره نفوذ امر الهی ایفاء نموده‌اند و در آینده نیز ایفاء خواهند نمود. از این امکانات در سطح هنرهای قومی (فولکلور) در همه مناطق جهان چه در روستاها و چه در قصبات یا شهرها می‌توان استفاده کرد. حضرت ولی امرالله بسیار اظهار امیدواری فرموده‌اند که هنرها واسطه‌ای برای جلب توجه به تعالیم الهی باشند. در توقیعی که به افتخار یکی از احباء صادر شده می‌فرمایند: «روزی فرا می‌رسد که امر الهی چون آتشی در خرمن به سرعت توسعه خواهد یافت و آن هنگامی خواهد بود که روح تعالیم امر بهائی بر روی صحنه نمایش یا بطور کلی در هنرها و ادبیات عرضه شود. هنر، مخصوصاً در میان توده‌های مردم، بهتر از استدلال خشک منطقی می‌تواند عواطف و احساسات روحانی را بیدار نماید.» (ترجمه)

۳۲ در حالی که یاران الهی و مؤسسات امری در جمیع نقاط مساعی خود را مصروف تأمین نیازمندی‌های نقشه می‌نمایند ساختمان مشروعات عظیمه بر فراز جبل کرمل ادامه خواهد داشت تا همانطور که انتظار می‌رود تا آخر این قرن خاتمه پذیرد. در خاتمه این نقشه در رضوان سال دو هزار ساختمان مرکز مطالعه و تحقیق در نصوص و بنای ضمیمه دارالآثار بین‌المللی مورد استفاده قرار خواهد گرفت، و بنای مقرر دارالتبلیغ بین‌المللی به مرحله نهائی خواهد رسید. قسمتی از معبر عمومی که در حال حاضر طبقات فوقانی

اجرای این اهداف، دفتر جامعه، بین‌المللی بهائی در سازمان ملل خواهد کوشید که روابط موجود بین جامعه، بهائی و سازمان ملل تقویت شود و همچنین دفتر اطلاعات عمومی به مؤسسات امری کمک خواهد کرد تا از مشارکت جامعه، بهائی در اقدامات مربوط به چهار موضوع فوق‌الذکر برای اعلان امرالله به نحوی بیشتر و بهتر استفاده نمایند. دفاع از حقوق مسلوبه، یاران ایران و افزایش مساعی برای استخلاص امر الهی در آن کشور و کشورهای دیگری که دیانت بهائی در آنها ممنوع یا محدود شده قسمت اعظم روابط جامعه، بهائی با سازمان‌های دولتی و غیر دولتی را تشکیل خواهد داد. در جمیع این موارد از احباء و مؤسسات بهائی مصرّاً خواستاریم که از اهمیت فعالیت‌های مربوط به روابط خارجی مطلع باشند و بدانها توجه جدیدی مبذول دارند.

تأسیس دو محفل روحانی ملی جدید در این رضوان آغاز خجسته‌ای برای نقشه، چهار ساله محسوب می‌گردد. خوشوقتیم اعلان کنیم که نمایندگان این هیئت در انجمن‌های افتتاحی این دو محفل عبارتند از ایادی امرالله امة البهاء روحیه خاتم برای ملداوی و جناب فرد شکتر مشاور عضو دارالتبلیغ بین‌المللی برای سائوتومه و پرنسیپه. متأسفانه به علت شرایط موجود که خارج از اختیار احباء است محافل ملی بوروندی و رواندا در سال جاری قادر به تجدید انتخابات نخواهد بود. بنا بر این تعداد محافل ملیّه در عالم همان ۱۷۴ محفل باقی خواهد ماند.

رضوان سال دو هزار که زمان خاتمه، نقشه، ۳۵ چهار ساله است چندین ماه قبل از خاتمه، قرن بیستم خواهد بود. در آن زمان عالم بهائی به پیشرفت‌های خارق‌العاده و موفقیت‌های خیره‌کننده‌ای که صفحات تاریخ امر حضرت

مقام اعلیٰ را از مقام مزبور جدا می‌کند از سطح کنونی پائین‌تر خواهد رفت و بر روی آن پل وسیعی که پوشیده از باغات خواهد بود طبقه، فوقانی مقام را به سایر طبقات متصل خواهد ساخت. پنج طبقه از طبقات فوقانی مقام مبارک حضرت ربّ اعلیٰ تکمیل خواهد شد. چهار طبقه، باقیمانده از طبقات فوقانی و دو طبقه، باقیمانده در پای کوه کرمل به آخرین مراحل تکمیل خواهد رسید. اقدامات دیگری نیز در مرکز جهانی بهائی معمول خواهد گشت، از جمله تعمیم جهانی اجرای احکامی از کتاب مستطاب اقدس که در حال حاضر مفروض نیست، آماده کردن مجموعه، جدیدی به زبان انگلیسی از منتخبات آثار قلم اعلیٰ، توسعه، بیشتر وظایف دارالتبلیغ بین‌المللی، تأمین ترتیبات لازم برای افزایش عدد زائران و بازدیدکنندگان از مرکز جهانی.

۳۳ جامعه، جهانی بهائی در زمینه، توسعه و عمران اجتماعی و اقتصادی و نیز در میدان روابط خارجی به گسترش اقدامات خود خواهد پرداخت و به همکاری مستقیم با اقداماتی که برای استقرار نظم در دنیا معمول می‌گردد ادامه خواهد داد. دفتر توسعه و عمران اجتماعی و اقتصادی با افزایش توانائی خود برای هماهنگ کردن فعالیت‌ها تا آنجا که ممکن باشد موجبات پیشرفت صدها مشروع عمران بهائی را در سراسر عالم فراهم خواهد آورد. در عرصه، روابط خارجی، مساعی مبذوله متوجه این هدف خواهد بود که در جریاناتی که منجر به صلح جهانی می‌گردد امر مبارک مؤثر واقع شود. وصول به این هدف مخصوصاً از طریق مشارکت جامعه، بهائی در ترویج حقوق بشر، مقام زن، رفاه جهانی، و تربیت اخلاقی خواهد بود. در

بهاء الله را در عصر پُر حادثه‌ای که حضرت عبدالبهاء آن را "قرن انوار" نامیده‌اند مزین نموده با دیده، تحسین و تمجید خواهد نگریست. از اهم آنها موقیعت عظیم اکمال مشروعات جبل کرمل خواهد بود که همراه با سایر ابنیه، فخمیه بر فراز این کوه مقدس به منزله، بناهای یادبودی برای پیشرفتی خواهد بود که نظم اداری بهائی تا آن موقع در عصر تکوین حاصل کرده است. مهم‌ترین اقدام برای ابراز قدرشناسی، انشاء الله، انعقاد اجتماع عمده‌ای در مرکز جهانی خواهد بود که به مناسبت اختتام ابنیه، قوس و افتتاح عمومی طبقات مقام اعلیٰ ترتیب داده خواهد شد.

۳۶ دوستان عزیز، نقشه، چهار ساله را در بحبوحه اوضاع پُر تلاطم و دوره، تحول و تغییر در جهان آغاز می‌کنیم. دو جریان همزمانی که در اثر ظهور حضرت بهاء الله آغاز گردیده به شدت ادامه دارد و پیوسته بر شتابش افزوده می‌گردد. به فرموده، حضرت ولی امرالله این جریانات «قوائی را که سبب دگرگونی وجه ارض خواهد بود به اوج می‌رساند.» (ترجمه) این دو جریان یکی وحدت‌بخش و دیگری تجزیه‌کننده است. این دو جریان "جوش و خروشی جهانی" ایجاد می‌کند و سبب ظهور مراحل تدریجی صلح جهانی می‌گردد که در طی مراحل مزبور تأثیرات وحدت‌بخش آن سبب ظهور و بروز آگاهی وجدانی مردمان به شهروندی جهانی می‌شود.

۳۷ این تحولات جهانی مآلاً دو حالت متضاد ترس و وحشت و اطمینان و آرامش را در بر دارد. از یک طرف اغتشاش و بی‌نظمی در امور بشری همه روزه سبب تولید وحشت و اضطرابی می‌شود که حواس ما را مختل می‌سازد و از طرف دیگر رهبران دولتها مکرراً به اقداماتی دسته

جمعی متوسل می‌گردند که برای ناظر بهائی نشانه، تمایل به سوی اقدامات دسته جمعی ملل برای حل مسائل جهانی است. مثلاً تکرار غیر عادی تجمع سران ممالک را در چهار سال گذشته یعنی از سال مقدس تا کنون ملاحظه نمائید، نظیر کنفرانس پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان ملل که در آن سران ممالک و رهبران دول تعهد خود را به صلح جهانی تأکید نمودند. همچنین سرعت عملی که سران دولتها به طیب خاطر در همکاری برای رفع بحران‌هایی که در مناطق مختلف روی داده است نشان داده‌اند قابل توجه مخصوص است. این تمایلات همزمان با افزایش تقاضای مجامع مطلع و ذی‌نظر برای جلب توجه به عملی بودن تأسیس نوعی حکومت جهانی است. آیا در این وقایع که سریعاً و پی در پی روی می‌دهد ید تقدیر الهی در کار نیست؟ به راستی منادی این موقیعت عظیم در آثار خود این وقایع را پیش‌بینی نفرموده است؟

۳۸ اگرچه تأسیس صلح اصغر موکول و منوط به هیچ نقشه، امری یا اقدام احباء نیست و اگرچه صلح مزبور عبارت از هدف غائی که مقدر است در عصر ذهبی نصیب جامعه، انسانی گردد به شمار نمی‌رود اما جامعه، بهائی این مسئولیت را بر عهده دارد که به حمایت روحانی از گرایش‌های صلح‌جویانه پردازد. در این هنگام آنچه مورد نیاز است آنست که در ایجاد نظام بهائی چنان سعی و کوشش نمائیم که جالب و جاذب تأییدات جمال اقدس ابهی گردد و فضائی روحانی بوجود آورد که سبب تسریع آن گرایش‌ها شود. دو اقدام مهمی که در پیش داریم یکی اینست که مجاهدتی تبلیغی را آغاز کنیم تا همه، افراد جامعه هر يك شخصاً با شور و شوق و بطور منظم در آن شرکت جویند و در

خارج کرده است. این وقایع در زمان ما شاهی زنده از کیفیت وجود قوای مکنونه در بحرانها و پیروزیها است. توسل به حق می‌جوئیم که خواهران و برادران ایرانی ما بزودی از قیودی که بدان گرفتارند رهائی یابند و شاهد عزت و جلال و اعجازی گردند که فقط جمال اقدس ابهی می‌تواند به آنان عنایت فرماید. تجارب آن یاران علامت و مثالی است برای همه ما در هر جا که زندگی می‌کنیم، چه همانطور که حضرت عبدالبهاء فرموده‌اند بالاخره مخالفت و خصومت با امر در همه قارات جهان پیش خواهد آمد. ضدیت با امر الهی اگرچه ممکن است در هر نقطه‌ای به صورتی خاص جلوه نماید اما بدون تردید شدید خواهد بود. ولكن به برکت الطاف توان بخش حضرت بهاء الله و ظهور و بروز استقامت از جانب یاران ایران، خواهیم دانست که چگونه حملات دشمنان را بدون ترس و واهمه مقابله نمائیم. فی الحقیقه رب الجنود وعده فرموده است که فتح و ظفیری محتوم و کامل نصیب یارانش خواهد نمود.

- در حالی که جامعه بشری گرفتار ۴۱
ویرانگری‌های تمدن بی‌بند و بار کنونی است، باید قلوب و افکارمان را به وظایفی که بر عهده داریم متوجه نمائیم زیرا در بحبوحه این اضطرابات، فرصت‌های فراوانی پیش می‌آید که باید «برای اشاعه قوه ناجیه امر حضرت بهاء الله در جمیع اقطار و استظلال مقبلین جدید در ظل شریعت الله و دخولشان در صفوف دائم الاتساع امر الله» (ترجمه) غنیمت شمرده شوند. نقشه‌ای که حال متعهد اجرای آن شده‌ایم در یکی از ادوار بسیار بحرانی در حیات انسان بر روی گره ارض به مرحله اجراء در می‌آید. هدف این نقشه آماده ساختن جامعه بهائی برای مقابله با

ضمن آن با اجرای برنامه وسیع آموزشی، تأمین نیروی انسانی عظیمی را تضمین نماید. اقدام دیگر تکمیل مشروعات ساختمانی جبل کرمیل است که برای تأمین مصارف آن نباید از هیچ‌گونه فداکاری در اهداء سخاوتمندانه تبرعات مالی دریغ ورزید. این اهداف توأمان هرگاه با عزمی جزم دنبال شود سبب آزاد شدن قوای محصوره خواهد شد که موجب تغییر جهت امور جامعه بشری در سراسر گره ارض می‌گردد.

۳۹ راه به سوی صلح هر قدر کوتاه باشد ولكن پر پیچ و خم است و هر قدر حوادثی که انتظار می‌رود جهت آن را تعیین نماید امیدبخش باشد باید پس از دوره طولی از طی سیر تکاملی خود به مرحله بلوغ رسد. این دوره همراه با امتحانات و شکست‌ها و منازعات خواهد بود تا در ظل تأثیر و نفوذ امر الهی منجر به ظهور و طلوع صلح اعظم گردد. مردم جهان در طول این دوره در همه جا قبل از آنکه به مرحله‌ای برسند که بتوانند حکمت و ارزش تحولی را که در جریان است درک کنند غالباً دچار یأس و نگرانی خواهند شد. ولكن ما اهل بهاء در اثر ظهور جمال اقدس ابهی بینش جدیدی یافته‌ایم و آثار قلم اعلی سبب اطمینان خاطرمان گشته و نقشه الهی موجب راهنمایی و تاریخ پر شهامت امر مایه تشویق ما است. نه تنها باید از گنجینه آثار قلم اعلی بلکه از درخشش اعمال قهرمانانه و فداکاری‌هایی که حتی امروز در سرزمین زادگاه امر الهی تابان است قوت قلب یابیم.

۴۰ در حدود هفده سال است که برادران و خواهران ستمدیده ما در ایران دلاوری و ثبوت و رسوخ در ایمان را چنان به منصه ظهور و بروز آورده‌اند که سبب اعلان امر الهی به نحوی وسیع گردیده و امر بهائی را از مرحله مجهولیت

در بهائی
معنی مثل
در ر غیر
گذشته
نظیر
مثل
خود را
سرعت
در
مذوق
توجه
فریش
توجه به
روی
ستی
وقایع

۳۸ منور به
و گرچه
ست
شده به
سویت را
نی از
ن هنکام
نظم
حجب و
فضائی
سریع آن
پیش
غاز
شور و
در

تغییراتی است که در دنیای ما روی می‌دهد و بخاطر آنست که جامعه بهائی را در وضعی قرار دهد که هم بتواند در برابر امتحانات و اضطراباتی که در پیش است مقاومت نماید و هم بتواند طرز کار جامعه بهائی را طوری جلوه‌گر سازد که دنیا برای اخذ کمک و نمونه عملی در اثر تحوّل پُر تلاطمی که در پیش دارد بدان تأسی نماید. اینست که این نقشه جایگاه خاصی در طرح کلی بهائی و در تاریخ دنیا خواهد یافت. افرادی از اهل بهاء که آینده را چنان که امر بهائی مجسم می‌کند درک می‌نمایند این برتری را خواهند داشت که آگاهانه در کوشش‌هایی که هدفش به حرکت آوردن و پیش بردن جریانات مزبور است شرکت نمایند.

۴۲ امید است که آن یاران عزیز برای تعهد مسئولیت‌های این اوقات بحرانی قیام نمایند، و امید است که هر يك از آن عزیزان بتواند نام خود را در این برهه کوتاه از زمان که پُر از امکانات و امید برای عالم بشریت است ثبت نماید. برای آنکه خاطر شما در اثر وقایع ناگوار این دوره تغییر و تحوّل متشتت نگردد نصایح هدایت‌بخش مولای حنون حضرت ولی امرالله را به خاطر آرید که می‌فرماید: «ما که موجودات حقیری هستیم نمی‌توانیم در چنین مرحله بحرانی تاریخ طولانی و پُر حوادث نوع بشر واضحاً کاملاً درک کنیم بشر آغشته به خون که از بدبختی خدای خود را فراموش کرده و به حضرت بهاءالله اعتناء ننموده چه مراحل متتابعه دیگری از عذاب و فنایش تا رستاخیز نجات نهایش باید طی گردد... بلکه وظیفه ما آنست که با وجود مفسشوش بودن اوضاع و مظلم بودن مناظر حاضره و محدود بودن وسائلی که در دسترس داریم با کمال مسرت و اطمینان و استمرار

زحمت کشیده به هر وسیله که ممکن باشد به سهم خود کمک کنیم تا قوائی که حضرت بهاءالله ترتیب داده و اداره می‌فرماید به جریان افتاده نوع انسان را از وادی بدبختی و مذلت به اعلی رفرف قدرت و جلال برساند.» (ترجمه)
بیت العدل اعظم

معانی لغات دشوار

طافح: سرشار؛ مورث: موجب؛ مشحون: پُر؛ انسجام: استحکام در بهم پیوستن؛ مشروعات: تأسیسات؛ حائز: دارا؛ مشاکل: دشواری‌ها؛ ذیل: پائین؛ مشروع: [در اینجا] ساختمان؛ رأس: سر و بالا؛ ملموس: محسوس؛ سخاوت: بخشندگی؛ واجد: دارا؛ توسعه: نطق؛ گسترش دامنه: نطق به معنی حوزه و حیطه؛ همم: کوشش‌ها؛ بلانقطاع: پیوسته؛ بهیه: درخشان؛ وفیر: فراوان؛ متاعب: سختی‌ها و رنج‌ها؛ انتصارات: پیروزی‌ها؛ روابط خارجی: مراد ارتباط با جامعه غیر بهائی و اولیای امور و اصحاب وسائل ارتباط جمعی؛ وسائط: وسایل؛ احصاء: شمارش؛ تجهیز: بسیج کردن؛ تشریک مساعی: همکاری؛ مفرّ: راه گریز؛ علائق: بستگی‌ها و علاقه‌ها؛ الحاق: پیوستن؛ بیان عربی در پاراگراف ۲۱ بدین مضمون است: به خدا سوگند که اگر کسی لبان به ذکر خدای خویش بگشاید سپاهیان وحی از مشرق اسم من بر او فرود خواهند آمد و اهل ملأ اعلیٰ با نامه‌ها و کتبی از نور بر او نازل خواهند گشت؛ قصور: کوتاهی؛ فائق: غالب؛ مجاری: جمع مجری یعنی محل جریان؛ منوط: و معلق؛ وابسته؛ عزمی جزم؛ اراده‌ای استوار؛ آن یاخذ وکیلاً لنفسه: وکیل برای خود بگیرد؛ مجهودات: فعالیت‌ها و کوشش‌ها؛ اتساع: گسترش؛ عصر ذهبی: عصر طلائی یعنی سومین عصر پیش‌بینی شده در تحوّل امر بهائی؛ محصور: در بند و اسیر؛ ربّ الجنود: از القاب جمال مبارک؛ ناجیه: نجات‌دهنده؛ استظلال: پناه بردن به سایه؛ برهه: بخشی از زمان؛ متتابعه: پی در پی؛ مظلم: تاریک؛ وادی: دره؛ رفرف: جایگاه بلند.

جهانی در حالت انتقال

هیأت تحریریه

همین سالها جهات تمایز و توافق متعددی را عرضه می‌دارد. هر دو نقشه با هم توافق دارند که:

۱- امنیت جهان در معرض تهدیدهای فراوان است.

۲- فقر، طرد اجتماعی و بی‌عدالتی‌ها کماکان دوام دارد و در مواردی شدت پیدا کرده است.

۳- توسعه، سریع و مسائل ارتباط و شبکه‌های مخابراتی مسائل اخلاقی بی‌سابقه‌ای را مطرح کرده است در عین حال که به حرکت جهانی امور، یاری و یآوری می‌کند.

۴- سیر جامعه‌ها به سوی مرحله، "جهانی" هرچند امیدهای فراوان را در دلها بیدار می‌کند اما در عین حال حاوی خطر همرنگی و یکنواختی در زمینه‌های مختلف چون فرهنگ است و به عبارت دیگر تنوع غنابخش فرهنگها را در مخاطره افکنده است.

۵- مرحله انتقالی موجب ترویج بی‌اعتمادی و عدم اطمینان در مورد معیارها، مقیاسها، نظام‌های ارزشی و حتی قواعد و نظامات است.

۶- نخستین اولویت در زمان حاضر ترویج فرهنگ صلح و دوستی است. حفظ صلح یعنی عدم تعرض متقابل کافی نیست؛ باید دست بکار ساختن صلح بر پایه‌های عدالت و انصاف و احترام به حقوق بشری شد.

از جمله اوصافی که در پیام رضوان بیت العدل اعظم در مورد دنیای امروز آورده شده این است که جهان اکنون در يك مرحله، انتقالی قرار دارد. به عبارت روشن‌تر تحولات عمده‌ای در جهان معاصر آغاز شده که هنوز نتایج آنها بطور کامل به منصه ظهور نرسیده، تحولاتی که محتمل است موجب تغییرات ژرف در اوضاع عمومی عالم بشری گردد. از جمله مشخصات مراحل انتقالی تمدن چنانکه جامعه‌شناسانی نظیر پیتیریم سوروکین (۱۸۸۹-۱۹۶۸ م.) معلوم داشته‌اند یکی بروز خشونت است در میان مدافعان نظم قدیم و طرفداران نظم جدید که امروز آشکارا در پهنه، جهان به چشم می‌خورد. مرحله، انتقالی با تزلزل نظام ارزشها و سرگردانی عامه، مردم در تشخیص خوب از بد توأم است. نهادهای جامعه نیز در مراحل انتقالی لرزنده است و پیش‌بینی شکل و روالی که در آینده خواهد گرفت دشوار می‌نماید.

از غرائب آنکه نقشه، اهل بهاء برای سالهای ۱۹۹۶-۲۰۰۰ تقریباً مقارن با نقشه، ۵ ساله، یکی از سازمان‌های مهم بین‌المللی وابسته به ملل متحد یعنی یونسکو است (۱۹۹۶-۲۰۰۱ م.).

مقایسه، نقشه، عمومی اهل بهاء در سالهای پایان قرن چنانکه در پیام رضوان ۱۹۹۶ (۱۵۳ ب.) آمده با استراتژی میان‌مدت یونسکو در

مکن باشد به
سرت بهاء الله
سرتین فتاده
سرت به اعلى
سرت
سرت اعظم

سرت: نسجام
سرت: تالیفات
سرت: پائین
سرت: سر و بالا
سرت: وجد: دارا
سرت: معنی حوزه و
سرت: بهیه
سرت: و رنجها
سرت: ارتباط با
سرت: وسایل
سرت: شمارش
سرت: مفر
سرت: خاق
سرت: مضمون
سرت: ذکر خدای
سرت: بر او
سرت: و کتب از
سرت: فائق
سرت: منوط او
سرت: یاخذ
سرت: مجهودات
سرت: عصر ذهبی
سرت: در تحول
سرت: جنود: از
سرت: پناه
سرت: پی در
سرت: یکه بند.



در عین حال نقشه بهائی از جهاتی متمایز و متفاوت از نقشه سازمان‌های بین‌المللی است زیرا جامعه بهائی ریشه مشکلات امروز را در بی‌دینی و ولنگاری اخلاقی و ترك روحانیت حقیقی می‌داند و در نتیجه ابتهاج روحانی و وجدانی بشر را شرط لازم دگرگونی اوضاع نابسامان جهان تلقی می‌کند. اگر در مورد تبلیغ امر الهی این همه در نقشه چهار ساله تأکید رفته است به همین مناسبت است.

در نقشه یونسکو این عقیده اظهار شده که راه حل همه مشکلات در دست سازمان ملل متحد است؛ پس تقویت و تحکیم این سازمان را به عنوان امر ضروری مطرح می‌کند در حالی که جامعه بهائی به نارسائی‌های سازمان ملل متحد کنونی واقف است و پیشنهاد‌های اصلاحی که در بیانیه «نقطه عطفی برای همه ملت‌ها» آمده بر این امر دلالت دارد.

اهل بهاء معتقدند که تحقق هر تحول عظیمی در عالم مستلزم شهامت، استقامت، وحدت نظر و اقدام فداکارانه و دادن سرمشق صحیح است. بیت العدل اعظم الهی بر این مفاهیم در پیام رضوان تکیه و

تأکید فرموده‌اند. اما جهان امروز دنیائی است که بجای توجه به مسئولیت‌ها همه در مطالبه حقوق و امتیازات کوشاست و کمتر کسی یا جمعی یا سازمانی را می‌توان یافت که آماده گذشت و ایثار باشد و البته رسیدن به دنیائی بهتر و والاتر بدون فداکاری مقدور نمی‌شود.

گزارش استراتژی (خط مشی) میان‌مدت یونسکو معرف آن است که این سازمان دیگر آمیدی به استقرار نظم نوین جهانی بر پایه صلح و عدالت و تعاون و تعاضد میان ملل چنان که در خاتمه جنگ سرد و به هنگام سقوط دیوار برلین انتظارش می‌رفت ندارد و هرچند که بسیاری نشانه‌های امیدبخش در احوال جهان می‌بینند اما به امکان تحقق چنان نظمی فراگیر مطمئن نیست. در اینجا هم وجه تمایز یونسکو را با جامعه اهل بهاء می‌توان دید. نظمی که اهل بهاء جویای برقراری آن هستند تنها نظم بشری نیست که به اراده افراد انسانی وابسته و موکول باشد، نظمی است متکی بر مشیت الهی که بالضروره می‌باید در نتیجه تحول جامعه‌ها از حالت ملی به فوق ملی و بین‌المللی و توسعه همکاری صمیمی میان همه ملل بوجود آید یعنی فی‌الحقیقه حرکت عالم به سوی آن نظم جهان‌شمول متقن يك ضرورت تاریخی است که اگر هم بی‌همتی و بی‌تدبیری بشریت آن را به عقب اندازد نمی‌تواند آن را بالکل از مسیر تحول امور عالم مطرود سازد کما آنکه طفل را از سیر به مرحله بلوغ و جوانی و پختگی بزرگسالی نمی‌توان بازداشت و درخت مثمر را از جوانه زدن و شکوفه

برآوردن و می
پذیرفتن
انتقنی
جامعه‌شناسی
زیرا به یاری
گرایش‌های
موجود است
تکامل جامعه
جامعه را
اقتاد و می‌تواند
حرکت کند
مشبته که یون
اینهاست که
خصیصه جامعه
۱- پایان گ
شرق و غرب
۲- ختم تبعی
۳- آغاز ق
۴- کوشش
امریکای مر
است.
۵- حرکتی
۶- توسر رو
متزاید حقوق
۷- ابتکارت
منازعات و
۸- بهبود و
در حال رش
امریکای لاتین
۹- کاهش
۱۰- اقم
بی‌رویه، جم

۱۱- بعضی پیشرفته‌های علمی و فنی که در بهبود زندگی آدمیان مؤثر تواند بود.

۱۲- آزاد شدن و جهانی شدن مبادلات تجاری.

۱۳- انتقال تدریجی تکنولوژی از ممالك غنی به سایر کشورها.

۱۴- کوشش‌ها در جهت تقویت همبستگی‌ها و همکاری‌های منطقه‌ای فی‌المثل در اروپا یا امریکای شمالی و مرکزی.

آنچه می‌توان از این گرایش‌ها استنباط و استنتاج کرد آنکه دنیای فردا دنیای همکاری، صلح و سازش، احترام به حقوق بشری، مشارکت متساوی افراد در امور عمومی، افزایش عدالت و بهبود تقسیم ثروت و استفاده از علم و فن برای ارتقاء شأن و کیفیت حیات آدمیان خواهد بود یعنی همان خصوصیات که حضرت ولی امرالله در توقیعات منیع خویش حدود ۶۰ سال قبل در بیان چشم‌انداز آینده، جهان ارائه فرموده‌اند و شمه‌ای از آنها ذیلاً درج می‌شود:

• «چه نیکو است که رهبران ادیان و مروّجان فرضیه‌های سیاسی و رؤسای جوامع انسانی که حال با حیرت و دهشت شاهد ورشکستگی آراء و تجزّی ساخته‌های خویشند، چشم بر ظهور حضرت بهاءالله گشایند و به نظم جهان‌آرائی که در تعالیمش مندرج است بیندیشند.»

• «قوای حیاتی و نشاطی که مؤسسات زنده این نظم بزرگ و دائم الاتّساع بهائی از خود نمودار ساخته‌اند، شجاعت و شهامتی که پیروان جانفشانش با عزمی راسخ در راه غلبه بر موانع عظیمه، متقابل مبدول داشته‌اند، آتش جذبه و شوق جاودانی که در قلوب مروّجینش فروزان است، عظمت فداکاری‌هایی که قهرمانان سازنده‌اش بدان فائز گشته‌اند، روشن‌بینی وسیع،

برآوردن و میوه دادن نمی‌توان ممنوع کرد.

**

پذیرفتن مفهومی چون «مرحله یا حالت انتقالی» را می‌توان پیشرفت مهمی در جامعه‌شناسی و مطالعه علمی سیر جوامع دانست زیرا به یاری این مفهوم است که می‌توان گرایش‌های عمده‌ای را که در جامعه کنونی موجود است و نوید مرحله تازه‌ای از تحوّل یا تکامل جامعه را می‌دهد مورد پژوهش قرار داد و جامعه را مانند گوئی که در دست‌های هوس‌پازی افتاده و می‌تواند به هر طرفی منتظر و غیر منتظر حرکت کند تلقی نمود. از جمله گرایش‌های مثبتی که یونسکو در شرایط کنونی بازشناخته اینهاست که خود تا حدی معرف شکل و خصیصه جامعه و دنیای فردا تواند بود:

۱- پایان گرفتن جنگ و جدل ایدئولوژیک بین شرق و غرب.

۲- ختم تبعیضات نژادی در افریقای جنوبی.

۳- آغاز اقدامات مربوط به صلح در خاور میانه.

۴- کوشش‌هایی که در سازش و توافق ملی در امریکای مرکزی و بخشی از افریقا در جریان است.

۵- حرکتی در جهت صلح در ایرلند شمالی.

۶- توسّل روزافزون به دموکراسی و شناسائی مزایای حقوق بشری.

۷- ابتکارات جامعه بین‌المللی برای پیشگیری منازعات و تحکیم صلح.

۸- بهبود وضع زندگی مادی در بخشی از ممالك در حال رشد خاصه در آسیای جنوب شرقی و امریکای لاتین.

۹- کاهش یافتن عدد مطلق بی‌سوادان در جهان.

۱۰- اقدامات تربیتی در جهت کنترل افزایش بی‌رویه جمعیت.

امید شدید، سرور وافر، آسایش خاطر، پاکی عمل و انضباط تام، اتحاد کامل و تعاضد خلل‌ناپذیری که مدافعان شجیعش از خود ظاهر ساخته‌اند، قدرتی که روح نباضش در جذب عناصر مختلفه، متقابل و تطهیر آن عناصر از جمیع انواع تعصبات و امتزاجشان در بنیان رفیع آن نظم جهان‌آراء داشته، تمام اینها بر قوه بسیار عظیمی شهادت می‌دهد که جامعه، مایوس و متزلزل کنونی عالم بدان بی‌اعتناء نتواند بود و انکارش نتواند کرد.»

• «وحدت نوع انسان به نحوی که حضرت بهاء‌الله مقرر فرموده مستلزم آن است که يك جامعه، متحد جهانی تشکیل یابد که در آن تمام ملل و نژادها و ادیان و طبقات کاملاً و پیوسته متحد گشته در عین حال استقلال دول عضو و آزادی و ابتکار اعضا، مرکب‌اش تماماً و یقیناً محفوظ مانده باشد. این جامعه، متحد جهانی تا جایی که می‌توان تصورش را نمود باید دارای يك هیئت مقتنه باشد که اعضایش به منزله، امنای تمام نوع انسان بالمآل جمیع منابع کشورهای آن جامعه، جهانی را در اختیار خود گیرد و قوانینی را وضع کند که برای تنظیم حیات و رفع حاجات و ترمیم روابط جمیع ملل و اقوام لازم و واجب است. در چنان جامعه‌ای يك هیئت مجریه به پشتیبانی يك نیروی پلیس بین‌المللی مصوبات هیئت مقتنه را اجراء کند، به تنفیذ قوانینش پردازد و وحدت اصلیه، تمام جامعه، جهانی را حفاظت نماید. و نیز يك محکمه، جهانی تشکیل شود که تمام دعاوی حاصله بین عناصر مرکبه، این نظام جهانی را داوری کند و حکم نهائی و لازم الاجرائش را صادر نماید. يك دستگاه ارتباطات و مخابرات بین‌المللی بوجود آید که با سرعتی حیرت‌انگیز و نظم و ترتیبی کامل به کار

افتد و جمیع کُره، زمین را در بر گیرد و از جمیع موانع و قیود ملی آزاد باشد. يك پایتخت بین‌المللی به منزله، کانون و مرکز اعصاب مدنیت جهانی تعیین شود که کانونی برای تمرکز و توجه قوای وحدت‌بخش حیات باشد و از آن انوار نیروبخش و جان‌فزایش به جمیع جهات ساطع گردد. يك زبان بین‌المللی ابداع شود و یا یکی از زبان‌های موجود انتخاب که علاوه بر زبان مادری در تمام کشورهای فدرال جهانی تعلیم داده شود. يك خط و ادبیات جهانی، يك نظام مشترک برای پول و اوزان و مقادیر تعیین شود تا روابط و تفاهم بین نژادهای متنوع و ملل جهان را ساده و سهل نماید. در چنین جامعه، جهانی علم و دین یعنی دو نیروی بسیار توانای بشری با هم آشتی پذیرند و همکاری نمایند و در پیشرفتشان هم‌آهنگ شوند.»

• «فی‌الحقیقه جهان به سوی سرنوشت خویش روان است، بگذارید رهبران نیروی تجزیه‌بخش و تفرقه‌انداز جهان هرچه بخواهند بگویند، اما واقعیت این است که امروز مردم و ملل جهان متقابلاً محتاج یکدیگرند و استقلال محض برای هیچ‌کس امکان ندارد. امروز بشر لزوم وحدت اقتصادی جهان را شناخته و فهمیده و دانسته است که رفاه جزء در رفاه کل است و مشقت جزء، سبب مشقت کل. آئین بهائی به فرموده، حضرت بهاء‌الله انسان را پرواز جدید آموخته و عالم را قدرت سیر به سوی وحدت عطا فرموده» (ندا به اهل عالم، اثر قلم حضرت ولی‌امرالله، ترجمه و اقتباس از هوشمند فتح اعظم، نشر مؤسسه معارف بهائی به لسان فارسی، دانداس، ۱۴۹ ب، صص ۵۶، ۶۳، ۷۶-۷۸، ۸۸-۸۹).

پیام بهائی

بی‌خانمان‌ها و کنفرانس مسکن در استانبول



زندگی کردن یا مردن تدریجی

یافتن کاری را آغاز می‌کنند. برای رفتن به کار وسیله، نقلیه می‌خواهند، به غذا و پوشاک و بهداشت و بیمارستان و مدرسه و دانشگاه و ورزشگاه نیازمندند و بالاخره محیطی مناسب و سالم برای زندگانی و رشد فکری و معنوی خود لازم دارند.

اما سرعت رشد شهرها و عدم توجه به مسأله شهرنشینی اینک جهان را با مشکلات اساسی و بزرگ روبرو ساخته است. کمبود مسکن موجب بالارفتن سرسام‌آور قیمت زمین و خانه و در نتیجه ایجاد شهرک‌های مقنّان و حلبی‌نشینان در حاشیه شهرهای بزرگ شده است. کار به اندازه کافی وجود ندارد لذا برخی از این مردم اگر نتوانند غذای خود را از خاکروبه شهر تأمین نمایند، لاجرم به راههای دیگری مثل گدائی، دزدی، فحشاء و قاچاق و غیره رو می‌آورند. ازدیاد جمعیت و اتوموبیل و کارخانه موجب آلودگی محیط زیست و خفقان هوا شده شهرهای بزرگ را به مراکز دود و کثافت تبدیل نموده است. همه اینها سوای هزاران بی‌خانمانی است که شبها را در پیاده‌روها، روی نیمکت پارک‌ها، و یا در ایستگاه‌های راه‌آهن به روز می‌آورند و از هر نوع آسایش محرومند.

توجه به این نکات و دهها مشکل دیگر بود

درست بیست سال پیش کنفرانسی از طرف سازمان ملل متحد در ونکوور کانادا تشکیل داده شد که هدف آن رسیدگی به مسأله مسکن در جهان بود. در روزهای ۲ تا ۱۴ همین ماه (ژوئن ۱۹۹۶) کنفرانس دیگری در شهر استانبول تشکیل خواهد شد که سوای سران برخی کشورها قریب سی‌هزار نفر از تمام جهان در آن و یا کنفرانسرها و نمایشگاه‌های جنبی آن شرکت خواهند جست.

در بیست سالی که از کنفرانس ونکوور گذشته موضوع مسکن نه تنها حل نشده بلکه وخامت و نابسامانی آن ابعاد تازه‌ای یافته است. شهرها وسعت بی‌اندازه بی‌قواره یافته بطوری که اکنون نیمی از سطح کره خاکی را شهرهایی که اغلب آنها بوضع ناهنجاری بنا شده می‌پوشانند. هجوم مردم از دهات و کوهپایه‌ها و شهرک‌ها به سوی شهرهای بزرگ افزونی یافته زیرا این شهرها مرکز تجارت و داد و ستد و تحصیلات و به ظاهر رفاه تلقی می‌گردند و لذا با جاذبه فراوان خود هر سال و هر ماه میلیون‌ها مردم را به کام خود فرو می‌کشاند.

طبعاً مردمی که به شهرها می‌آیند چه در اروپا باشد یا چین یا آفریقا خواستار سرپناه و مسکنی هستند و به ابتدائی‌ترین ضروریات زندگی نیازمندند. پیش از هر چیز تلاش برای

ز جمع
یتخت
منیت
و توجه
انوار
ت ساطع
یکی از
مادری
شود
برای
روبط و
سده و
و دین
فتی
شستن
نوشت
نیروی
مخوهند
مردم و
ستقلال
وز بشر
فهمیده
ست و
بهانی به
ز جدید
ست عطا
رت ولی
عظم
فرسی
۷۸-۷۷
بهانی

قابل زندگی ساخت و آن را به مراکزی برای رشد و رفاه ساکنان آن تبدیل نمود.
جامعه، بهائی و کنفرانس مسکن

در کنفرانس استانبول نیز بمانند کنفرانس ونکوور جامعه، جهانی بهائی نقش فعالی خواهد داشت. اگر نظرگاه‌های کلی بهائی را درباره شرف و عزت انسان و لزوم رفاه و شادی نوع بشر در نظر بگیریم آنگاه می‌توانیم مرغ اندیشه را برای ایجاد شهرهایی که باید چنین جامعه‌ای را در خود پرورش دهند به پرواز آوریم. شکست برنامه‌های شهرنشینی و ایجاد محلات فقیرنشین و شیوع جنایات و فساد و آلودگی در شهرها باید توجه ما را به برداشتهای تازه‌ای از زندگی و محیط زیست جلب کند، برداشتهایی که بر اساس اصل روحانی بودن وجود و طبیعت انسانی استوار است. شناسایی این خصایل روحانی است که ما را به اصل وحدت عالم انسانی راهنما می‌سازد و به این نتیجه می‌رساند که اگر شهر و یا شهرکی بخواهد از رفاه و آشتی و صلح و پیشرفت بهره‌مند گردد ساکنان آن باید با روح یگانگی و وحدت روحانی نیازهای یکدیگر را برآورده و اساسی که شایسته، مقام بزرگ انسان است برای آن شهر بریزند، در واقع توجه را از نیازهای مادی و جسمانی به نیازهای روحانی و معنوی نیز معطوف دارند. (توجه خوانندگان را به مقاله دیگری که در ص ۲۵ در همین زمینه آمده جلب می‌کنیم.)
از ژوئیه سال پیش دفتر بین‌المللی بهائی در نیویورک اقدام به تأسیس دفتری در استانبول نموده و ضمن کمک دادن به سازمان‌دهندگان این کنفرانس، موجبات شرکت وسیع احباء را در فعالیت‌های جنبی این گردهمایی عظیم فراهم آورده است.



میلیونها کودک از داشتن مسکن مناسب محرومند

که سازمان ملل متحد را به تشکیل کنفرانس مسکن در استانبول برانگیخت زیرا همگان برآنند که اگر بخواهیم فردا را نجات دهیم باید آگاهی و هشیاری بیشتری به مسأله، مهم و فراموش شده، مسکن و شهرنشینی حاصل نمائیم و ببینیم چطور باید زندگی کنیم، کجا باید مسکن بگزینیم و از همه مهم‌تر اینکه آیا اصولاً می‌توانیم اینگونه زیستن را برای میلیونها بیخانمان زندگی بنامیم؟

در جریان کنفرانس استانبول هزاران نفر شهرداران و شهرسازان و آرشیکت‌ها و اقلیم شناسان و محققین و متخصصان در مسایل مربوط به خانه‌سازی و شهرسازی دور هم جمع خواهند شد تا در دو مسأله، اساسی بحث کنند: اول اینکه چگونه می‌توان برای همه سرپناهی یافت و دیگر اینکه چگونه می‌توان شهرهای کنونی را

برای آشنائی با آنچه در جهان می‌گذرد دومین کنفرانس سازمان ملل متحد برای سکونت‌گاه‌های انسانی

صالح مولوی نژاد

زیست‌گاه‌های انسانی، تأکید خواهد شد. در ونکوور، جامعه بین‌المللی بهائی، بیانیه‌ای به کنفرانس اول سکونت‌گاه‌های انسانی تقدیم نمود که در آن سؤالی مطرح شده بود که تا آن زمان کمتر مورد نظر اداره‌کنندگان جامعه، چه در سطح جهانی و چه در سطح ملی و محلی، بود. سؤالی که در آن بیانیه مطرح شده بود این بود که "آیا هدف زندگی انسان در این جهان چیست؟" به اعتقاد جامعه بین‌المللی بهائی بدون عطف توجه به این سؤال و پاسخ آن، حل مشکلات زیست‌گاه‌های انسانی مقدور نخواهد بود. در آن بیانیه تأکید شده بود که انسان طبیعتی دوگانه دارد، مادی و روحانی، لهذا محیط زیست او باید با این دو جنبه، حیات انسانی هماهنگ باشد. تنها با توجه به این حقیقت است که فرهنگ و تمدن انسانی شکوفان شده، راه ترقی در پیش می‌گیرد. این حقیقت نه تنها باید در زندگی فردی مورد نظر باشد، بلکه در هدف خانواده، هدف جامعه‌های محلی، ملی و جهانی نیز باید مد نظر قرار گیرد.

کنفرانس عالی استانبول دو موضوع اساسی خواهد داشت: یکی توسعه سکونت‌گاه‌های انسانی برای جهانی که به سوی شهرنشینی پیش

در ماه ژوئن امسال (۳ تا ۱۴) دومین کنفرانس سازمان ملل متحد برای سکونت‌گاه‌های انسانی^۱ در شهر استانبول تشکیل خواهد شد. هدف این کنفرانس تشویق و ترویج سیاست‌ها و تعیین خط‌مشی‌های جدید برای مدیریت شهری و خانمسازی و حل مشکلات شهری از نظر محیط زیست و تأمین بهداشت و رفاه و خدمات اجتماعی است.

کنفرانس اول سکونت‌گاه‌های انسانی، در سال ۱۹۷۶ در شهر ونکوور کانادا تشکیل شد که در آن موضوع اصلی جنبه فنی داشت و حل مشکل کمبود مسکن از دولت‌ها انتظار می‌رفت، اما در طی بیست سال اخیر مسائل و مشکلات شهرنشینی و زیست‌گاه‌های انسانی پیچیده‌تر و سخت‌تر شده و حل آن به تنهایی از توان دولت‌های ملی و حکومت‌های شهری خارج شده است.

در کنفرانس دوم سکونت‌گاه‌های انسانی، علاوه بر جنبه‌های فنی و لزوم خانمسازی، بر مسائل انسانی و اموری از قبیل مشارکت زنان در اداره کارها، مسائل اقتصادی و اجتماعی، و نیز بر وظایف و مسئولیت‌های سازمان‌های غیر دولتی^۲ و تشکیلات بومی^۳ در حل مشکلات

می‌رود، و دیگری تأمین مسکن مناسب با شوون انسانی برای همه. چون مسئله شهرنشینی اهمیتی روز افزون یافته، اجتماع سران جهان در استانبول را عنوان "اجتماع شهری"^۴ نیز داده‌اند. بر اساس این دو موضوع اساسی، زمامداران جهان، اصول کار را مشخص کرده، تعهدات خویش را تعیین نموده، و برنامه جامع اقدامات لازم را تنظیم خواهند نمود به نحوی که شهرها و سکونت‌گاه‌های غیر شهری در قرن ۲۱ از عدالت، سلامت، امنیت و رفاه برخوردار باشند.

مسائل زیست‌گاه‌های انسانی پیچیده‌تر از آن است که حل آنها تنها به دولت‌ها و یا سازمان ملل متحد محول شود. کنفرانس سران واقف است که در این موضوع همکاری و همیاری همگانی لازم است. شرکای حل این مسائل عبارتند از دولت‌ها، حکومت‌های محلی و ناحیه‌ای، دانشمندان، متخصصان رشته‌های مختلف علم و صنعت، بنیادها، بخش خصوصی، اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های غیر دولتی و سازمان‌های بومی.

همزمان با کنفرانس عالی سازمان ملل متحد برای زیست‌گاه‌های انسانی، اجتماع سازمان‌های غیر دولتی، و از جمله جامعه بین‌المللی بهائی، در مجاورت کنفرانس عالی تشکیل خواهد شد.^۵ از سال ۱۹۷۲ که کنفرانس سازمان ملل متحد برای توسعه در شهر استکهلم برگزار شد، سازمان‌های غیر دولتی به صورت جزئی پیوسته با کنفرانس‌های مهم سازمان ملل متحد درآمده و همکاری‌های آن در موقیعت‌ها و دستاوردهای کنفرانس‌ها بسیار مؤثر بوده است.

برای کنفرانس استانبول، همکاری‌های سازمان‌های غیر دولتی و سازمان‌های بومی بیشتر از پیش مورد قبول سازمان ملل متحد قرار

گرفته و این در نقش این سازمان‌ها برای جامعه انسانی در قرن ۲۱ بسیار مفید و مؤثر خواهد بود.

در کنفرانس عالی استانبول، سازمان‌های غیر دولتی در پی آن است که به اهداف ذیل دست یابند:

۱- اشتیاق، توانائی و تعهدات خود را در حل مشکلات جهانی نشان دهد.

۲- روابط و همکاری بین واحدهای سازمان‌های غیر دولتی را تقویت نماید و نشان دهد که همچون گذشته به پیگیری تصمیمات کنفرانس‌های جهانی متعهد است.

۳- نظر سران دول را به لزوم اجرای قطعنامه‌ها و تصمیمات اتخاذ شده در کنفرانس‌های جهانی جلب نماید.

۴- نقش سازمان‌های غیر دولتی را به عنوان واسطه‌ای برای تحول جهان مورد بحث قرار دهد و روش‌های جدیدی برای کار خود اتخاذ نماید.

این هدف‌ها از طریق برگزاری کنفرانس‌ها، سمپوزیوم، میزگرد، ارتباط با نمایندگان وسائل ارتباط جمعی، و تشکیل نمایشگاه‌ها تحقق خواهد یافت.

جامعه بین‌المللی بهائی و نمایندگان دیگر تشکیلات و انجمن‌های بهائی، به کوشش‌های چندی دست خواهند زد. از جمله، این اقدامات تشکیل غرفه‌ای از آثار و کتب بهائی به زبان‌های مختلف، انعقاد سمپوزیوم، اجرای برنامه‌های فرهنگی، ملاقات با شخصیت‌های برجسته، اجرای برنامه‌هایی توسط جوانان را می‌توان بر شمرد. در این اجتماع، بهائیان فرصت خواهند یافت تا با همکاری دیگر سازمان‌های غیر دولتی، با نمایندگان وسائل ارتباط جمعی و نیز با نمایندگان کشورهای مختلف تماس حاصل نموده و با توجه به



قدیمی آن فقر و فلاکت مردمان مشهود است، و هم در آن خانه‌ها و ویلاهای مجلل و پُر شکوه توان یافت؛ هم محلات زیبا و پاک دارد و هم بیغوله‌های فاقد وسائل ابتدائی بهداشت و رفاه.

**

مسئله، سکونت‌گاه‌های انسانی فقط مسئله، کشورهای فقیر نیست. این مشکل جهانی است و هر جا به صورتی، حتی در شهرهای به ظاهر مرفه، دیده می‌شود. اگر در ممالك فقیر، گروه‌های عظیمی از مردم بی سرپناهند و یا در بیغوله‌هایی به سر می‌برند که از پاره‌های مقبوا و حلبی و شاخه‌های درخت سر هم شده، در شهرهای بزرگ صنعتی، ناامنی، آلودگی آب و هوا، سر و صدا و تصادفات، بلای جان و آشفته‌گر آرامش ساکنان است. چنین است که باید سکونت‌گاه آدمیان و محیط زیست آنان را يك جا مد نظر قرار داد. حقیقت این است که هم مشکلات بیغوله‌نشینان و بی‌خانه‌ها و هم مسائل و مصائب شهرنشینان به

پیام دهم اکبر بیت العدل اعظم که در آن محافل ملی را دعوت فرموده‌اند که کوشش‌های خویش را در روابط خارجی گسترش دهند، این تماس‌ها و اقدامات در تحقق منظور معهد اعلی بسیار مؤثر و مفید خواهد بود.

محل تشکیل کنفرانس عالی سران و اجتماع سازمان‌های غیر دولتی برای زیست‌گاه‌های انسانی بسیار مناسب انتخاب شده است.

شهر استانبول، مرکز اقتصادی و فرهنگی ترکیه، و نقطه تلاقی دو قاره، آسیا و اروپا و راه‌های شرق و غرب و جنوب و شمال است. شهری است با سه هزار سال سابقه، فرهنگی که از تمدن شرق و غرب هر دو تأثیر پذیرفته و اکنون یکی از مراکز مهم بازرگانی بین‌المللی و جهانگردی است.

طرفه اینکه این شهر که میزبان کنفرانس سکونت‌گاه‌های انسانی است، خود نمونه‌ای از وضع ناهنجار جهان معاصر است؛ هم در محلات

ظاهر مرقه، همه به هم پیوسته‌اند و حلّ یکی بدون راهیابی برای حلّ دیگری ممکن نیست.

آمار سازمان ملل متحد حاکی است که کمبود آب یکی از مشکلات فزاینده، محیط زندگی است. در طی ۲۵ سال اخیر، سهم سرانه آب برای مردم جهان به یک سوم تقلیل یافته است. در سال ۱۹۹۰ یک میلیارد و سیصد میلیون نفر از مردم ممالک کم رشد به آب آشامیدنی سالم دسترسی نداشتند. ناسالمی آب با فقدان امکانات بهداشتی رابطه‌ای مستقیم دارد. تقریباً دو میلیارد از جمعیت جهان از بهداشت مناسب محروم‌اند.

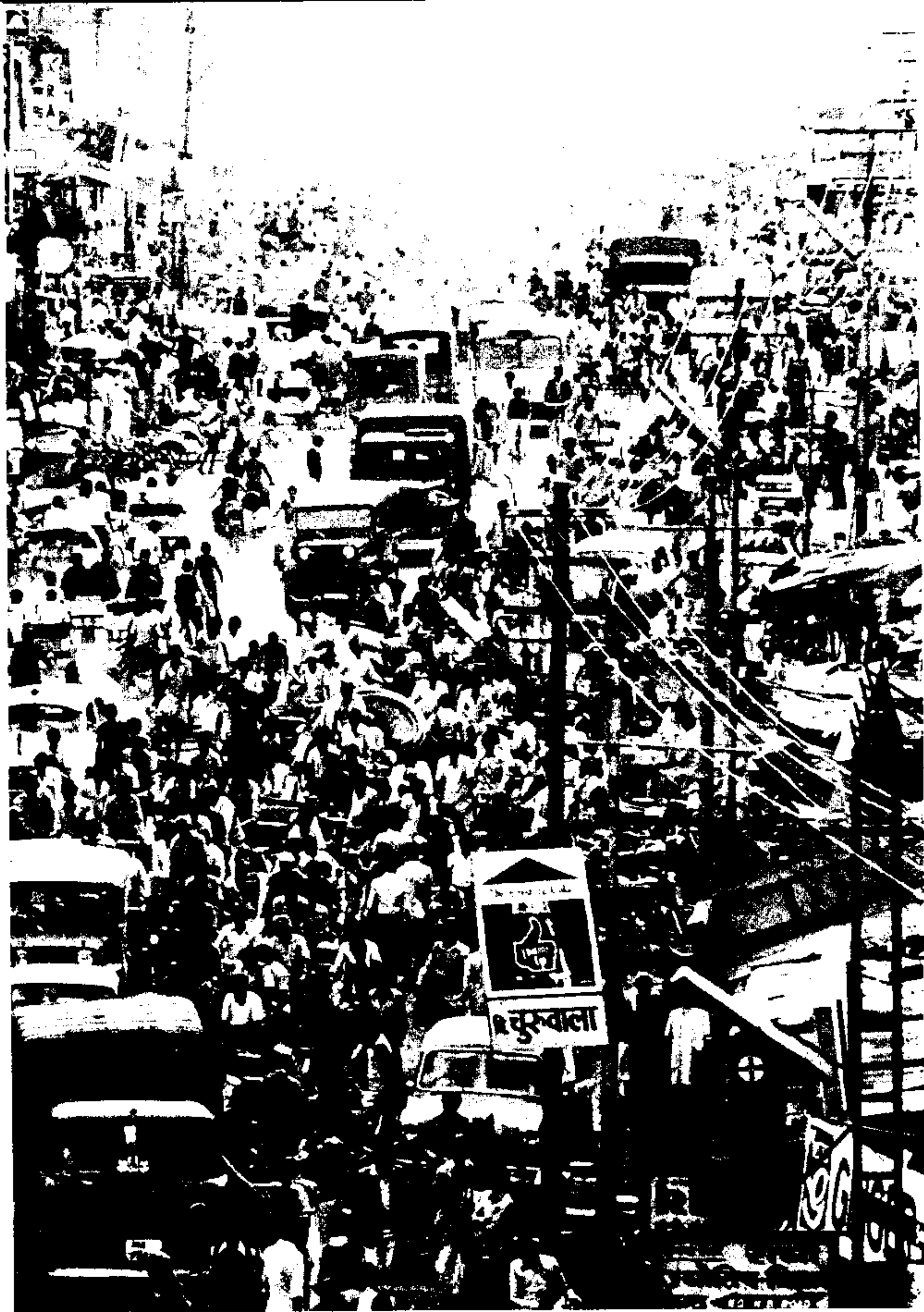
در کشورهای در حال رشد، تباهی زمین نیز مشکل دیگری است. هر سال ۷/۶ میلیون کیلومتر مربع - مساوی تمام سرزمین استرالیا و یا ۷۵ درصد تمام اروپا - از زمین‌های این ممالک بایر می‌شود. نابودی جنگل‌ها، همراه با چرای نادرست، از عوامل مؤثر در این ضایعه است.

در ممالک صنعتی، زیست‌گاه‌های انسانی از هوای آلوده در تهدید است. آلودگی هوا، جنگل‌های اروپا را به سوی نابودی سوق می‌دهد و از این طریق هر سال ۳۵ میلیارد دلار زیان اقتصادی به بار می‌آورد. و نیز هر سال تنها در چهار کشور اروپائی - سوئد، ایتالیا، لهستان و آلمان - بر اثر آلودگی هوا معادل ۱۱ میلیارد دلار از محصولات کشاورزی نابود می‌شود. اگرچه علل آلودگی محیط زیست انسانی در ممالک صنعتی و کشورهای توسعه نیافته متفاوت است، اما هر دو نتایج زیانبار مشابه دارند.

ویرانی محیط زیست در شدت بخشیدن به آنچه که به بلاهای طبیعی موسوم است تأثیری انکارناپذیر دارد. نابودی جنگل‌ها سبب خشکسالی بیشتر در بعضی نقاط و جاری شدن

سیل در جاهای دیگر و یا ایجاد طوفان‌های ویران‌کننده می‌شود. افزایش جمعیت سبب شده که مردم اجباراً برای سکونت به سرزمین‌هایی روی آورند که پیوسته در معرض طوفان و سیل است. نتیجه آنکه، تلفات ناشی از حوادث طبیعی رو به افزایش نهاده است. بین سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۹۱، سه میلیارد نفر از جمعیت جهان گرفتار حوادث طبیعی شده‌اند. تنها در آسیا بیش از ۷ میلیون نفر جان باخته و ۲ میلیون نفر آسیب جانی دیده‌اند. افزایش این سوانح در بیست سال گذشته نگران‌کننده است. در دهه ۱۹۶۰ شانزده سانحه، مهم در جهان روی داده، در دهه ۷۰ بیست و نه و در دهه ۸۰ هفتاد سانحه. این سوانح تنها موجب مرگ و آسیب بدنی افراد نمی‌شود، بلکه زیان‌های اقتصادی هنگفت در پی دارد. در دهه ۱۹۶۰، زیان‌های اقتصادی ناشی از حوادث طبیعی به ۱۰ میلیارد دلار برآورده شد و این رقم برای دهه ۷۰ به ۳۰ میلیارد و برای دهه ۸۰ به ۹۳ میلیارد دلار بالغ شده است. در کشورهای رشد نیافته، حوادث طبیعی و فقر، دور تسلسل ناگواری تشکیل می‌دهد: حوادث طبیعی موجب فقر می‌شود و فقر، حوادث بیشتری به بار می‌آورد.

گره کور مشکل سکونت‌گاه‌های انسانی تنها با ساختن خانه، بیشتر گشودنی نیست. برای زیستن انسان، آب آشامیدنی سالم نیز ضروری است، در حالی که فوقاً اشاره شد که ۱،۳۰۰ میلیون از مردم جهان از آن محرومند. و نیز خدمات بهداشتی و درمانی با زیستن انسان‌ها ملازمه دارد و حال آنکه اکنون ۱،۵۰۰ میلیون نفر به آن دسترسی ندارند. اطفال نیاز به مدرسه و تعلیم و تربیت دارند، اما در جهان ۳۰۰ میلیون کودک راه به مدرسه ندارند. و بالاخره،



نهای
شده
نهایی
سپیل
صیغی
تا
رفتار
ز
سیب
ست
۱۹۶
در
شد
سیب
دی
نهای
سپارد
۳۰
برای
و شد
سکین
بود و
تیب
ری
روزی
۱۰
نیز
ساز
سیون
رسم
۳۰
خبره

کار کردن و کسب معاش یکی از حقوق اساسی بشر و از لوازم حتمی زندگی است، در حالی که ۸۲۰ میلیون نفر بیکار در سراسر جهان پراکنده‌اند.

این مشکلات محدود و منحصر به ممالك فقیر نیست بلکه در شهرهای بزرگ صنعتی و ظاهراً مرفه نیز تصویر نازیبای خود را، بر اثر بی‌عدالتی‌های اجتماعی، ظاهر ساخته است. به عنوان مثال در کشور فرانسه ۹ درصد جمعیت، یعنی ۵ میلیون نفر یا فاقد خانه‌اند و یا در خانه‌هایی به سر می‌برند که فاقد آب، برق و وسائل روشنائی و گرم کننده است.

سیر رو به افزایش شهرنشینی، عامل دیگری در ایجاد مشکل سکونت‌گاه‌های انسانی است. در سال ۱۹۵۰ فقط ۳۰ درصد از جمعیت جهان شهرنشین بودند و در سال ۱۹۹۵ این نسبت به ۴۵ درصد رسید. پیش‌بینی شده است که تا ده سال دیگر از هر دو نفر از ساکنین زمین، یک نفر در شهرهای کوچک یا بزرگ ساکن باشد. نسبت شهرنشینان به روستائیان در همه ممالك و قاره‌ها یکسان نیست. اکنون قریب سه چهارم جمعیت کشورهای پیشرفته و امریکای لاتین شهرنشین‌اند و حال آنکه فقط یک سوم از مردم آسیا و آفریقا (به جز ممالك عربی) در شهرها سکونت دارند. در همین ممالك اخیر است که آهنگ شهرنشینی شتاب بیشتری دارد. در پایان این قرن ۴۰ درصد از مردم این سرزمین‌ها ساکن شهرها خواهند شد. از ۱,۴۰۰ میلیون از مردم جهان که در فقر کامل به سر می‌برند، قریب ۱,۳۰۰ میلیون در ممالك توسعه نیافته ساکنند. از سال ۱۹۹۰ لا اقل ۶۰۰ میلیون از مردم همین کشورها در زیر سرپناه‌های زنده‌اند (نه اینکه زندگی می‌کنند) که برای سلامت و بقای آنها

خطرناک محسوب می‌شود. در بعضی از شهرها بیش از نیمی از مردم در بی‌غوله‌ها گذران می‌کنند.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در دسامبر ۱۹۸۸ طرحی را تصویب کرد که هدف اصلی آن تسهیل دسترسی همه افراد جهان به خانه مناسب تا پایان این قرن بود. اما با وضع کنونی که قطعنامه‌های سازمان ملل متحد ضمانت اجرایی ندارد، قطعنامه ۱۹۸۸ نیز چنانکه باید اجرا نشد و در حال حاضر که کتاب قرن بیستم را بیش از چهار ورق به پایان نمانده، وضع مسکن از همیشه نگران‌کننده‌تر است. گسترش شهرنشینی و کمبود مسکن مناسب سبب شد که سازمان ملل متحد کنفرانس دوم زیست‌گاه‌های انسانی را سازمان دهد. در این کنفرانس سازمان ملل از دولت‌ها خواهد خواست که از این به بعد، برخلاف گذشته، بخش خصوصی را تشویق کنند که به حل مشکل کمبود مسکن پردازد و دولت‌ها وظایف نظارت، راهنمایی، تأمین اعتبار مالی و کمک‌های فنی را برعهده گیرند.

در هر حال خانه در قلب و مرکز همه طرح‌های اقامت‌گاه‌های انسانی قرار دارد. خانه، کلمه‌ای آرامش‌بخش و موجد حس ایمنی و آسایش است. در نمادشناسی، خانه، به مانند سیته و یا معبد، نشانه جایی منظم و بسته و سمبلی است از کیهان و نظم کیهانی. بعضی قبرها در مصر قدیم به شکل خانه ساخته می‌شد و رمزی بود از جاودانگی زندگی که قبر خانه و جایگاه نهائی انسان بود. خانه، همچون معبد، می‌تواند نماد هیکل انسان، به نشانه باروری نیز باشد. از طرف دیگر، توأمانی خانه و هیکل انسان، در تجزیه و تحلیل روانکاوی در تعبیر

می‌فرمایند: «کمالات انسانیّه منحصر به شؤون روحانیّه نه، بلکه کمالات جسمانی نیز لازم، تا عالم انسانی به جمال معنوی و کمال صوری در انجمن وجود جلوه نماید.»^۷

مصرف آب پاک نیز که مصرّح کتاب اقدس است از ضروریّات خانه و سکونت‌گاه‌های انسانی است. از این حکم الهی، منع آلوده کردن چشمه‌ها و رودها و دریاها، به هر طریقی، استنباط می‌شود. و نیز احکام شریف دیگری در کتاب اقدس نازل شده که ضامن تأمین حسن همجواری و همزیستی سالم و هماهنگ مردم در محل زندگی است. از این جمله است دستور ترك تعصّبات و حکم پاکی ملل دیگر و معاشرت با پیروان همه ادیان با روح و ریحان.

تجدید نمودن اسباب خانه هر نوزده سال یکبار، برای آن کس که توانگر باشد، نیز ناظر بر صفا و زیبائی خانه است. این دستور الهی بر اقتصاد جامعه نیز اثر مثبت دارد و از سوی دیگر سبب می‌شود که انسان به اشیاء مادی دل‌بستگی و عادت پیدا نکند. البته اشیائی که یادگار عزیزان و نفوس بزرگوار باشد که دارای ارزشی تاریخی است و نیز آنچه که به بیان حضرت عبدالبهاء «تحفّهای نادیده و اشیاء مرغوبه»^۸ نامیده شده، از این قاعده مستثنی است. از احکام دیگری که به خانه و حفظ آن ناظر است، معاف بودن خانه، مسکونی از حقوق الله و نیز در احکام ارث، اختصاص خانه، مسکونی به پسر ارشد را می‌توان نام برد.

دستور دیگری که بر حیات و خانه، بهائی صفا می‌بخشد، برپائی ضیافت هر نوزده روز يك بار است که «مقصود از این ضیافت الفت و محبت و تبثّل و تذکر و ترویج مساعی خیریه است...»^۹

خواب مفهومی عمیق‌تر می‌یابد: نمای خانه حاکی از ظاهر انسان است و سقف به منزله، سر یا روح و وجدان انسان. زیرزمین سمبل نیروی غرایز و بالاخره مطبخ نشانه، تحوّل روانی است.^{۱۰}

در امر بهائی احترامی مخصوص به خانه و حریم آن عنایت شده است. در ادعیه و مناجات‌ها برای خانه‌هایی که در آنها ذکر الهی رود و حتّی آثار الهی در آنها حفظ شود، برکت احسان شده است و نیز، برای خروج از بیت دعای مخصوص نازل شده. در آثار بهائی احکام و نصایح زیارت می‌شود که مستقیماً و یا به اشاره به خانه و خانواده، بهائی ناظر است، ناظر به جنبه‌های مادی و زیبایی آن و نیز ناظر به جنبه‌های عاطفی و روحانی آن. محیط زیست و حسن همجواری خانه نیز مشمول احکام و نصایحی است که از قلم شارع و یا مبین این امر نازل شده است. هدف همه، این اوامر و نصایح تأمین آسایش و حفاظت انسان و تکامل روحانی و معنوی اوست.

قبل از هر مطلبی باید به نصیحت قلم اعلیٰ که مکرراً در کتاب اقدس نازل شده، اشاره رود که می‌فرمایند: «تَمَسَّكُوا بِاللِّطَافَةِ فِي كُلِّ الْاَحْوَالِ.» این بیان الهی شامل همه شؤون زندگی انسانی است. خانه و خانواده واحد اول اجتماع است و باید در نظافت و زیبائی و آراستن معتدل آن کوشید. این زیبائی ظاهر باید تجلّی زیبائی درون و باطن ساکنان خانه باشد. حفظ پاکی خانه کافی نیست، باید محیط زیست نیز از هر آلودگی حفظ شود تا بین درون و برون، محاط و محیط، هماهنگی برقرار شود. در خانه، آن کس که بتواند، مختار است که حتّی ظروف زر و نقره به کار برد. حضرت عبدالبهاء

تأثیر بسیاری از احکام و نصایح الهی در تحول جامعه، انسانی و سوق آن به سوی زندگی و تمدنی جدید، حال یا روشن نیست و یا جلوه آن محدود است. فقط در مسیر تاریخ و تکامل اندیشه بشری و توجه عمیق‌تر به جنبه‌های معنوی حیات انسانی و محیط زندگی اوست که قوای مکنون در این احکام و نصایح، تدریجاً آشکار و متجلی خواهد شد. حال درک ما از جایگاه ضیافت نوزده روزه، محدود به اجتماعات کوچکی است که هر ماه با حضور چند یا چندین نفر برگزار می‌شود. زمانی که مفهوم حقیقی این ضیافت مادی و روحانی، آنچنان که حق مقرر فرموده است، در زندگی جلوه نماید، به منزله اساس زندگی و تمدن جهانی محسوب خواهد شد. اگر سپردن جایگاه تفکر به تصور مجاز باشد، می‌توان در ذهن مجسم نمود زمانی را که در هر خانه یا در مراکز اجتماعی هر کوی و برزن، هر نوزده روز یک بار ضیافتی برپا شود که در آن به نیایش پروردگار پردازند، به یکدیگر محبت و تواضع کنند، در امور محلی، ملی و بین‌المللی تبادل اطلاع و اظهار رأی نمایند، به مسائل و مشکلات فردی و اجتماعی رسیدگی نمایند و در حل و رفع آنها بکوشند، چنان زمانی است که اقامت‌گاه‌های انسانی موافق شأن و مقام انسان و شایسته زندگی اوست.

خانه بهائی باید لانه محبت باشد و صاحب خانه مظهر محبت و عطوفت. حضرت مولی‌الوری در موارد متعدد، به صاحبان خانه نصایحی فرموده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود. به میزبان ضیافت ۱۹ روزه چنین نصیحت می‌فرمایند: «صاحب منزل باید به نفس خویش خدمت یاران نماید و همه را دلجوئی کند، در کمال خضوع مهربانی فرماید.»^{۱۱} و نیز به

زوجی که زندگی جدیدی آغاز کرده بودند می‌فرمایند: «خانه منظم و مرتب باشد... خانه خود را محل راحتی و صفا نمایید، مهمان‌نواز باشید و در منزل خود را به روی آشنا و بیگانه باز گذارید. هر تازه‌واردی را با روئی متبسم استقبال کنید و خوش‌آمد گویند و طوری با ایشان رفتار نمایید که احساس کنند در خانه من هستند... باید طوری زندگی نمایید که خانه شما جلوه‌ای از ملکوت ابهی شود تا هر کس قدم گذارد، روح صفا و نزهت را احساس نماید و بی‌اختیار فریاد برآورد که اینجا خانه محبت است، اینجا گلستان محبت است.»^{۱۱}

دلبستگی به خانه و زادگاه، حس طبیعی و در شرایطی پسندیده است و از دست دادن لانه و آشیانه، البته، دلتنگی و ملال خاطر در پی دارد. این را جمعی بسیار از یاران ایران که اکنون در شهرها و دهات سراسر جهان ساکنند، تجربه کرده، عمق معنای آن را درک می‌کنند. به عبارت دیگر "غریت" را می‌فهمند و احیاناً از آن ملال خاطر دارند. برای تسلی این عزیزان، نصایح آرامش‌بخش حضرت عبدالبهاء نقل می‌شود تا تلخی غریت به شهد موقفیت در خدمت بدل شود و پرمردگی جان جای خود را به نشاط و سرسبزی رضای الهی دهد.

- «ای ورقه، موقنه، اگرچه در دیار غریت به فرقت خویش و پیوند گرفتار شدی ولی به خدمت خداوند بی مثل و مانند سرافراز گشتی، از قطره محروم شدی و از بحر نصیب برداشتی. یک ساعت آن غریت پر کربت بهتر از صد سال زندگانی در وطن است، و یک دقیقه، این آوارگی خوش‌تر از صد هزار آزادگیست.»^{۱۲}

- «اگر خانه ناسوتی ویران گشت محزون مباش، قصر ملکوتی معمور باد. ای مرغ حقیقت،

- Departement de l'information des Nations Unies: Les réfugiés, victime de la désintégration sociale, New York, 1994.
- Departement de l'information des Nations Unies: Logement, emploi et déshérités urbains, New York, 1994.
- United Nations: Human Development Report, New York, 1994.
- Bahá'í International Community (BIC): Building a Unified Community, Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, 1980.
- 1- HABITAT II.
- 2- Non-Governmental Organizations.
- 3- Community based organizations
- 4- City Summit

- ۵- از ۳۰ ماه می تا ۱۳ ژوئن.
- 6- Marianne Oesterreicher-Mollow, Dictionnaire des Symboles, Perpols, Belgique 1992.
- ۷- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۳، ص ۱۰۶، لانگنهاین ۱۹۹۲ م.
- ۸- کتاب اقدس، ص ۲۱۶، یادداشت شماره ۱۶۶، حیف، ۱۹۹۵ م.
- ۹- مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۵۰۲، طبع مصر.
- ۱۰- امر و خلق، ج ۳، ص ۱۳۹، لانگنهاین، ۱۴۲ ب.
- ۱۱- هدیه ازدواج، صص ۸-۱۵، مؤسسه ملی مطبوعات امری ایران، ۱۱۶ ب.
- ۱۲- مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۵، ص ۱۹۱، مؤسسه ملی مطبوعات امری ایران، ۱۳۲ ب.
- ۱۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۳، ص ۴۷، لانگنهاین، ۱۹۹۲ م.
- ۱۴- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، صص ۲۶۹-۲۷۰، ویلمت، ۱۹۷۹ م.
- ۱۵- سواد این لوح مبارک را جناب امان الله موقن مرحمت فرموده‌اند. از لطف ایشان سپاسگزارم.

اگر آشیان خاکی خراب گردید، غم مخور، تو را آشیان آسمانی موجود.»^{۱۲}

- «ای آوارگان سبیل حق، سر و سامان و آسودگی و آزادگی هرچند کام دل و راحت جان است، ولی آزرده‌گی و آوارگی در راه خدا به از صد هزار سر و سامان، چه این غربت و هجرت موهبت از پی دارد و رحمت بیایی.»^{۱۴}

ختم کلام را با لوح مبارکی از حضرت عبدالبهاء زینت می‌دهم که ملال خاطر دوستان را از ملاحظه و مطالعه اعداد و آمار که گرچه ضروری است، اما ممکن است ملال‌آور باشد، از خاطر بزداید.

«هو الله، هر بیتی که در آن ذکر بهاء الله شود مبارك گردد و برکت یابد، موهبت الهیه بر آن خانه نازل شود، نور الهی بر آن بتابد و نفثات روح در آن دمیده شود. لهذا امیدم چنان است که خانه، تو مبارك شود، خانه، آسمانی گردد. همیشه در این خانه ذکر بهاء الله بلند باشد و تعالیم بهاء الله از این خانه به سایر خانه‌ها انتشار نماید. امیدم چنین است.»^{۱۵}

پیام بهائی- مشکل جهانی مسکن گواه دیگری بر این حقیقت است که اختصاص بیشترین منابع عالم به تجهیزات نظامی و تسلیحات و انواع هزینه‌های غیر ضروری و بی‌توجهی به محیط زیست و غفلت از تعدیل معیشت مردم و بهبود بخشیدن به زندگی توده‌های تنگدست، چه عواقب دردناک در پی داشته و دارد.

یادداشت‌ها

آمار این نوشته عمدتاً، نه منحصر، از مدارک ذیل گرفته شده:

دعا و مناجات

نگاهی به گنجینه فناپذیر مناجات‌های بهائی

الضمیر است و هر دعائی ناچار با الفاظ بیان می‌شود، اما در حالت شدت معنویت دعاگوی چنان اوج می‌گیرد که از همه و زمزمه، الفاظ آزاد می‌شود. «قوت عبادت به منزله، جناح است. روح انسانی را از حسیض ادنی^۱ به ملکوت ابهی^۲ عروج دهد.»^۳ نیل به چنین حالت مناجات، مقدمات می‌خواهد و تحصیل آنی و فوری آن شاید مقدور نباشد. حضرت بهاءالله شرایط حصول حالت مناجات را چنین تشریح فرموده‌اند: «ان اقبل الى الله بقلب طاهر و نفس زكية و لسان صادق و بصر مقدس. ثم ادعوه في كل الاحوال. انه معين من اقبل اليه.»^۴

طهارت قلب و پاکیزگی نفس و صداقت زبان و پاکی بصر از شرایط اصلی ورود به حالت مناجات تعیین شده است، ناچار چنین مناجات و دعائی در حالت خلوت و انزوای موقت و انصراف ذهن از امور دنیوی امکان‌پذیر است. دل و دیده و زبان هر سه باید از همه آلودگی‌های جهانی پاک شود تا آدمی بتواند آن حالت مخصوص را ادراک کند. البته مناجات باید در حال احترام کامل ادا شود، وضع جسم هم باید ترجمان این تکریم و توجه باشد. برای نیل به حالتی روحانی که در آن حال مکالمه با خداوند میسر گردد، حضرت عبدالبهاء چنین توصیه می‌فرمایند: «باید

یکی از وجوه مشترك همه ادیان جهان توجه به ضرورت دعا و مناجات است، اما در هیچ يك از ادیان الهی این همه دعا و مناجات که در شریعت بهائی نازل شده و همه نیازهای متنوع روحانی آدمیان را برآورده می‌کند، از قلم مظهر ظهور و اوصیاء او صادر نشده است.

تعریف دعا در آثار مبارکه به عنوان وسیله، ارتباط معنوی با خدا آمده است و مناجات راز و نیاز با خداوند بی‌نیاز است. حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه فرموده‌اند: «دعا واسطه ارتباط میانه، حق و خلق است و سبب توجه و تعلق قلب. هرگز فیض از اعلیٰ به ادنی بدون واسطه، تعلق و ارتباط حاصل نگردد. این است که بنده باید به درگاه احدیت تضرع و ابتهال نماید و نماز و نیاز آرد.»^۱ مناجات را زبان روح توصیف فرموده‌اند: «لسانی که انسان یا حق همراز و به راز و نیاز دمساز می‌گردد، زبان روح است و هر وقت ما در حین مناجات از قیود عالم ناسوت آزاد شده توجه به حق کنیم، گوئی در آن حین ندای الهی را در قلب می‌شنویم، بدون الفساذ صحبت می‌کنیم، مخابره می‌نمائیم، گفتگو با خدا می‌کنیم و جواب می‌شنویم.»^۲

به زبان ساده‌تر، دعا و مناجات گفتگو با خداست. هرچند الفاظ وسیله‌ای برای بیان ما فی

عظمه که
همیت و
در طول
هدف
تیه زد یاد
تبلیغ و

بهائی که
مکرر آید و
یر کنند اند
در جای
ر می‌رود.
ر سلیانه
هر آن نیز
ونه منتشر
موندگان
نبودن

نامه را
بر عهده
وزیع پیام
و کاندادا

بهائی



جهد کنیم تا به مقامی رسیم که منقطعاً عن کلّ الاشیاء و مَنْ فی العالم به خداوند وحده توجه نماییم... حصول این رتبه به عدم تعلق و اعتناء به امور جسمانی و شدت تمسک و اهتمام به امور روحانیّه است.^۵

تأثیرات دعا و مناجات در آثار مبارکه مشروحاً مذکور شده است. از جمله آنکه به فرموده حضرت عبدالیهاء حالت مناجات «قلوب صافیه را منجذب نماید» یعنی به سوی خدا کشاند و «نفوس مقدسه را انتباه و روحانیت عجیبی بخشد». در این دقایق ژرف روحانی است که آدمی به ضعف خود و قدرت حق، به عجز خود و قوت او بیشتر آگاهی می‌یابد و وابستگی حیات و سرنوشت خود را به اراده، غیبی بیشتر متذکر می‌گردد. باید یادآور شد که کلمه عبادت با عبودیت قرابت دارد و در حالت عبادت است که آدمی به بندگی خود در برابر خدا بیناتر می‌شود و به این حقیقت پی می‌برد که:

بی عنایات حق و خاصان حق

گر ملک باشد سیاهستش ورق
نکته مهم دیگر این است که مناجات باید از محبت به خدا ناشی گردد، نه از خوف و ترس یا به طمع پاداش. «وقتی که انسان مفتون حب دیگری گردد، ممکن نیست از ذکر معشوقش سکون اختیار کند، پس چقدر دشوارتر است که انسانی مفتون خدا باشد و از ذکر او دم فرو

بندد.»^۶

مناجات سبب اطمینان قلب است، سبب استبشار روح است، موجب تصفیه و تلطیف کینونات بشری است، علت علو درجات است، سبب عفو قصور است و عامل موفقیت در امور، و بالاخره به توصیه حضرت عبدالیهاء «هر وقت ظلمت احزان هجوم نماید، ذکر جمال قدم کن تا روشنائی، کاشانه قلب را احاطه کند، پژمردگی و افسردگی زائل گردد و لطافت و طراوت بی‌منتهی حاصل شود.»^۷

محققان مسیحی با مطالعه دعاها می‌بینند که در جهان مسیحیت موجود است، و فقط یکی از آنها منسوب به حضرت عیسی مسیح است، قائل به پنج نوع دعا و مناجات شده‌اند: اول مناجات‌های مخصوص نیایش خدا یا وجود مقدسی که مخاطب دعاست (مظهر ظهور)؛ دوم مناجات‌های مخصوص شکر و سپاس از نعمت‌های الهی؛ سوم مناجات‌های شفاعت، مثلاً طلب غفران برای پدر و مادر یا طلب شفا برای دوستان و عزیزانی که بیمار شده‌اند؛ چهارم مناجات‌های طلب معاش و برآوردن نیاز- که اتفاقاً آن يك مناجات منسوب به حضرت مسیح از این مقوله است- و بالاخره، پنجم دعا‌های مخصوص اعتراف به خطا و گناه و طلب عفو.

باید متذکر شد که هر دعا و مناجاتی لزوماً به اجابت از جانب حق منتهی نمی‌شود. حضرت مولی‌الوری به این موضوع که فی المثل گاه دعای

جای داد. مناجات برای اماکن، اقوام و طلب خیر و برکت برای آنها نیز از انواع متداول مناجات در امر بهائی است. مناجاتهای مخصوص راز و نیاز و شکر و ستایش پروردگار (دسته، دوم) و مناجاتهای مخصوص نیایش وجود مطلق الهی در امر مبارک نیز فراوان است (دسته، اول).

بسیاری از متصاعدین الی الله افتخار آن را داشته‌اند که زیارتنامه یا مناجاتی به نامشان از کَلک طلعات مقدسه صادر گردد. در این مناجاتها معمولاً اشاره‌ای به فضائل اخلاقی و امتیازات روحانی شخص در گذشته شده است و

شفا برای کسی خوانده می‌شود و معذک آن شخص قوت می‌شود، توضیح فرموده‌اند که این گونه دعا و مناجات «به جهت شفای از اجل معلق است نه قضای محتوم و مبرم» و در موضع دیگر یادآور شده‌اند که ممکن است اجابت دعا به مصلحت شخص مورد نظر نباشد و آنچه محبوب ازلی اراده کند، لزوماً باید آن را به رضا و رغبت پذیرفت.

در یک لوح مبارک حضرت عبدالبهاء تصریح فرموده‌اند که دعا و مناجات سبب حفظ و صیانت از امتحانات است.^۸ و این نتیجه و تأثیر

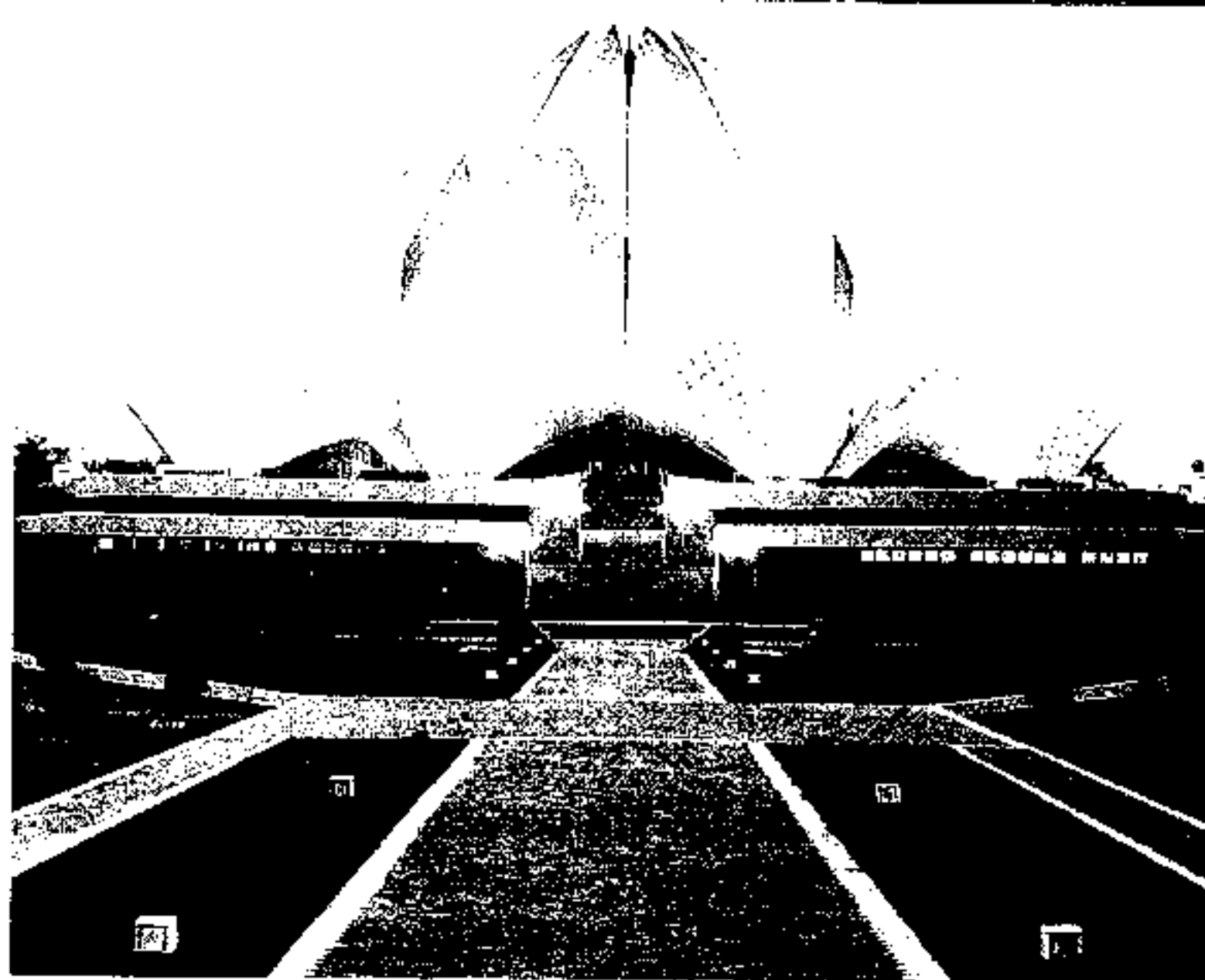


به همین ترتیب، فراوان است مناجاتهایی که در آن همه ذکر فضائل عالم انسانی و ترویج ملکات حسنه است که این را می‌توان از وجوه ممیزه ادعیه، بهائی دانست. و نیز از اختصاصات ادعیه، بهائی، دعا‌های بسیار لطیف و دلپذیری برای کودکان است که در این ظهور اعظم به مقام و منزلت آنان توجه مخصوصی مبذول شده است.

از بخش‌های مهم دعا و مناجات در امر بهائی، دعا و مناجات برای اوقات و مواقع مخصوص است، مثل اذکار عید رضوان، شب اول محرم، مناجات صوم در سحرها و در حین افطار، دعای آغاز و انجام صرف غذا، دعای هنگام خواب و بعد از بیداری، دعای هنگام خروج از منزل یا هنگام مسافرت که نمونه‌های آنها را می‌توان در کتب بسیار، از جمله ادعیه، حضرت محبوب، تسبیح و تهلیل، و جلد چهارم کتاب امر و خلق

محرز دعا و مناجات بی‌گمان امر قلیلی نیست. از مبسوطترین مجموعه مناجاتها که در امر بهائی جمع و نشر شده، مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء است که لجنة، ملی نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی به سال ۱۹۹۲ م. در آلمان به طبع رسانده است. وقتی به فهرست عناوین این مجموعه نظر شود ملاحظه می‌کنیم که تنوع ادعیه و مناجاتها در امر بهائی خیلی بیش از آن است که در مسیحیت ذکرش رفت. هرگاه مناجاتهای طلب تأیید، طلب برکت و عزت و گشایش در امور، طلب تسکین و تشجیع، طلب شفا را در دسته، چهارم ادعیه، مسیحی منظور بداریم و طلب عفو و بخشش را در دسته، پنجم، ملاحظه می‌کنیم که بسیاری از ادعیه، بهائی برای خیر و مصلحت جهان و جهانیان است، بدون آنکه بتوان آن را بطور کامل در دسته، سوم (مثل مناجات برای والدین)

سبب
صیغ
ست.
مور.
وقت
کن تا
ردگی
روت
که در
ز آنها
ش به
تدی
ی که
تدی
سوم
قد پر
می که
تش و
سبب
دختره
کند و
زوماً
حضرت
دعای



باز یافت.

۳- حضرت عبدالبهاء، گنجینه، حدود و احکام، صص ۱۳-۱۴، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۱۹ ب.

۴- امر و خلق، ج ۴، ص ۲۱، لانگنهاین، ۱۹۸۶ م.

۵- مأخذ ۲، ص ۱۰۵.

۶- مأخذ ۲، ص ۱۱۰.

۷- مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۷، ص ۱۲۳، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۴ ب.

8- The Divine Art of Living, p. 26.

۹- باید متذکر بود که ادعیه و مناجات‌های بهائی وسیله‌ای مؤثر در تبلیغ امر مبارک نیز هست. در جهان غرب بسیار دیده شده است که جویندگان حقیقت یا شنیدن و یا خواندن مناجات‌های بهائی شیفته، امر مبارک شده‌اند و نیز مکرر مشاهده شده است که بعضی، حتی اگر به امر مبارک اقبال نکرده‌اند، کتاب مناجات‌ها را نزد خود حفظ کرده در اوقات مختلف آنها را تلاوت می‌کرده‌اند. دوستی حکایت می‌کرد که در مراسم تدفین یکی از آشنایانش که به شریعت مسیحی منسوب بود، مناجاتی برای طلب مغفرت متوفی تلاوت کرد و در پایان مراسم، دو فرزند متوفی هر یک جداگانه، از دوست بهائی خود سواد مناجات را طلب کردند تا آن را مستمراً برای اعتلای روح مادر و آرامش خاطر خود تلاوت کنند.

۱۰- مأخذ شماره ۲، ص ۱۱۴.

بدین ترتیب روشن می‌شود که هیچ دیاتی بیش از امر مبارک به این وسعت و غنا و شمول و جامعیت، ادعیه و مناجات در اختیار اهل ایمان قرار نداده است. ادعیه، بهائی عملاً همه جنبه‌ها و جلوه‌های زندگی فردی و جمعی را در بر می‌گیرد و از جهت لحن و سبک نیز ممتاز است که جای بحث آن در این مختصر نیست.^۹

دکتر اسلمنت به درستی نوشته است که: «عظمت مضامین و عمق معانی روحانی این بیانات [ادعیه و مناجات‌ها] باید هر متفکر و محقق را تحت تأثیر قرار دهد ولی قدر و اهمیت آنها تنها موقعی شناخته می‌شود و قوه و تأثیر آنها وقتی تحقق می‌یابد که انسان در زندگی روزانه، خود اوقات مناسبی را برای تلاوت آنها بطور منظم اختصاص دهد.»^{۱۰}

پیام بهائی

یادداشت‌ها

۱- مائده آسمانی، ج ۹، ص ۲۷، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۲ ب.

۲- ترجمه از بیانات حضرت عبدالبهاء منقول در «بهاء‌الله و عصر جدید»، ص ۱۰۴، دارالنشر البهائیه فی البرازیل، ۱۹۸۸ م.

تأثیر دعا و مناجات در درمان

دکتر لاری داسی

ترجمه لیلی ایمن

درباره تأثیر مثبت دعا و مناجات در حفظ تندرستی جسمانی و روانی انسان در آثار مبارکه مطالب بسیاری را زیارت می‌کنیم و مؤمنان به کلام الهی هیچ شکّی درباره تأثیر آن در حال بیمارانی که از علم پزشکی جواب ردّ شنیده‌اند ندارند. آنچه جالب توجه است روی آوردن محققان علوم پزشکی است به بررسی نتایج دعا و مناجات در حفظ تندرستی و حتی بهبود یافتن در مواردی که علم پزشکی خود را ناتوان اعلام می‌دارد. آنچه در اینجا از نظر خوانندگان می‌گذرد ترجمه‌ایست از تلخیص مقاله دکتر لاری داسی (Larry Dossey) در مجله ریدرز دایجست (Readers' Digest) ماه مارچ ۱۹۹۶. دکتر لاری داسی رئیس گروه مشاوران تن و روان در دفتر طبّ ال‌ترناتیو در مؤسسات ملی تندرستی امریکاست.

نمی‌توانستم باور کنم که هنوز زنده باشد. با حیرت بسیار عکس‌های ریه‌اش را نگاه کردم. ریه‌های او کاملاً پاك شده بودند و در آنها نشانی از بیماری سرطان دیده نمی‌شد. رادیولوژیستی که همراه من عکس‌ها را نگاه می‌کرد گفت: چه درمان قابل توجهی! پیش خود گفتم: کدام درمان؟ او که از درمانی استفاده نمی‌کرد... مگر دعا را درمان فرض کنیم.

با دو نفر از استادانم در دانشکده پزشکی در این باره صحبت کردم. هیچ‌یک از آنها حاضر نبود معجزآسا بودن بهبود این مرد را بپذیرد. یکی گفت: این جریان طبیعی بیماریست و دیگری فقط گفت: ما از این چیزها دیده‌ایم. من مدت‌ها بود که ایمان مذهبی زمان کودکیم را از دست داده بودم و به قدرت علم پزشکی جدید معتقد گشته بودم. از آنجا که دعا به نظرم فقط يك امر غیر ضروری و قراردادی می‌آمد این حادثه را از ذهنم خارج کردم.

هنگامی که در بیمارستان پارک لند در دالاس تک‌زاس "رزیدنت" بودم برای اولین بار با بیماری که به آخرین مرحله سرطان ریه دچار بود برخورددم. او را در جریان انواع درمان‌های موجود گذاشتم و تذکر هم دادم که بعید به نظر می‌رسد که هیچ يك از آنها بتواند کمک مؤثری به او بکند. تصمیم درستی که گرفت این بود که از هیچ درمانی استفاده نکند.

در عین حال هرگاه از کنار تختش در بیمارستان می‌گذشتم می‌دیدم که عده‌ای از دوستان کلیسائیش دورش را گرفته‌اند و با هم مشغول دعا و سرودهای مذهبی هستند. آنگاه پیش خود می‌گفتم: چه خوب کاری می‌کنند، چون بزودی به ناچار بر سر مزارش به همین کار خواهند پرداخت.

يك سال بعد، وقتی که در جای دیگری کار می‌کردم همکاری از پارک لند به من تلفن کرد و پرسید که آیا مایلیم از بیمار قدیم دیداری بکنیم؟ با تعجب پرسیدم: از او دیدار کنم؟ زیرا

سالها گذشت و من رئیس بخش یکی از بیمارستان‌های شهر بزرگی شدم. می‌دانستم که بسیاری از بیمارانی که از دعا استفاده می‌کنند ولی شخصاً چندان اعتقادی به این کار نداشتیم. بعد در آخرین سال‌های دهه هشتاد به تحقیقاتی برخوردیم (بسیاری از آنها تحت شرایط آزمایشگاهی سختی انجام گرفته بودند) که نشان می‌دادند که دعا سبب تغییرات قابل ملاحظه‌ای در وضع جسمانی افراد می‌شود.

شاید مجاب‌کننده‌ترین آنها تحقیقی بود که بوسیله دکتر رندلف برید (Randolph Byrd) متخصص قلب انجام گرفته بود و نتایج آن در سال ۱۹۸۸ به چاپ رسیده بود. طبق این گزارش ۳۹۳ بیمار بخش قلب بیمارستان عمومی سانفرانسیسکو را بوسیله کامپیوتر به دو گروه تقسیم کردند. برای یک گروه عده‌ای دعا می‌خواندند و برای گروه دیگر کسی دعا نمی‌خواند. هیچکس نمی‌دانست بیمارانی در چه گروهی هستند. به دعاخوانان فقط اسم اول بیمارانی با شرح مختصری از بیماریشان داده شده بود. به آنها گفته شده بود که برای این بیمارانی تا وقتی که از بیمارستان خارج شوند دعا بخوانند. ولی هیچ دستوری که چگونه این کار را انجام دهند به آنها داده نشده بود.

وقتی که پس از ده ماه مطالعه به پایان رسید بیمارانی که برایشان دعا خوانده شده بود در چندین زمینه بهره قابل ملاحظه‌ای نصیبشان شده بود:

- آنها پنج برابر کمتر از گروه دیگر احتیاج به آنتی بیوتیک داشتند.

- آنها دو برابر و نیم کمتر از گروه دیگر به نارسایی‌های قلبی فشرده دچار شدند.

- به نظر می‌رسید که آنها کمتر به سکتة قلبی

دچار می‌شدند.

اگر روش مورد مطالعه به دارو یا نحوه خاصی عمل جراحی ارتباط می‌داشت حتماً به عنوان یک کشف قابل توجه مطرح می‌شد. حتی بدبینان سرسختی چون دکتر ویلیام نولن (William Nolen) که کتابهای چندی درباره قابل تردید بودن نتایج درمان از طریق ایمان نوشته است قبول کرد که «اگر این مطالعه قابل اعتماد باشد آنگاه ما باید روی نسخه‌هایمان بنویسیم "روزی سه بار دعا بخوانید" به این امید که کارگر افتد».

ولی دانشمندان، که پزشکان هم از آن جمله‌اند، دارای نقطه‌های کوری هستند که قدرت دعا هم یکی از آنهاست.

من از همان زمان دست از درمان کشیدم تا صرفاً درباره تأثیر دعا بر تندرستی تحقیق کنم و بنگارم. مطالعاتی وجود دارد که نشان می‌دهد که دعا می‌تواند تأثیر مثبت بر فشار خون، جراحتهای، سردردها و نگرانی داشته باشد. اینها پاره‌ای از چیزهایی است که من یافته‌ام:

دعا می‌تواند به شکل‌های مختلف باشد. در مطالعاتی که من دیدم هم کسانی که به منظور بهبود خاصی دعا می‌خواندند نتیجه گرفتند و هم کسانی که بدون منظور معینی دعا می‌خواندند. در واقع بعضی از مطالعات نشان می‌داد که فقط گفتن «راضی به رضای تویم» از لحاظ کمی بیشتر موفق بوده است تا برای منظور خاص دعا کردن. در بسیاری از آزمایشها حالت ساده دعا و مناجات و احساس تقدیس و همدلی و همدردی خود زمینه مناسب برای درمان را فراهم می‌کرده است.

عشق بر قدرت دعا می‌افزاید. قدرت عشق حماسه‌ایست. به آن در افسانه‌های عامیانه، منطق

نیستیم که ممکن است ناخودآگاه ما بهتر از شعور بیدارمان بتواند دعا بخواند.

دعا سلامت است. دکتر هربرت بنسون (Herbert Benson) از دانشکده پزشکی هاروارد یکی از اولین محققینی بود که درباره تأثیر مثبت دعا و تعمق در آن مطالعه نموده است. او دریافت که در میان مسیحیان و یهودیانی که مرتب دعا میخوانند کاتولیکها از عبارتی بدین مضمون استفاده می کنند، «یا عیسی مسیح به من ترحم کن» و یهودیان از کلمه «شالوم» استفاده می کنند و پرتستانها اغلب از جمله اول دعای مسیح یا از جمله آغازی مزمور بیست و سوم از مزامیر داود استفاده می کنند.

طبق یافته بنسون همه این «ذکر»ها به یک اندازه در تحریک تغییرات سالم فیزیولوژیکی بدن که او آنها را «واکنشهای آسایش بخش» می نامد تأثیر مثبت دارند.

بنسون همچنین بین ورزش و دعا ارتباطی پیدا کرد. او به دوندگان آموخت که هنگام دویدن به دعایی بیندیشند و به این نتیجه رسید که عملکرد بدن این گروه بهبود یافته است.

تحقیق او نه فقط ثابت کرد که دعا برای بدن مفید است بلکه ثابت نیز کرد که روش دعا خواندنهای ما هم بسیار متفاوت است. در نتیجه تغییر دادن نحوه دعای اشخاص ممکن است در جریان دعا خواندن آنان خللی وارد سازد و از مقدار و تأثیر دعا بکاهد.

دعا می تواند بدون درخواست باشد. بیشتر کسانی که دعا می خوانند معتقدند دعا می تواند با توجه به هدفی خاص باشد. ولی تحقیق نشان داده است که دعاهایی هم که بدون هیچ منظور خاصی گفته می شود مؤثر است. عباراتی

معمولی و تجربه های روزانه برمی خوریم. و بنا بر تجربه عشاق سرخ شدن پوست و طپش شدید قلب گوشت بدن را به حرکت می آورد. سراسر تاریخ مملو از شواهدیست که پذیرایی محبت آمیز از بیمار تأثیر غیر قابل انکار در بهبود او داشته است. در واقع نتایج بررسی ده هزار مرد بیمار قلبی که در مجله آمریکن جرنال اف مدیسین (The American Journal of Medicine) چاپ شده است نشان می دهد که در کسانی که دارای همسرانی مهربان و یاری دهنده بودند تقریباً پنجاه درصد از تکرار حمله قلبی کاسته شده بوده است.

در نتیجه همه کسانی که از راه ایمان و عقیده بیماراران را معالجه می کنند معتقدند که عشق قدرتیست که آنها را قادر می سازد تا حتی از راه دور بتوانند به درمان بیمار کمک کنند. احساس گرمی و دل بستگی بقدری است که اغلب از آن به عنوان «یکی شدن» با کسی که برایش دعا خوانده می شود ذکر می گردد. به گفته آگنس سانفورد (Agness Sanford) «فقط عشق می تواند آتش درمان را بی فروزد».

دعا هرگز نمی خوابد. در بچگی یکی از عجیب ترین نصایحی که در کلیسا شنیدم تشویق به خواندن مداوم دعا بود. به اندازه کافی بزرگ بودم که بدانم مداوم یعنی بدون توقف. هر قدر که می کوشیدم نمی توانستم بدون توقف دعا بخوانم زیرا شبها در تختم به ناچار تسلیم وسوسه خواب می شدم. من نمی دانستم که دعای ناخودآگاه نیز وجود دارد.

امروز ما دعا را تقریباً با هوشیاری و بیداری برابر می دانیم و اینکه دعا می تواند در اعماق ناخودآگاه و حتی در خواب صورت گیرد برایمان غیر قابل قبول است و هیچ معتقد

از هوشنگ ابتهاج شاعر معاصر
ای فردا

می خوانم و می ستایمت پرشور،
ای پرده دلفریب رویارنگ!
می بوسمت، ای سپیده گلگون؛
ای فردا، ای امید بی نیرنگ!
دیری ست که من پی تو می پیوم.
هر سو که نگاه می کنم، - آوخ!
غرق ست در اشک و خون، نگاه من.
هر گام که پیش می روم، بریاست
سرنیزه، خونفشان به راه من.
وین راه یگانه: راه بی برگشت!
ره می سپریم همراه امید،
آگاه ز رنج و آشنا با درد.
یک مرد اگر به خاک می افتد
برمی خیزد به جای او صد مرد؛
این ست که کاروان نمی ماند.
آری، ز درون این شب تاریک،

بقیه از صفحه ۴۱

چون «یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید» یا
«هرچه کند او کند ما چه توانیم کسرد» یا
«راضی به رضای تویم» معمولاً بدون هیچ
خواهش یا منظور معینی بیان می شوند. شاید
وقتی بعضی ها می گویند «بگذار به امید خدا»
منظورشان همین است. بسیاری از مردم در حین
دعا کیفیتی غیر مترقبه احساس می کنند که
نتیجه ای مثبت به بار می آورد.
دعا اطمینان می بخشد که تنها نیستی.
بیماری داشتم که در حال موت بود. روز قبل از
مرگش همراه زن و بچه هایش کنار تختش

ای فردا، من سوی تو می رانم!
رنج است و درنگ نیست؛ می تازم.
مرگ است و شکست نیست؛ می دانم.
آبستن فتح ماست این پیکار.
می دلمت ای سپیده نزدیک؛
- ای چشمه تابناک جان افروز! -
کز این شب شوم بخت بد فرجام
برمی آئی شکفته و پیروز.
وز آمدن تو: زندگی خندان.
می آئی و بر لب تو صد لبخند.
می آئی و در دل تو صد امید.
می آئی و از فروغ شادی ها
تابنده به دامن تو صد خورشید،
وز بهر تو باز گشته صد آغوش،
در سینه گرم تو ست، ای فردا!
درمان امیدهای غم فرسود.
در دامن پاک تو ست، ای فردا!
پایان شکنجه های خون آلود.
ای فردا، ای امید بی نیرنگ!...

نشسته بودم. او می دانست که دیگر چندان
وقتی ندارد. او در حالی که کلماتش را به دقت
انتخاب می کرد به ما گفت که گرچه آدم متدینی
نبوده است ولی اخیراً شروع به خواندن دعا
کرده بوده است.

از او پرسیدم: از خدا چه می خواهی؟
متفکرانه جواب داد: چیزی نمی خواهم. فقط دعا به
من یادآور می شود که دیگر تنها نیستم.
این از خصوصیات دعا است. تذکریست از
طبیعت نامحدود ما، از جنبه های که به مکان و
زمان بستگی ندارد. تأیید کائنات است بر عدم
تنهایی ما.

اهل بهاء و مفهوم جامعه پیوسته

دکتر نادر سعیدی

است. در اصطلاح جامعه‌شناسان، گروه‌های اجتماعی به دو دسته، جامعه، پیوسته (Community) و جامعه، انتزاعی (Society) تقسیم می‌گردند. آنچه که در میان تقریباً همه، نویسندگان مشترک است ستایش جامعه، پیوسته و نکوهش جامعه، انتزاعی است. در عین حال اکثر نویسندگان با اندوه و حسرت از این واقعیت خبر می‌دهند که با پیشرفت زمان، تحولی بنیادی در شکل جامعه‌های بشری صورت گرفته است بدین ترتیب که جوامع پیوسته به نحوی فزاینده کاهش یافته و جوامع انتزاعی افزایش و غلبه می‌یابند. در این مقاله، مختصر کوشش خواهد شد که نه تنها ویژگی‌های جامعه، پیوسته مورد بررسی قرار گیرد بلکه علل و عواملی که به رشد و دوام جامعه، پیوسته منجر می‌گردد نیز تحقیق بشود. آشکار است که جامعه، بهائی بر آن است که جوامع بشری را کیفاً خلق بدیع نماید و نوع بدیعی از جامعه، پیوسته را بوجود آورد. در عین حال اولین شکل جلوه، این جوامع پیوسته را باید در خود جوامع بهائی جستجو نمود و بدین ترتیب از حساس‌ترین اهداف جامعه، بهائی کوشش جهت تحکیم و تشدید جوامع بهائی به عنوان جامعه‌های پیوسته می‌باشد.

حضرت بهاء‌الله حلقه، نوظهور مؤمنان خویش را که با آرمان وحدت عالم انسانی مبعوث و مخصص می‌گردند با عنوان "اهل بهاء" مخاطب می‌فرمایند. این واژه را نباید مورد غفلت قرار داد. کلمه، اهل در اصطلاح فائق خویش به معنای خانواده، گسترده و خویشاوندی و تعلق گروهی است. به همین جهت است که تأهل به معنای ازدواج بکار برده می‌شود و مشتقات گوناگون اهل از عضویت گروهی و محبت و دوستی و خوش‌آمد و تعلق حکایت می‌کند. بدین ترتیب اهل بهاء را می‌توان خانواده، حضرت بهاء‌الله تلقی نمود با این تفاوت که موهبت این خویشاوندی از طریق تخلق به خصال اخلاقی و روحانی به همه، اهل عالم اهداء شده است. بنا بر این اصطلاح اهل بهاء در واقع بیانگر ارزش‌های بهائی و شکل مطلوب جوامع بهائی است. از اینجاست که جامعه‌های بهائی باید بکوشند تا به راستی به اهل بهاء مبدل بشوند یعنی به گروه‌های پیوسته، واحد منجسم متحد تبدیل گردند.

در عین حال بحث در خصوص جوامع پیوسته، متحد و ویژگی‌های آن از مهم‌ترین مباحث علوم انسانی خصوصاً جامعه‌شناسی

کسی که اصطلاح جامعه، پیوسته در مقابل جامعه، انتزاعی را در جامعه‌شناسی رواج داد فردیناند تونیز (F. Tonnies) بود که در کتاب خویش تحت عنوان جامعه، پیوسته و جامعه، انتزاعی (Gemeinschaft und Gesellschaft) از تحولی اساسی در حیات جامعه، غرب یعنی حرکت از سوی جامعه، پیوسته به طرف جامعه، انتزاعی سخن گفت. روابط انسان‌ها در جامعه، پیوسته حالتی ارگانیك دارد در حالی که در جامعه، انتزاعی به شکلی مکانیکی است. این مفهوم قبلاً توسط جامعه‌شناس فرانسوی توکویل (Tocqueville) نیز مورد تأکید قرار گرفته بود. بر طبق نظر وی شکل مشروعیت در جوامع گذشته مبتنی بر عاداتها و رسوم دل (Habits of the Heart) بوده است در حالی که در جوامع جدید هرچه بیشتر اصل خودپرستی و خودخواهی و تنهایی و فردگرایی حاکم شده است. جامعه‌شناس آلمانی زومبارت (Sombart) نیز همزمان با تونیز از زوال جامعه، سنتی و ظهور جامعه، عقلانی سخن گفت. در جامعه، سنتی روابط انسان‌ها از طریق نسبت خونی (خویشاوندی) و یا زمینی (واحدهای مستقل اشتراکی دهقانی) بوده است در حالی که در جامعه، جدید این روابط صرفاً بر اصل قرارداد متکی بوده و مبتنی بر روابط بیگانه‌مانند و منفعت طلبانه افراد می‌باشد - افرادی که هرگونه ارتباط کیفی با یکدیگر را از دست داده‌اند و صرفاً ارتباطشان ارتباطی پولی است. در واقع رؤیای مارکس نیز از جامعه، اشتراکی همان بازگشت به نوعی جامعه، پیوسته بود که در مقابل خودبیگانگی و غربت جامعه، سرمایه‌داری تصویر شده بود. باید توجه کرد که الگوی جامعه، پیوسته در نظریات اکثر این

نویسندگان یا دهکده است و یا شهر كوچك. خصوصاً شهر كوچك در آثار توکویل و تونیز مثال غائی مفهوم جامعه، پیوسته است. آشکار است که مفهوم جامعه، پیوسته از آن نوع جامعه حکایت می‌کند که افراد آن دارای روابط متقابل می‌باشند و تمامیت شخصیت آنها در این روابط جلوه‌گر می‌گردد و ارتباط آنها صرفاً بر اساس منفعت‌پرستی و قرارداد نیست بلکه الفت و مساعدت و احساس تعلق گروهی و وحدت در ایشان غلبه دارد. تردیدی نیست که در جامعه، جدید هرچه بیشتر شهرهای بزرگ جایگزین شهرهای كوچك و دهکده گردیده است و شکل روابط انسان متزاید مکانیکی و قراردادی و سودطلب شده است. اکنون باید دید که چه عواملی باعث ظهور جامعه، پیوسته می‌گردد و در نتیجه می‌توان فهمید که چرا این نوع جوامع در حال انحطاط بوده است؟ اما قبل از آن باید دو نکته را متذکر شویم. اول اینکه کاهش همبستگی گروه‌های اجتماعی دارای خطرات مهلکی است که حال و آینده، بشریت را شدیداً تهدید می‌کند. صرف نظر از اینکه آدمی در جامعه، انتزاعی از تمامیت وجود خویش عاری گردیده و از ارتباط نزدیک و صمیمی با دیگر افراد جامعه محروم می‌گردد - و این امر خود منشأ اصلی ازدیاد امراض روانی، جرم و جنایت، اعتیاد به مواد مخدر و الكل و خشونت است - باید به این مطلب نیز توجه نمائیم که جامعه، انتزاعی جدید مبتنی بر اصل دمکراسی سیاسی است و این امر تنها ملاک مشروعیت و ارزش آن است. اما متأسفانه با فقدان همبستگی گروهی آنچه که در جوامع انتزاعی اتفاق می‌افتد کاهش رغبت به فعالیت‌های مشترک اجتماعی و در نتیجه از میان رفتن

خویش را در مقابل دیگر جوامع و گروه‌ها تعریف می‌کردند و لذا مبنای همبستگی ایشان معمولاً در عین حال دوری و عزلت و نفرت از دیگر گروه‌ها بوده است. شاید به این جهت است که جنگ در گذشته از مهم‌ترین اشکال ایجاد همبستگی گروهی در جوامع گذشته بوده است. اما آرمان بهائی از این لحاظ مبتنی بر بینشی نوین است یعنی آنکه جمال مبارك از آن نوع همبستگی و پیوستگی سخن فرمودند که در چارچوب عشق و محبت به نوع انسان شکل می‌گیرد و مبنای آن ارتباط متقابل جوامع بشری در متن جامعه‌ای جهانی است. آنچه که برای جامعه بهائی همبستگی و اتحاد می‌آفریند عشق و محبت به عالم انسانی است و نه نفرت و انزجار از دیگر مسذاهب، نژادها، اقوام و فرهنگ‌های بشری. چنین چیزی در تاریخ بشریت سابقه نداشته است.

اکنون می‌توانیم به اختصار به ذکر چند عامل اصلی که به ایجاد جامعه، پیوسته منجر می‌گردد بپردازیم اگرچه بحث مفصل آن در این مقاله، کوتاه امکان‌پذیر نیست.

اولین و شاید مهم‌ترین مبنای جامعه، پیوسته وجود تعادل و تفاعل یعنی افعال متقابل و ارتباط متبادل به نحوی فشرده و پُر احساس و نزدیک است. به این نکته تعداد محدودی از جامعه‌شناسان توجه کرده‌اند. به عنوان مثال دورکهایم جامعه‌شناس عالی‌قدر فرانسوی تا حدودی این مطلب را تصریح نموده است. مسئله، مهم این است که ارزش‌ها و آرمان‌ها و ایده‌آل‌های اخلاقی هنگامی در يك جامعه از حدود شعار و لفظ تجاوز کرده و در افعال و زندگی مردم متجلی می‌گردد که این افراد با یکدیگر در ارتباط نزدیک و تعامل مکرر و صمیمی باشند. آنچه که

تدریجی مشارکت سیاسی، اجتماعی و مدنی افراد است. نتیجه این است که دموکراسی نیز در بطن خویش از میان می‌رود چرا که تنها مبنای شرط دموکراسی وجود مشارکت افراد جامعه در حیات مدنی، اجتماعی و سیاسی آن است. این تناقض سهمگین بدین معنی است که جوامع فعلی نه تنها محبت و رأفت و صمیمیت گذشته را از دست داده‌اند بلکه هرچه بیشتر از نعمت آزادی نیز که ایشان را از جوامع گذشته متمایز می‌ساخت محروم می‌گردند. در نتیجه روند تحولات اجتماعی دنیای معاصر در جهت جامعه‌ای است که در آن نه آزادی وجود دارد و نه رأفت و همبستگی اجتماعی. این امر کابوسی وحشتناک را در جلوی چشمان بشر متجدد نمایان می‌سازد. دومین نکته این است که در واقع مفهوم دیانت بهائی از وحدت عالم انسانی و ندای جمال مبارك که «سراپرده» یگانگی بلند شد، به چشم بیگانگان یکدیگر را ببینید، همه بار يك دارید و برگ يك شاخسار» حلّ این تناقض بنیادی است یعنی ایجاد جامعه‌ای است که در آن هم آزادی و هم همبستگی اجتماعی و الفت و وداد محقق می‌گردد. بدین ترتیب لازم است که بخاطر بسپاریم که دیانت بهائی به هیچ وجه نمی‌خواهد به شکل سنتی جامعه، پیوسته که در گذشته وجود داشت باز گردد. بلکه هدف دیانت بهائی ایجاد جامعه‌ای بدیع است که در آن اصل عقلانیت و ارتقاء با اصل وداد و معاضدت و اتحاد همراه می‌گردد. بخصوص باید بخاطر سپرد که در گذشته مفهوم جامعه، پیوسته محصول عدم ارتباط جوامع با یکدیگر بوده است. یعنی جامعه‌ای حالت پیوسته داشت که از دیگر جوامع دنیا به دور می‌افتاد و ارتباط چندانی با دنیا نداشت. این گروه‌ها معمولاً

اخلاق و تخلق را به افراد می‌آموزد و ایشان را به یکدیگر پیوند و الفت می‌دهد قبل از هرچیز تجربه‌های مشترک و ارتباط صمیمی مکرر و فشرده و پراحساس است. اگر جامعه‌ای انسان‌ها را از یکدیگر متفصل و جدا نموده و ایشان را در تنهایی خود رها نماید نتیجه جز پیشرفت خودخواهی و خودپرستی نخواهد بود. در جامعه‌شناسی نظریه‌ای به نام نظریه جامعه توده‌ای (Mass Society) وجود دارد که بالمال مبتنی بر این بینش است که اگر افراد جامعه به آحاد مجزا و تنها مبدل بشوند و از ارتباط گرم و نزدیک و فشرده با یکدیگر محروم گردند در آن صورت به موجوداتی خودخواه، هراسان، خشن و انقیادطلب تبدیل می‌گردند. از نظر این نظریه‌پردازان زوال سازمان‌ها و گروه‌های میانه در جامعه، انتزاعی است که به تنهایی و جدائی انسان‌ها می‌انجامد یعنی ایشان صرفاً عضو جامعه می‌باشند و میان ایشان و دولت سازمان‌ها یا گروه‌های میانه‌ای که به آن تعلق داشته باشند وجود ندارد. نتیجه این امر نابودی آزادی و همبستگی است. این امر را باید بسیار جدی گرفت. به عنوان مثال در ممالك مترقی دنیا هم اکنون در مبارزه با نژادپرستی و مردسالاری وضعی بوجود آمده است که هر گروهی خود را از دیگر گروه‌ها جدا می‌نماید و در نتیجه تنها شکل رابطه، یک فرد سیاه پوست با یک فرد سفید پوست صرفاً رابطه‌ای شغلی، پوشالی و عرضی می‌گردد. بالعکس رابطه نزدیک و صمیمی صرفاً در میان گروه خویش اعم از آنکه این گروه نژادی یا جنسی یا مذهبی باشد صورت می‌پذیرد. اما نتیجه این امر یعنی کاهش تعامل و ارتباط نزدیک و صمیمی در میان افراد جامعه جز آنکه امکان عشق و محبت و تعلق و وداد

اجتماعی را از میان ببرد نتیجه‌ای نخواهد داشت. یعنی آنکه احساس وحدت و اتحاد به عنوان افراد انسانی در این جوامع در حال تنزل است و بدین جهت این امر یکی از علل افزایش جرم و جنایت، خشونت، افسردگی و نفرت در جوامع ظاهراً مترقی است.

اینجاست که تعلیم بهائی که اصل وحدت در کثرت را مورد تأکید قرار می‌دهد و ضرورت معاشرت با ادیان و اجناس و اقوام گوناگون را متذکر می‌شود چاره درماندگی بشر قرن معاصر است. بی‌جهت نیست که حضرت بهاءالله تا بدین حد بر اصل «عاشروا مع الادیان کلاًها بالروح و الريحان» تأکید می‌فرمایند. آثار بهائی هرچه را که سبب اختلاف و ابتعاد است از میان برده و هرچه را که به الفت و محبت و وداد و اتحاد و تعاون و تعاضد منجر می‌گردد اثبات فرموده است. باز به همین جهت است که جمال مبارک در بیانات مبارک خویش همواره انسان‌ها را به اعضاء یک اندام واحد یا برگ‌های یک شاخسار تشبیه می‌فرمایند و در کتاب اقدس تعلیم می‌فرمایند که باید همانند انگشتان دست و ارکان یک بدن متحد و متعاضد بود. در جهانی که همه، ایدئولوژی‌ها درس اختلاف و ابتعاد می‌دهند - یکی بخاطر نفرت از گروه دیگر و دیگری به بهانه مبارزه با تبعیض - فقط آثار بهائی است که انسان‌ها را به ارتباط و اتحاد صمیمی فرا می‌خواند و این مبنا و شالوده اصلی جامعه پیوسته است.

دومین شالوده جامعه پیوسته را باید در یک سلسله عوامل و شرایطی جستجو نمود که همگی سازنده وحدت و وداد جامعه است. این عوامل هر یک بحثی جداگانه را سزاوار است اما در اینجا باید فقط فهرست‌وار به آن اشاره نمائیم.

زمینه پیدا می‌کند. دیانت بهائی همواره بر اصل میثاق و نظام اداری قاطعانه تأکید نموده است و این امر مبنای مشروعیت است که بدون آن همبستگی گروهی معنا ندارد. در اینجا نیز باید توجه کرد که انتقاد از محافل و نظم اداری قبل از هرچیز روح تعاضد و تعاون را تضعیف می‌نماید. بی‌جهت نیست که حضرت عبدالبهاء بنا به اصل وحدت و اتحاد گروهی که ضرورتی اجتماعی است اطاعت از محافل را حتی اگر تصمیمشان غلط باشد مؤکداً گوشزد فرموده‌اند. از دیگر عوامل همبستگی در جامعه بهائی آزادی اندیشه و اعتقاد و وحدت در کثرت است که این امر مکمل اصل همبستگی است بدین ترتیب که مفهوم بدیع بهائی از اتحاد و همبستگی با آزادی و برابری تضادی نداشته بلکه مستلزم آن است و بدین جهت است که نظام اداری بهائی بر اساس اصل مشورت و برابری بنیان شده است. این امر هم بسیار ضروری است. گاهی برخی از احباء تعصبات عتیقه را با اعتقادات بهائی مخلوط کرده و لذا هرگونه تخطی از عادات قومی خویش را تعدی از تعالیم الهی تلقی می‌نمایند. چنین نحوه رویکردی مخالف آزادی و مورت نابردباری و ناشکیبائی است که باید از آن شدیداً احتراز نمود. و بالاخره باید از ضرورت آموزش و پرورش اخلاقی که افراد را از حیطة تنگ خودخواهی و خودپرستی رها نموده و ایشان را به فضای باز وحدت و یگانگی و عشق و الفت فرا می‌خواند اشاره نمود که از شروط اساسی تقویم جامعه پیوسته است.

آخرین مبنا و شالوده جامعه پیوسته که در این مختصر بدان اشاره می‌گردد کاهش نابرابری اجتماعی در جامعه است. جوامعی که درجه اختلاف طبقاتی و اقتصادی ایشان به نحو افراطی

ارزش‌های مشترک اجتماعی یعنی اعتقاد به آرمان‌های مشترک روحانی و اخلاقی از جمله مهم‌ترین عوامل توحید و همبستگی در يك جامعه است. بدین جهت است که در آثار بهائی همواره جهت جامعه، اعتقاد به ارزش‌های روحانی و اخلاقی معرفی شده است. در عین حال باید این ارزش‌ها به شکل علائم و مناسک گوناگون نیز خود را متجلی نماید که افراد جامعه در آن مشارکت نمایند. به عنوان مثال شرکت فعال در دروس اخلاقی، ضیافت نوزده روزه، جلسات عید و شهادت و صعود و زیارت آثار مبارکه به افراد بهائی در هر کجا که باشند وحدت و وداد و هویتی متحد می‌بخشد. از دیگر عوامل، فعل مشترک اجتماعی و هدف مشترک است. از اینجاست که تأکید بر ضرورت تبلیغ در میان اهل بهاء در عین حال نقش بسیار مهمی در ایجاد وحدت و تعاضد و الفت و اتحاد در خود جامعه بهائی ایفاء می‌نماید. گاهی برخی از روشنفکر نمایان بر تأکید بر تبلیغ خُرده می‌گیرند و بیان می‌کنند که باید اکنون به ایجاد وحدت در خود جامعه بهائی پرداخت غافل از اینکه تبلیغ محور وحدت و اتحاد است. با بیکاری و تنبلی و خُرده‌گیری و روشنفکریازی نه الفت و محبتی بوجود می‌آید و نه همبستگی و اتحاد اجتماعی. آنچه هم مغناطیس تأیید است و هم به تحکیم ارزش‌های بهائی در داخل جامعه بهائی منجر می‌گردد و هم این ارزش‌ها را در دنیای خارجی فعلیت و تبلور می‌بخشد تبلیغ است. از دیگر عوامل ایجاد همبستگی گروهی اعتقاد به مشروعیت گروهی و مشروعیت نظام رهبری است. هرگز جامعه‌ای پیوسته بدون تحقق اصل مشروعیت محقق نشده است و از اینجاست که نظم اداری بهائی نقشی چنین برجسته در این

زیاد است قادر به ایجاد همبستگی نزدیک اجتماعی نخواهند بود. هرچه که فاصله طبقاتی در جامعه بیشتر باشد، فقر مفرط گریبانگیر بسیاری از مردم شود، رقابت بی حد و حصر و عنان گسیخته شیوه، متداول و فائق جامعه باشد درجه همبستگی و اتحاد و الفت جامعه نیز کمتر می گردد. بدین جهت است که آثار بهائی بر ضرورت تعدیل معیشت تأکید کرده است و از ضرورت تعاون و تعاضد سخن گفته است و فقراء را امانت الهی در جامعه محسوب می نماید. این امر در سطح محلی، ملی و بین المللی هم مصداق دارد یعنی دیانت بهائی با نابرابری افراطی اقتصادی و اجتماعی در هر سطحی مخالف است. همچنین بدین جهت است که در بیانات مبارک حضرت عبدالبهاء واحد اجتماعی به شکل قریه ای جلوه می کند که نظام اقتصادی و مالیاتی این قریه معاش و نیاز همگان را تأمین می نماید بدون آنکه به تساوی کامل منجر بشود. این نکته را نباید فراموش کرد چرا که اولاً تأکید حضرت عبدالبهاء بر دهکده به عنوان يك واحد اجتماعی مبتنی آن است که اتحاد اجتماعی باید مبتنی بر اصل مشارکت افراد و همبستگی و پیوستگی گروهی باشد و ثانیاً نفی برابری کامل در آثار حضرت عبدالبهاء از این حقیقت نیز حکایت می کند که با از میان رفتن حیطة، تصمیم های خصوصی و مدنی، تصمیم گیری اجتماعی هرچه بیشتر در دست دولت و نه ملت متمرکز خواهد شد که آن هم در نتیجه به نفی آزادی و نفی مشارکت و همبستگی منجر خواهد گشت.

از آنچه گفته شد آشکار می گردد که امر بهائی معطوف به نوع بدیعی از جامعه پیوسته است که تا کنون سابقه نداشته است. این

همبستگی بر اساس اصل وحدت در کثرت و الفت و محبت به تمامی نوع انسان مبتنی است و از این جهت همبستگی و اتحاد بر پایه عشق است و نه نفرت. به همین ترتیب همبستگی جامعه بهائی ناشی از اختلاف حقوقی برده و آزاد، سیاه و سفید، زن و مرد، مؤمن و غیرمؤمن، تبعه و غیرتبعه و امثال این نوع تبعیضها نخواهد بود. در این همبستگی آزادی و برابری با یکدیگر آشتی می یابند و تمدن صوری و تمدن الهی با یکدیگر ممزوج می شوند. همبستگی بهائی بر بنیان تقدس انسان، تقدس خانواده و نفی خشونت و قهر مبتنی می باشد. زبان واحد و ارتباط مشترك متفاعل زمینه، این وحدت و یگانگی است. این بحث را با بیانی از قلم اعلیٰ تهذیب و تلطیف و تحمیل می بخشیم:

« طراز دوم معاشرت با ادیان است به روح و ریحان و اظهار ما اتی به مکلم الطور و انصاف در امور. اصحاب صفا و وفا باید با جمیع اهل عالم به روح و ریحان معاشرت نمایند چه که معاشرت سبب اتحاد و اتفاق بوده و هست و اتحاد و اتفاق سبب نظام عالم و حیات ام است. طوبی از برای نفوسی که به حبش شفقت و رأفت متمسکند و از ضغینه و بغضا فارغ و آزاد. این مظلوم اهل عالم را وصیت می نماید به بردباری و نیکوکاری. این دو دو سراجند از برای ظلمت عالم و دو معلمند از برای دانائی ام. طوبی لمن فاز و ویل للغافلین » (طرازات، مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، لانگهاین، ۱۳۷ ب، ص ۱۸).



تأسیسات اجتماعی اهل بهاء در ایران یادی از عبدالمیثاق میثاقیه بانی بیمارستان میثاقیه

دکتر علی راسخ

بیمارستان میثاقیه به این جانب اعطاء شد و من سالها از خرمن دانش و ادب همکاران (از جمله جنابان دکتر حبیب مؤید، دکتر امین الله مصباح، دکتر محمود رمزی، پرفسور منوچهر حکیم، دکتر دانش و دکتر حسین نجفی) خوشه می‌چیدم.

آقای میثاقیه هم بر حسب تصویب محفل مقدس ملی به عضویت ثابت لجنة انتخاب شدند. آقای میثاقیه اگرچه از علوم کلاسیک و آکادمیک کم‌بهره بودند ولی بینشی عمیق مبنی بر محفوظات سرشار از آثار و الواح داشتند. چنانچه در شروع هر جلسه هفتگی لجنة ایشان مناجاتی فارسی یا عربی با لحنی گیرا از حضرت عبدالبهاء و یا حضرت ولی امرالله از حفظ تلاوت می‌کردند. لازم به تذکر نیست که تبدیل يك ساختمان معمولی به يك بیمارستان مستلزم چه تغییرات و خرید چه مقدار لوازم و آلات می‌باشد که ایشان به طیب خاطر تمام مخارج را پرداختند و به تدریج برای وسعت دادن به بیمارستان میثاقیه خانهای مجاور را خریداری و ضمیمه بیمارستان کردند و هر از چندی نیز بر تعداد تخت‌های بیمارستان می‌افزودند. سالی چند گذشت و محفل مقدس ملی جناب حبیب ثابت را افتخار عضویت در لجنة بیمارستان عنایت

در شماره ۱۹۶ مجله پیام بهائی شرح حالی به نام همسفر نوشتار سرکار خانم ملیح بهار که هر از چندی با نوشتن خاطره‌ای با خامه شیوا و توانای خود تحسین خوانندگان را بر می‌انگیزد خواندم. به مناسبتی در آن مقاله نام بیمارستان میثاقیه برده شده بود. ناگهان این اسم که با سال‌های عمرم عجین شده بود مرا بر آن داشت که یادی از مؤسس و بانی آن، مرحوم عبدالمیثاق میثاقیه که شاید امروز در ذهن نسل جدید یاران جزو فراموش شدگانست بنمایم. البته صفحات پیام بهائی که پیوسته یادآور شرح حال فداکاری قدمای امر، دانشمندان، شعراء، شهداء و ناشرین نفعات الله بوده کمتر فرصت ذکر خدمات آنان که نه با قلم و بیان بلکه با ایشار مکنت و مال سهمی در ترویج این آئین مقدس داشته‌اند پیدا کرده.

به یادم هست که در سال ۱۳۲۸ شمسی آقای میثاقیه ساختمانی را در خیابان ایتالیا به منظور پانسیون جهت دانشجویان بهائی که از شهرستان‌ها برای ادامه تحصیل به طهران می‌آمدند خریداری نموده بود ولی بعداً با مشورت عده‌ای تصمیم به ایجاد بیمارستانی جهت مداوای بیماران بهائی گرفته، آن ساختمان را تقدیم به جامعه امر کرد. محفل مقدس ملی ایران عده‌ای از پزشکان را جهت بنیان‌گذاری این مشروع انتخاب فرمود که از آن جمله عضویت در لجنة

فرمود. ایشان در اولین جلسه‌ای که شرکت کردند اظهار داشتند که جامعه، امر باید ممتاز از سایرین باشد و بنا بر این شایسته است که بیمارستان دارای اطاق‌های عمل مجهز و اطاق‌های بیمار چنانکه در کشورهای پیشرفته است باشد. هیئت مدیره بر آن شد که ابتداء اطاق‌های عمل و زایمان و نوزادان به طور مجهز و مدرن ساخته شود. آقای میثاقیه اظهار داشتند در حال حاضر وجه کافی برای اقدام به ساختمان ندارم ولی در صورتی که اعضاء لجنة حاضر به خریداری قطعه زمینی شوند ممکن است وجوه لازم تأمین شود. در همان جلسه اکثر اعضاء لجنة قطعه زمینی در نیاوران از آقای میثاقیه خریداری نموده و در نتیجه ساختمان در ضلع وسطی بیمارستان در ۳ طبقه شروع شد که طبقه اول یعنی همکف مخصوص دفتر رئیس بیمارستان، اطاق هیئت مدیره، سالن انتظار و مطب زنان و در طبقه دوم اطاق‌های زایمان و نوزادان قرار داشت و در طبقه سوم اطاق‌های عمل و جراحی استخوان که البته با آخرین وسائل پزشکی آماده شد. پس از اتمام این ساختمان دو نفر از اعضاء لجنة بیمارستان هزینه ساختمان ضلع جنوبی که مشرف بر خیابان ایتالیا بود را تقبل نمودند که طبقه همکف جهت اطاق راهنما، اطاق دفتر، حسابداری و داروخانه و طبقه دوم مخصوص بستری کردن زائو و طبقه سوم مخصوص جراحی عمومی و طبّی در نظر گرفته شده بود. این ساختمان که با مدرن‌ترین لوازم ساخته شد با مجهزترین بیمارستان‌های خارج کشور برابری می‌کرد. لذا مورد توجه پزشکان و جراحان غیر بهائی و همچنین طبقات مختلف مردم ایران و بلندپایگان ایرانی و خانواده‌هایشان واقع شد. چون هیئت مدیره بیمارستان با اقبال روزافزون بیماران، با کمبود کادر فنی پزشکی

مواجه شد لذا تصمیم بر ایجاد آموزشگاه بهیاری گرفت و آقای میثاقیه ساختمان مجاور بیمارستان را خریداری نمود و آموزشگاه شبانه‌روزی بهیاری پایه‌گذاری شد. هزینه، خرید کلیه لوازم هم توسط آقای میثاقیه پرداخت شد. این آموزشگاه با اجازه رسمی وزارت آموزش عالی و با استادی پزشکان منتخب بهائی که همگی به صورت افتخاری تدریس می‌کردند شروع به کار کرد. در اینجا باید از خدمات صادقانه و پشتکار خستگی‌ناپذیر آقای دکتر ذبیح‌الله عزیزی و همچنین خانم سلیمی که پرستار دیپلمه، انگلستان بود و به سمت مدیره آموزشگاه انتخاب شده بود ذکری بنمایم که حقیقتاً هر دوی آنان در پیشبرد این مؤسسه پزشکی نهایت سعی و اهتمام را نمودند. البته چنانچه می‌دانیم چون استخدام احباء در ادارات دولتی ممنوع بود لذا نه فقط فارغ التحصیلان این آموزشگاه در بیمارستان میثاقیه مشغول به کار می‌شدند بلکه با رغبت زیاد بیمارستان‌های خصوصی طهران این فارغ التحصیلان را استخدام می‌کردند. بعدها با توسعه این آموزشگاه دانشجویان غیر بهائی هم در این آموزشگاه ثبت نام نمودند.

زمانی در هیئت مدیره تصمیم بر آن گرفته شد که در تاکر (نور) درمانگاهی تأسیس شود و چون اهالی این منطقه به علت نبودن راه شوسه از مراکز درمانی دور بودند و ایجاد درمانگاه و استقرار پزشک در این روستا که زادگاه حضرت بهاء‌الله است خدمتی به اهالی محسوب می‌شد لذا آقای میثاقیه تقبل ساختمان درمانگاه را نمودند و بیمارستان میثاقیه با اعزام پزشک و دارو توانست خدمتی شایان به اهالی این قریه و قراء اطراف نماید و موجب تحسین و حق‌شناسی اهالی خطه مزبور گردد.

به خاطر دارم روزی نماینده، احباء بویراحمدی در جلسه، کانونشن ملی ایران از نیاز به پزشک و درمانگاه در آن خطه که اهالی چند روستای آن اکثراً بهائی بودند صحبت نمود و اظهار داشت که فاصله، نزدیکترین محل درمانی تا این ناحیه لا اقل ۶۰ کیلومتر است و به علت نبودن راه و وسیله، اهالی بسیار در مضیقه می باشند. چون این تقاضا در محفل ملی مورد بحث قرار گرفت آقای میثاقیه فوراً تقبل هزینه، ساختمان آن را نمودند و بنا بر این زیر نظر بیمارستان میثاقیه و تحت اشراف محفل روحانی اصفهان برای نظارت در ساختمان، طرح این بنا به ارشیتکت داده شد و ساختمان آن به مناقصه گذاشته شد. به یادم هست در حدود ششصد هزار تومان خرج ساختمان این درمانگاه شد و بعد از اتمام آن از طرف لجنة، بیمارستان به اینجانب مأموریت داده شد که از این ساختمان بازدید نموده و گزارش آن را به عرض لجنة برسانم. در بازدید، محلی بسیار زیبا برای سکونت پزشک و خانواده، او و همچنین درمانگاهی مجهز و سالی با ظرفیت ۶ تختخواب برای بستری شدن بیماران در محل بسیار باصفائی در ساحل رودخانه به نظر آمد. تقریباً ۹۰ درصد اهالی آن قریه بهائی و شاید ۶۰ درصد اهالی قریه، مجاور هم بهائی بودند.

بیمارستان میثاقیه از پزشکان بازنشسته، بهائی که آنان را با حقوق مکفی استخدام می‌کرد استمداد جست که در این ناحیه اقامت نمایند. سال‌ها این مؤسسه، بهداشتی وابسته به بیمارستان میثاقیه که با همت اعضاء، مجله، بیمارستان میثاقیه و تبرعات خالصانه، آقای میثاقیه پایه‌گذاری شده بود کمکی شایان در درمان بیماران این خطه انجام داد. با پیشرفت زمان نیاز به تکامل مؤسسه،

01

انسان باشیم

فریدون مشیری

دانه می چید کبوتر،
به سر افشانی بید
لانه می ساخت پرستو،
به تماشا خورشید.

صبح از برج سپیداران، می آمد باز
روز، با شادی گنجشگان، می شد آغاز.

نغمه سازان سراپرده، دستان و نوا
روی این سبزه، گسترده سراپرده رها.

دشت، همچون پر پروانه پر از نقش و نگار
پر زنان هر سو پروانه، رنگین بهار.

هست و من یافتام در همه ذرات، بسی
روح شیدای کسی، نور و نسیم نفسی!

می دمد در همه این روح نوازشگر پاک
می وزد بر همه، این نور و نسیم از دل خاک!

چشم اگر هست به پیدا و به ناپیدا باز
نیک بیند که چه غوغاست درین چشم انداز!

مهر، چون مادر، می تابد، سرشار از مهر
نور می بارد از آینه، پاک سپهر

می تپد گرم، هم آواز زمان قلب زمین
موج موسیقی رویش چه خوش افکنده طنین.

ابر، می آید سرتاپا ایثار و نثار
سینه ریزش را می بخشد بر شالیزار

رود، می گیرد تا سبزه بخندد شاداب
آب، می خواهد جاری کند از چوب، گلاب!

خاک می کوشد تا دانه نماید پرواز!
باد، می رقصد تا غنچه بخواند آواز!

مرغ، می خواند تا سنگ نباشد دلتنگ
مهر، می خواهد تا لعل بسازد از سنگ!

سرو نیلوفر نشکفته، نوخاسته را
می دهد یاری کز شاخه بیاید بالا!

*

سرخوشانند ستایشگر خورشید و زمین
همه مهرست و محبت نه جدال است و نه کین.

اشک می جوشد در چشمه، چشمم ناگاه
بغض می پیچد در سینه، سوزانم آه!

پس چرا ما نتوانیم که این سان باشیم.
به خود آئیم و بخواهیم که:

انسان باشیم!

نامه‌های خوانندگان

* از مهد امرالله نامه‌ای داشتیم از خانم مهین‌دخت بیدقی که سه قطعه شعر به یاد شادروان حیدر بیدقی همراه آن است. همبند مرحوم بیدقی در زندان اشعاری درباره ایشان سروده که دو بیت آن این است:

اگر لطف و کمالش را ستایم

به این لکنت برایم نیست امکان
نمی‌دانم از این بهتر چه گویم

نجیب است و شریف است و سخندان
همبند دیگر خطاب به ایشان گفته:

به حسن خدمت و خلق نکوی رحمانی

شدی تو شهره و بس نامداری حیدر
- ادعیه، قلبی خدام پیام بهائی به این خانم عزیز و دو فرزندشان رضا و بهنام تقدیم می‌شود.

* جناب مهندس بدیع الله ثنائی با مطالعاتی که در قرآن کریم کرده‌اند محاسباتی از سوره‌ها و آیات و کلمات آن کرده و برای ما ارسال داشته‌اند. از محبت ایشان سپاسگزاریم.

* از خانم مهری خاضع (خداوندی) ساکن فرانسه ممنونیم که خاطره‌ای از گذشته نقل کرده‌اند که در اتوبوس در ایران شاهد نوجوانان بوده‌اند و به خود می‌گفتند مطمئناً نونهالان و نوجوانان بهائی در رفتار و حرکات و ظاهر ممتاز از دیگران هستند و نتیجه گرفته‌اند که تعلیم و تربیت اطفال اولویت اصلی جامعه بهائی است.

* آقای فتح الله فردوسی‌ان از امریکا پس از زیارت ارض اقدس به شور و هیجان آمده و قصیده‌ای در بیان احساسات خود سروده‌اند که به ذکر دو بیت آن که مربوط به درك فیض از حضور ایادی

امرالله جناب فروتن است به علت محدودیت فضا اکتفاء می‌شود:

بهره‌ور از سخن و محضر آقای فروتن
می‌شدم هر شب و هر روز در ایام اقامت
از بیانات و حکایات پسندیده و شیرین
جملگی با سخن نفز و به ایجاز و فصاحت

چه توان کرد؟

* شعری است از بهروز که در حسرت عدم امکان سفر به ایران و دیدار از یکی از بستگان بیمار خود سروده و به لطف یکی خوانندگان بدست ما رسیده است. چون زبان حال بسیاری از دوستان است در اینجا درج می‌کنیم:

دنیا همه ظلم است و جنایت، چه توان کرد؟
باید به کجا برد شکایت، چه توان کرد؟
خلق همه سرگشته و دیدن نتوانند

آن کوکب رخشان هدایت، چه توان کرد؟
بیماری و من از تو عیادت نتوانم

شرمنده‌ام ای جان به فدایت، چه توان کرد؟
پائی که رساند به سر کوی توام کو؟

تا سر بنهم بر سر پایت، چه توان کرد؟
در آرزوی خاک دیار تو ندیدم

از باد صبا نیز حمایت، چه توان کرد؟
گیرم که فراموش کنم برزن و کویت

با خاطره مهر و صفایت چه توان کرد؟
گر زندگی ما به مثل قصه تلخی است

از روز ازل تا به نهایت چه توان کرد؟
مهجوری و مشتاقی من ورد زبان‌هاست

کو آنکه کند بر تو حکایت، چه توان کرد؟



این مدرسه جناب فریدون تقوی و همسر عزیزشان بانو مهین تقوی پایان یافت. عکسی از برخی شاگردان مدرسه در حین اجرای برنامه در اینجا آورده می‌شود.

عکس‌ها سخن می‌گویند

* سرکار محترمه، خانم هما زنده (فرانسه) عکسی از معلمین کلاس‌های دروس اخلاقی بهائی در طهران که درست پنجاه سال قبل (۱۳۲۵ ه. ش.) گرفته شده برای پیام بهائی به لطف تام فرستاده‌اند که در صفحه، مقابل آمده است. بسیاری از نفوس بسیار عزیز را در این عکس می‌توان دید. از جمله در ردیف اول نشسته جناب یدالله پوستچی شهید سعید، در رده، دوم خانم سرتیپ مقرّبی که همسر ایشان هم از شهدای عالیقدر اخیر هستند. در رده سوم (ایستاده) بهیه خانم نادری شهید والا مقام دیگر را ملاحظه می‌توان کرد. رده، چهارم (ایستاده) به عده‌ای از فضلاء بنام آراسته است: جنابان محمد علی فیضی، دکتر یونس افروخته، نصرالله رستگار و دکتر امین الله مصباح. در رده، پنجم (ایستاده) چهره، جناب امین امین شهید ارجمند مشهود است. از ذکر بقیه، اسامی که خوشبختانه اکثراً حیات دارند چشم می‌پوشیم که عکس‌ها خود به صاحب نظران سخن می‌گویند.

* جناب حشمت الله مشرف‌زاده طی مقاله‌ای

راضی به رضای حق و آید چو بلائی

دائم که بود عین عنایت، چه توان کرد؟

بهر روز ۵ دسامبر ۱۹۹۴، دانداس، کانادا

* خانم ژیللا سید محمود از کانادا در سه صفحه اشعاری برای پیام بهائی فرستاده‌اند. بد نیست که دوستان صاحب ذوق فارسی‌دان گاه‌گاهی دور هم اجتماع کنند و آثار خود را بر یکدیگر بخوانند چون مسلماً مجلات بهائی امکان انتشار این همه آثار طبع سرشار دوستان را ندارند.

* جناب شهرام منصوری از جانب مسئولین مدرسه، منا در طی نامه، مورخ ۱۱ مارس ۹۶ بشارت داده‌اند که مدرسه، منا که به نام شهیده، سعیده، شیرازی در شهر ساتارا در ایالت مهاراشترای هندوستان ده سال قبل تأسیس شده اینک تعداد شاگردانش به فزون از ۵۰۰ محصل روزانه، دختر و پسر رسیده است. جشن دهمین سالگرد مدرسه در روز ۲۸ فوریه، ۱۹۹۶ در سالن اجتماعات شهر مزبور با حضور بیش از یکهزار نفر از اولیاء و میهمانان گرفته شد. برنامه با ادعیه و مناجات‌های امری و بعد سرودهای محلی آغاز شد. رقص‌های کلاسیک هندی با البسه، مخصوص رنگارنگ جلب توجه همگان را کرد. در همان جشن مژده، شروع سومین بخش از آخرین بخش ساختمان‌های مدرسه، منا اعلام شد. جلسه با سپاس‌گزاری از خدمات شبانه‌روزی مؤسّسین

بالتسبیه مفصل «یادی از شهید آستان جمال ابهی» جناب هوشنگ محمودی» نموده‌اند. جناب مشرف‌زاده اتفاقاً طی سفری به یونان همراه جناب محمودی بوده‌اند. در آن ایام جناب محمودی مشغول جمع‌آوری و تکمیل خاطراتی از حضرت عبدالبهاء بودند، کتابی که بعداً چاپ شد و انتشار یافت. شبها جناب مشرف‌زاده با جناب محمودی گرد هم می‌آمدند و جناب محمودی از یادداشت‌های شیرین و دلپذیر خود می‌خوانده‌اند. «در یکی از این شب‌های پر حلاوت در مصاحبت آن جوهر ایمان و اطاعت، ایشان بر اساس وعود الهیه، مندرج در آثار مبارکه و با توجه به نصائحی که به یاران ایران در پیام‌های معهد اعلیٰ به چشم می‌خورد آینده‌بینی دقیقی می‌کردند و فی‌المثل می‌گفتند من فکر می‌کنم که بیت مبارک حضرت ربّ اعلیٰ یک روز بدست معاندین خواهد افتاد و سرنوشتی همانند بیت مبارک بغداد خواهد داشت. ایشان می‌گفتند سرعت رشد و پیشرفت امرالله در خاورمیانه کمتر از آن است که معهد اعلیٰ انتظار دارند و من فکر می‌کنم امر مبارک با وقایعی روبرو شود که منجر به شهادت یک یا چند نفر بشود زیرا تاریخ امرالله نشان داده که شهادت رمز بیداری جهان و انتشار امرالله و وسیله آبیاری شجره دین الله بوده است.»

* نفس محترمی که نامه از نیویورک فرستاده (۹۶/۲/۲۷) بر آن هستند که علت اصلی گندی پیشرفت امر مبارک مربوط به غفلت یاران از اجرای دقیق اوامر و احکام این دیانت مقدس است. ایشان توجه خاصی به لزوم رعایت اصل عفت و عصمت که این همه در آثار مبارکه تأکید شده و حضرت عبدالبهاء ذره‌ای از آن را بهتر از صد هزار سال عبادت دانسته‌اند از طرف جوانان در سرزمین‌های غرب فرموده‌اند و به موضوع girl و boy friend اشاره کرده‌اند که با موازین امری تطبیق نمی‌کند.

- پیام بهائی در این زمینه مقالاتی سابقاً نشر

کرده است. امید آنکه مورد عنایت واقع شده باشد. ضمناً خوانندگان عزیز می‌توانند اسرار و افکار خود را با امضای محفوظ به ما بسپارند و نیازی به نامه، بدون امضاء نیست.

* دوستان سیسانی که مایلند اطلاعات و خاطرات خود را درباره آن دیار به جناب افشان محبتی جهت درج در تاریخ امری سیسان بفرستند لطفاً با این آدرس مستقیماً مکاتبه فرمایند:

Afshan Mohabbati

Scheffersgränd 2A9

SF 22100 Marichamn - Finland

* خدمت جناب نورالدین توفیق از کانادا عرض می‌کنیم همانطور که خودشان مرقوم داشته‌اند ذکر رسم ناپسند عُمُرسوزان در مقاله، چهارشنبه سوری شماره نوروز هرگز ربطی به اعتقاد اهل بهاء که اساسش بر احترام فراوان به پیروان همه ادیان است ندارد. از توجهشان به این مطلب سپاسگزاریم.

* از خواننده محترمی از کالیفرنیا که سعید تخلص می‌کنند دو قطعه شعر در وصف حضرت عبدالبهاء دریافت کرده‌ایم و به این وسیله از ایشان تشکر می‌کنیم.

* جناب علی محمد افتخاری در حاشیه مطالبی که در موضوع لحن آثار مبارکه در پیام بهائی منتشر شده، در نامه مورخ ۱۲ مارس ۹۶ یادآوری فرموده‌اند که لحن در لغت به معنی آهنگ، حالت صدا و حالت آواز هم آمده است و به استناد یادداشت‌های زیارتی جناب سبحانی سنگسری از قول حضرت ولی امرالله و همچنین به استناد قول ایادی امرالله جناب سمندری متذکر شده‌اند که کلمه لحن به طرز و آهنگ تلاوت مناجات و الواح نیز اطلاق شده است.

* آقای عزیزالله روحانیان به درستی متذکر شده‌اند که شعر یغما که در صفحه ۱۷ شماره ۱۹۵ در مقاله شرح حال جناب بشروئی درج شده بجای «خدا را گر نمی‌کردم به این کافر چه می‌کردم»، باید باشد «مدارا گر بر این کافر نمی‌کردم چه می‌کردم».

اخبار و بشارات جامعه جهانی

ترجمه و تنظیم: فؤاد روستائی

آکادمی لندگ: تأسیس يك دوره، جدید فوق لیسانس علوم انسانی

آکادمی بهائی لندگ (Landegg) در سوئیس گزارش داد پس از مشورت و تبادل نظر با مقامات آموزشی سوئیس، این آکادمی به تأسیس رشته‌های فوق لیسانس در علوم انسانی اقدام کرده است. اخذ این فوق لیسانس برای علاقمندان به سه صورت دانشجوی تمام وقت، دانشجوی نیمه وقت و بالاخره دانشجوی مکتبه‌ای میسر خواهد بود. حلّ مناقشات، روانشناسی معنوی (Spiritual Psychology) اخلاق، و بالاخره معارف بهائی چهار رشته‌ای هستند که علاقمندان می‌توانند به تحصیل در آن بپردازند. برنامه، این دوره، فوق لیسانس از انعطاف و نرمش خاصی برخوردار است و دانشجویان می‌توانند بر اساس نیازها و علائق خود به طرح‌ریزی دوره تحصیلی خویش اقدام کنند.

ایرلند شمالی: شرکت بهائیان در يك برنامه، عظیم همسرایان [گروه گر]

گروه همسرایان جامعه، بهائی ایرلند شمالی از جمله اعضای يك گروه همسرایان شش هزار نفره جهانی بود که در يك استادیوم ورزشی برای بیش از شانزده هزار شنونده همراه با ارکستر سمفونیک ملی ایرلند شمالی برنامه اجرا کرد. در این برنامه، دو ساعته که برای پخش از تلویزیون ایرلند ضبط شده

است گروه‌های همسرایان از کشورهای کانادا، فنلاند، فرانسه، ایرلند، لهستان و اوکراین با گروه‌های همسرایان انگلیس به زبان‌های ایرلندی، انگلیسی، لاتین و روسی قدیم به هنرنمایی پرداختند.

توگو: اقبال ۹۲ نفر به امر مبارک

در کشور افریقائی توگو در يك سفر تبلیغی چهار روزه دو تن از احبّاء موفق شده‌اند از ۲۳ دهکده بازدید به عمل آورند و در پی بحث تبلیغی با اهالی این دهکده‌ها نود و دو تن را در ظلّ امر الهی وارد سازند و تشکیل چهارده نقطه، امری را از قوه به فعل درآورند. در پی اقبال این گروه به امر مبارک، تحت اشراف محافل روحانی محلی در منطقه برنامه‌های تقویت روحیه و تزئید معلومات احبّای تازه‌تصدیق آغاز شده است.

سیرالئون: ورود پانصد تن در ظلّ امرالله

در جریان يك برنامه، تبلیغی که در سال گذشته، مسیحی طیّ دو هفته در منطقه، لونگی (Lungi) در بندر لوگو (Port Logo) در سیرالئون به موقع اجراء گذارده شد بیش از پانصد تن به دیانت بهائی ایمان آورده و به خیل عاشقان جمال قدم جلّ اسمع الاعظم در این کشور پیوستند. این برنامه، تبلیغی با شرکت پانزده تن از احبّای الهی که به شش گروه تقسیم شده بودند به موقع اجرا درآمد. تشکیل بیست محفل

روحانی محلی تازه از دیگر پی آمدهای مسرتانگیز این برنامه بود. در پایان برنامه تبلیغی چهار تن از مبلغان تصمیم گرفتند برای تقویت و تزئید معلومات احبای جدید مدت چهار ماه در این منطقه بسر برند.

جمهوری کومی: تشکیل نخستین

محفل روحانی محلی

نخستین محفل روحانی محلی در جمهوری خودمختار کومی (Komi) از جمهوریهای خودمختار جمهوری فدرال روسیه در سیکتیرکار (Syktyrkar) پایتخت این جمهوری تشکیل شده است. جمهوری خودمختار کومی در شمال شرق روسیه قریب به دو میلیون نفر جمعیت و چهارصد و پانزده هزار کیلومتر مربع وسعت دارد. در زمان تشکیل این محفل در ماه ژانویه سال جاری شمار احبای شهر به هفده نفر می رسید و جامعه جوان بهائی با امید بسیار به آینده خود می نگرد.

استرالیا: اعلان امر الهی بوسیله

خانم علیا روحی زادگان

سرکار خانم علیا روحی زادگان که از نزدیک شاهد اسارت و شهادت ده تن از زنان جوان بهائی در شیراز بوده و این حماسه ایمان و مقاومت را در کتابی زیر عنوان «داستان علیا» (Olya's Story) به رشته تحریر درآورده است در ماه ژانویه سال جاری طی سفری به پرت (Perth) در غرب استرالیا به اعلان کلمه و تبلیغ امر الهی در این منطقه پرداخت. خانم علیا روحی زادگان علاوه بر شرکت در فعالیتهای برنامه تبلیغی کالیس فدرستون (Collis Featherstone) ایادی فقید امرالله، در چند گفت و شنود رادیویی و تلویزیونی به تشریح مبانی دیانت بهائی و تزییقات وارده بر احبای الهی در مهد امرالله پرداختند که در آن میان می توان به یک مصاحبه پانزده دقیقه ای با شبکه رادیویی ای. بی. سی. (ABC) [بنگاه سخن پراکنی استرالیا] اشاره کرد. از

سوی دیگر روزنامه های استرالیا نیز از جمله The Hills Gazette و Western Australian انتشار مقالاتی درباره خانم علیا روحی زادگان و کتاب وی پرداختند. در یازدهم ژانویه خانم علیا روحی زادگان در ضیافتی که با حضور خبرنگاران و گزارشگران مطبوعات و رادیو و تلویزیون در منزل یکی از احبای برگزار شده بود به تشریح تعالیم امر مبارک و فداکاریهای احبای الهی در ایران در سالهای اخیر پرداختند. ایشان افزون بر این در چند کنفرانس عمومی نیز در شهرهای دارلینگتون، هاروی و کمبریج به ایراد سخنرانی پرداختند. در هر یک از این جلسات بین یکصد تا یکصد و پنجاه تن از احبای الهی و دوستان غیربهائی شرکت داشتند.

در سفر مشارالیهها به نوادای امریکا مصاحبه ای مدت هفتاد دقیقه در مورد تزییقات احبای ایران و نحوه زندانی شدن و شهادت شهدای عزیز شیراز انجام گردید که در آن بخشهایی از ویدیوی مونا نیز نمایش داده شد. این ویدیو در سال ۱۹۹۵ به دریافت سه جایزه در زمینه های "بهترین مصاحبه دینی" و "بهترین برنامه دینی و اخلاقی" موفق شده است.

گُرسی های استادی مطالعات بهائی

در دانشگاه های هند

مطالعات بهائی و تحصیل معارف امری در دو دانشگاه هندوستان رسمیت یافته و گُرسی های استادی معارف بهائی در دانشگاه های مزبور تأسیس شده است. ابتداء در سال ۱۹۹۱ در دانشگاه ایندور (Indore) در ایالت مادیا پرادش (Madhya Pradesh) و اخیراً در ماه دسامبر ۱۹۹۵ در دانشگاه لکنو (Lucknow) در مرکز ایالت اُتار پرادش (Uttar Pradesh) گُرسی استادی معارف بهائی تأسیس گردیده است.

گُرسی معارف بهائی که در دانشگاه ایندور در دانشکده علوم اجتماعی قرار دارد موفق به تأسیس "مرکز مطالعات بهائی" در دانشگاه مزبور شده است

پیام بهائی شماره ۱۹۹

برای تبلیغ امر و اشاعه، پیام حضرت بهاء الله طرح نموده که عموماً با موفقیت روبرو بوده است. چهار نفر اخیراً ایمان خود را به آئین الهی ابراز داشته‌اند و در سیستم پست الکترونیکی کشور (اینترنت) بخشی اختصاص به اطلاعات درباره دیانت بهائی یافته بطوری که هر کس از طریق کامپیوتر در خانه، خود می‌تواند آن را خوانده و با نشانی و تلفنی که داده شده با جامعه بهائی تماس حاصل نماید.

نمایشگاه بهائی در یونان

نمایشگاه بزرگی از آثار و تعالیم و حیات حضرت بهاء الله به مدت یک هفته در ماه سپتامبر در مرکز ولوس در یونان تشکیل گردید که مورد بازدید بیش از پانصد تن از علاقمندان قرار گرفت.

فعالیت‌های آتی شورای اروپائی جوانان

شورای اروپائی جوانان قرار است در فاصله ۱۱ تا ۱۵ سپتامبر سال جاری کنفرانس مهمی در مؤسسه فرهنگی لندگ (سویس) درباره جوانان و اداره عمومی جهان برپا کند. این کنفرانس خصوصاً برای جلب جوانان غیر بهائی و آشنا ساختن آنان با اهداف جهانی امر الهی است.

اخبار خوش جزیره سیسیل

دومین انجمن شور ملی بهائیان سیسیل در موعد مقرر در رضوان گذشته با حضور ۱۲۶ تن از یاران تشکیل شد و اکنون شماره محفل روحانی محلی در آن جزیره به ۱۱ بالغ شده و در نتیجه هدف نقشه سه ساله به موفقیت انجامیده است.

نهضت تبلیغی در بلاروس

با اوج گرفتن نهضت تبلیغی در ماه آوریل و ورود گروهی به آئین الهی محفل روحانی ملی آن سرزمین توانسته است اهداف نقشه سه ساله خود را در مورد تشکیل ۶ محفل روحانی محلی تحقق بخشد.

در همه شهرهای بلاروس بیانیه رفاه عالم انسانی به شهرداران تسلیم شده و جلسات متعدد با حضور علاقمندان تشکیل گردیده است.

و برنامه‌های درجات دانشگاهی فوق لیسانس و دکترا در مطالعات بهائی توسط مرکز مزبور تدریس می‌شود. به علاوه مرکز مزبور دوره‌ها و دروس دیگری را در ارتباط با تعالیم و معارف بهائی در برنامه‌های مختلفی که در دانشگاه تدریس می‌شود ارائه می‌دهد. همچنین گرسی معارف بهائی در دانشگاه ایندور مسابقات مقاله نویسی درباره موضوعی که مربوط به تعالیم و اصول امر بهائی است در بین دانشجویان دانشگاه‌های هندوستان ترتیب می‌دهد.

گرسی جدید التأسیس معارف بهائی در دانشگاه معروف و تاریخی لکنو در بخش تاریخ قرار گرفته و تا به حال کنفرانس‌ها و سمینارها و مسابقات مقاله نویسی در موضوع مربوط به امر بهائی ترتیب داده است.

این دو گرسی دانشگاهی معارف بهائی بزودی هر یک مؤسسه مستقلی برای تدریس برنامه‌های دانشگاهی در زمینه خدمات اجتماعی که مورد نیاز هندوستان است ایجاد خواهند نمود تا نحوه اجرای تعالیم بهائی را در توسعه و عمران اجتماعی عملاً به دانشجویان بیاموزند. یکی از اقدامات این گرسی‌های دانشگاهی معارف بهائی ترتیب دادن سخنرانی‌های علمی و امری برای استادان و محققان بهائی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی در هندوستان است.

پیام بهائی: سفر دانشمندان و دانش پژوهان بهائی به هند و همکاری با گرسی‌های دانشگاهی مذکور و ایراد سخنرانی‌های علمی و امری در مؤسسات علمی در کشور مزبور سبب تقویت و افزایش حیثیت و اعتبار آن گرسی‌ها خواهد شد. دوستانی که علاقمند به این خدمت باشند می‌توانند با دفتر محفل روحانی ملی هندوستان مکاتبه فرمایند.

اخباری از ایسلند

فعالیت‌های تبلیغی در جزیره ایسلند قوت گرفته است. در شهر ریکیاویک پایتخت آن کشور که اینک شصت بهائی دارد محفل محلی برنامه‌های گوناگونی

پیام بهائی

نشریه ماهانه محفل روحانی ملی
فرانسه برای بهائیان

*

سال هجدهم، شماره پنجم
شماره مسلسل ۱۹۹

شهرالعملة - شهرالتور - شهرالرحمة ۱۵۲
خرداد - تیر ۱۳۷۵

*

نشانی هیئت تحریریه برای ارسال مقالات و
نامه‌ها و پیشنهادات

P.O. Box 106
1211 Geneve 25, Switzerland

*

نشانی برای ارسال حق اشتراك، نامه‌های
مربوط به امور اشتراك و تغییر نشانی

Payám-i-Bahá'í

B.P. 9

06240 Beausoleil

FRANCE

Fax: 33-93-784418

*

حق اشتراك سالیانه برای همه کشورها
۲۵۰ فرانك فرانسه است. تقاضا دارد با
حواله پستی یا با چك بانكي به فرانك
فرانسه به نشانی بالا و یا توسط بانك به
شماره حساب زیر حواله گردد:

Payám-i-Bahá'í

No 30003/01500-00037261910-30

Bank Société Générale

8 Av. J.Medecin

06000 Nice, France

کلیه اشتراك‌ها در اول هر سال میلادی
تجدید می‌گردد.

Payám-i-Bahá'í

Publie par l'Assemblée spirituelle

Nationale des Baha'is de France.

45 Rue Pérgolèse,

75116 Paris, FRANCE

مجمع عرفان و فعالیت‌های آن

مجمع عرفان بنیادی است که به یاد حاج مهدی
ارجمند از فضای بهائی و صاحب کتاب گلشن حقایق
تأسیس گردیده و هدف آن ترویج بررسی و پژوهش
در کتب مقدسه و آثار مبارکه برای بسط و افزایش
معارف امری یاران الهی است. مخارج این بنیاد از
مسندوقی که بیاد جناب ارجمند ایجاد گردیده تأمین
می‌گردد. این مجمع سالیانه دو بار جلساتی که یکی
در اروپا و دیگری در امریکا است تشکیل می‌دهد.
زبان این جلسات فارسی است ولی جلسات مشابهی
نیز به زبان انگلیسی تشکیل شده است. در دو سال
خیر موضوع‌های مورد توجه مجمع عرفان ارائه
تحقیقات درباره نکات و مسائلی که در اثر انتشار
کتاب مستطاب اقدس مطرح گردیده و نیز تهیه
پایندی تحقیقی و مستدل به شبهات و اعتراضاتی که
بر ضمه بهائی عنوان می‌گردد بوده است.

یازدهمین دوره مجمع عرفان از ۱۱ تا ۱۴ اکتبر
۱۹۹۶ همزمان با کنفرانس سالانه مؤسسه معارف
بهائی به زبان فارسی در مدرسه بهائی لوهلن
(Louhelen Bahá'í School) برگزار می‌شود و
علاوه بر رتبه تحقیقات پژوهندگان بهائی در آثار
مبارکه جذب دکتر شاپور راسخ و خانم دکتر مهری
ریح به عنوان سخنران میهمان در این جلسات
شرکت خواهند نمود. برای اخذ اطلاعات درباره
تشکیل مجمع عرفان در اروپا با مؤسسه انتشاراتی
عصر جدید و در امریکا با دفتر امور احبای ایرانی
مکتبه فرمتید:

Asr-i-Jadid

Elisabethenstr. 31

D-64283 Darmstadt - Germany

*

Persian/American Affairs Office

Bahá'í National Centre

Wilmette, IL 60091

USA.



این کتاب در ۶۱۸ صفحه با جلد تمیزی به قیمت ۳۶ دلار و با جلد مقوایی به قیمت ۲۲ دلار در کتابفروشی‌های بهائی بفروش می‌رسد. ناشر مؤسسه معارف بهائی کانادا است. (نشانی در ص ۶۲ این شماره آمده است.)